



دامپرواران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماهنامه تحلیلی - کشاورزی

شماره انتشار بین المللی ISSN 1680-1350

صاحب امتیاز:
نشر آوران اقتصاد سبز

مدیر عامل مؤسسه نشر آوران اقتصاد سبز:
منصور انصاری

مدیر مسئول:
مهندس محسن بیژن پور
mnbijanpoor@yahoo.com

دبیر هیات تحریریه:
منصور انصاری
ansari@damparvaran.com

زیر نظر هیات تحریریه

خبرنگار - دبیر سازمان آگهی‌ها:
حجت اله انصاری (جابری)

ویراستار و دبیر گزارش:
فرانک مسعودی

خبرنگاران:
عبدالحسین باخدا
سیاوش انصاری، محدثه بیگ‌زاده

طراح، صفحه آرا و حروفچینی:
سید عمار هاشمی

طراح جلد و آگهی رنگی:
حجت اله انصاری (جابری)

چاپ، لیتوگرافی و صحافی:
چاپ میران

تهران - خیابان سعدی شمالی، خیابان منوچهری، کوچه

ژاندارک، پلاک ۴

تلفن: ۳۳۹۰۵۲۷۷، ۳۳۱۱۲۳۳۴

فکس: ۳۳۹۵۳۴۰۴

نشانی: تهران - میدان توحید - خیابان توحید

خیابان نادر - پلاک ۲۷ ساختمان مجله دامپرواران

تلفن: ۵۴-۶۶۹۴۶۲۵۰، ۶۶۹۱۳۱۶۲، ۶۶۹۱۳۱۶۳ فکس: ۶۶۹۱۳۱۶۳

همراه: ۰۹۱۲۱۳۸۶۱۲ جابری، ۰۹۱۲۱۳۹۱۰۵ انصاری

کدپستی: ۱۴۵۷۸۱۴۸۷۱

◆ آنچه در این شماره می‌خوانید:

- ۱۰ قانون انتزاع در جستجوی «پرتقال فروش» (سر مقاله).....
- ۱۳ فغان دلالان و وارد کنندگان میوه به آسمان بلند شد (مقاله تحلیلی).....
- ۱۶ با اجرایی شدن قانون انتزاع چگونگی تنظیم بازار بر عهده وزیر جهاد کشاورزی خواهد بود (مقاله تحلیلی).....
- ۱۸ پشت صحنه و تفسیری متفاوت از ماجرای رانت ۲ میلیارد دلاری (گزارش تحلیلی).....
- ۲۲ تازه‌ترین هجوم قیمت به هست و نیست مرغداران بی‌سنگر (مقاله تحلیلی).....
- ۲۳ آموزش و ترویج شروط لازم برای توسعه پایدار کشاورزی (گفتگوی اختصاصی).....
- ۲۶ نگاهی گذرا به «دامپرواران» در سالی که گذشت (چکیده مقالات).....
- ۳۰ مدیران مجلس باید کشاورزی را از سیاسی کاری وار هانند.....
- ۳۳ رهیافتی به رد نظریه جنگ آب و غذا.....
- ۳۸ جنگ قیمت شیر و راهکارها.....
- ۴۱ وقت آن است راهبرد آب تدوین شود.....
- ۴۶ راهبرد «کشاورزی اقتصادی» و پایان تاریخ «تولید معیشتی».....
- ۴۸ قوانین بانکی فقط برای ضعفا.....
- ۵۱ با چه هدفی متخصصان حرف‌های غیر تخصصی می‌زنند.....
- ۵۷ پیشگیری، در مان و مر اقبته‌های پس از آن (مقاله علمی).....
- ۶۰ گذر از رخداد های کشاورزی.....
- ۷۱ خلاصه برخی مقالات به زبان انگلیسی.....

سر مقاله

قانون انتزاع در جستجوی «پرتقال فروش»

این تیتربا کنایه و استعاره پر سبشی را مطرح می‌کند که «آیا شأن و جایگاه دولت این است که یک بخش آن بر سر فروش پرتقال که ۹۸ درصد توسط بخشی از مردم یعنی کشاورزان و باغداران تولید می‌شود با بخش دیگر به نزاع پردازد؟»

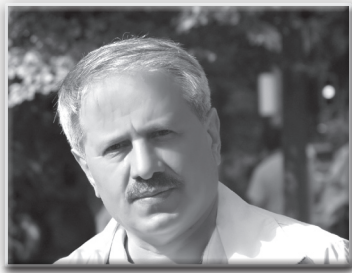
حکایت از این قرار است که قانونی موسوم به تمرکز وظایف یا انتزاع، شرح وظایف بازرگانی محصولات کشاورزی را از یک وزارتخانه تفکیک و به وزارتخانه دیگر با هدف تمرکز وظایف آن وزارتخانه می‌سپارد این قانون با نام «قانون افزایش بهره‌وری» پس از کشمکش‌های بسیار و رفت و آمدهای مکرر از مجلس به شورای نگهبان و برعکس و با اصلاحاتی در پی نقد بعضی از مطبوعات تخصصی بخش کشاورزی و البته اعتراض بخشی از تولید کنندگان، همانند فعالان صنعت مرغداری به هر حال در...

ادامه در صفحه ۱۰

www.damparvaran.com

E-mail: damparvaran_magazine@yahoo.com

E-mail: damparvaran@damparvaran.com



قانون انتزاع در جستجوی «پرتقال فروش»

قوس‌های کم و بیش به دولت دهم ابلاغ می‌شود، دولتی که اصولاً در سایه باور عمل‌گرایی افراطی چندان بهایی برای قوانین مجلس و قانونمندی قایل نمی‌شد، لذا تا مدتی این قانون را مسکوت می‌گذارد و برای اجرا ابلاغ نمی‌کند. پس از آن در سال ۱۳۹۲ دولتی با شعار تدبیر امید و تأکید بسیار بر اجرای قوانین و قانونمندی بر سر کار می‌آید. این دولت نیز به رغم اصرار در اجرای قوانین مصوب به گفته خودشان گرفتار آوار برداری از ویرانه‌های پیشین می‌شود و در عین حال می‌گوید که ساز و کار و ابزارهای لازم برای اجرایی کردن قانون افزایش بهره‌وری را ندارد و البته خزانه مملکت نیز خالی است و با دست خالی در حال بیرون آوردن سنگی هستند که در «چاه ویل» یارانه‌های نقدی فروغلطیده است ولی در کنار همه این دشواریها تلاش دارد برای اجرای این قانون که شرح وظایف بازرگانی و تنظیم بازار، کالاهای پیش از تولید محصولات کشاورزی و بعد از فرآوری را به وزارت جهاد

این تیترا با کنایه و استعاره پرسشی را مطرح می‌کند که «آیا شأن و جایگاه دولت این است که یک بخش آن بر سر فروش پرتقال که ۹۸ درصد توسط بخشی از مردم یعنی کشاورزان و باغداران تولید می‌شود با بخش دیگر به نزاع پردازد؟»

حکایت از این قرار است که قانونی موسوم به تمرکز وظایف یا انتزاع، شرح وظایف بازرگانی محصولات کشاورزی را از یک وزارتخانه تفکیک و به وزارتخانه دیگر با هدف تمرکز وظایف آن وزارتخانه می‌سپارد این قانون با نام «قانون افزایش بهره‌وری» پس از کشمکش‌های بسیار و رفت و آمدهای مکرر از مجلس به شورای نگهبان و برعکس و با اصلاحاتی در پی نقد بعضی از مطبوعات تخصصی بخش کشاورزی و البته اعتراض بخشی از تولیدکنندگان، همانند فعالان صنعت مرغداری به هر حال در ۸۹/۵/۶ به تأیید نهایی شورای نگهبان می‌رسد و در ۸۹/۵/۱۹ در مجلس تصویب و پس از مدتی با کش و

کشاورزی یعنی کشاورزی مملکت می‌سپارد مسئولیت بعضی از نهادها، ارگانها و شرکت‌های مرتبط به بازرگانی را در اختیار این وزارتخانه قرار دهد. کشمکش میان دو بخش از دولت یعنی وزارتخانه‌ای که طبق قانون عهده دار تنظیم بازار شده است و وزارت صنعت، معدن، تجارت که قبلاً این وظیفه را برعهده داشت از همین جابجایی‌ها آغاز می‌شود. «شرکت پشتیبانی امور دام» می‌رود سپس می‌آید، «شرکت بازرگانی دولتی» هم به همین طریق، خلاصه بحث اینکه وزارت جهاد کشاورزی می‌گوید اجرایی کردن این قانون بدون نهادهای ضروری به مثابه چاقوی بدون دسته و قانونی ناکارآمد است تا اینکه به نروز ۱۳۹۴ و پرتقال می‌رسیم. پرده‌ها کنار می‌رود و آتش توپخانه «دورزن» کسانی که چنبره بسته تا فروش پرتقال نروز ۱۳۹۴ را چون سالیان گذشته به بهانه تنظیم بازار برعهده بگیرند «مواضع خودی» را زیر آتشبار سنگین خود قرار می‌دهند و از پرده برون می‌افتد راز، که «وامصیبتا» هیچکس در ایام عید ۱۳۹۴ نتوانست پرتقال را کمتر از ۵ هزار تومان خریداری کند. چرا باید مردم پرتقال ۱۱ هزار تومانی بخورند، چرا مانند سال‌های ۹۰ و ۹۱ واردات میوه نداشته‌ایم، چرا امسال مبلغ ۷۵۰ میلیون دلار اختصاص یافته برای واردات میوه در این دو سال در میان نیست! و اصرار بر اینکه تولید پرتقال داخل کفاف نیاز شب عید را نمی‌دهد و آخر کلام اینکه «اگر تنظیم بازار در دست ما بود» این اتفاق رخ نمی‌داد، بعد هم لابد به کلی حاشا می‌کردند که وقتی نرخ دلار (در سال ۱۳۹۰) ۱۲۰۰ تومان بود مردم پرتقال وارداتی را - بعضاً با شبهاتی در مورد کشور مبدأ که وصفش را همه می‌دانند - بالای ۵ هزار تومان خریدند، یعنی به نرخ امروز دلار حداقل کیلویی ۱۵ هزار تومان، ولی با این همه آشکارا جنگ توپخانه‌ای پرتقال

را حواله می‌دهند به جابجا کردن قانون موسوم به انتزاع یا همان افزایش بهره‌وری که باید تنظیم بازار برگردد به جای اولش!

بنابراین نه پرتقال دنبال قانون انتزاع یا همان تمرکز وظایف می‌گردد و نه این قانون به دنبال فروشنده پرتقال سرگردان، بلکه یک بخش از دولت که قبلاً مجری و مسئول تنظیم بازار بود از اینکه براساس این قانون، تنظیم بازار محصولات کشاورزی و فرآورده‌های دام و طیور به وزارتخانه دیگری و واگذار شده گله‌مند و دلخور است حال اگر از این جنگ پرتقالی بگذریم و جدی‌تر سخن بگوییم، به طور عمده دو دیدگاه در مورد تنظیم بازار محصولات کشاورزی و فرآورده‌های دام و طیور در سطح جامعه کشاورزی و البته تصمیم‌سازان و مسئولان سیاسی اقتصاد بازرگانی وجود دارد، بقیه اظهار نظرها سطحی، بی محتوا و منفعت طلبانه است. یک دیدگاه می‌گوید وزارتخانه تولید کننده یعنی جهاد کشاورزی نباید در تنظیم بازار برای مصرف کننده تعیین تکلیف کند، به عبارتی احتمال جانبداری از تولید کننده به زیان مصرف کننده را بعید نمی‌داند و می‌گوید این خطر وجود دارد که دفاع غیر منطقی از تولید، مصرف کنندگان به ویژه اقشار آسیب‌پذیر و زیر خط فقر را دچار گرسنگی سلولی کند و در مضیقه و کمبود قرار دهد و معیشت روز مره مردم با مشکل مواجه شود.

در این دیدگاه یک انحراف نظری وجود دارد، مشیرین این دیدگاه بر این گمانند که اقتصاد ایران هنوز یک اقتصاد «درون‌گرای بسته» و صد درصد دولتی است، تولید متعلق به دولت است و بخش خصوصی نقش و جایگاه چندانی ندارد و در عین حال بازار عرضه و تقاضا نیز از عملکرد و کارایی موثر برخوردار نیست. این گروه از صاحب‌نظران غالباً مسئولان پیشین دولتی

بوده یا هستند. این نحله فکری نمی‌خواهند باور کنند «قیمت هیچ کالایی حتی ضروری‌ترین آنها با دستور دولت افزایش و یا کاهش غیر متعارف نخواهد یافت، تصمیمات دولت‌ها به میزان محدود و در مقاطعی خاص می‌تواند قیمت را به نفع تولیدکنندگان یا مصرف‌کنندگان بالا و پائین کند. دوران «یخچال‌نخرد» یا «پسته‌نخورد» قیمتش پائین خواهد آمد، یا «پارانه‌ها را برای تحصیل فرزندان پس انداز کنید» سپری شده است. گذشته از این انحراف نظری که می‌توان صفحات بسیاری به آن اختصاص داد یک انحراف اجرایی نیز هست و آن اینکه اگر وزارتخانه‌ای که متولی تولید است نباید تنظیم بازار را برعهده بگیرد پس وزارتخانه صنعت، معدن، تجارت نیز بالاخره تولیداتی را زیر بلیط خود دارد و این مشکل برای آن وزارتخانه هم بروز پیدا می‌کند!

از کجای معلوم که آن یکی وزارتخانه پدر تولیدکنندگان کشاورزی را در نیامورد با این دیدگاه که اگر تولید داخل هم نشد به درک اسفل سافلین، دلارهای نفتی که هست، دهها گونه میوه و تره بار از کشورهای مختلف وارد می‌کنیم، حتی اگر انگور آرژانتین دانه درشت باشد یا لوبیا چشم بلبلی، دیدگاه دوم بر این باور است که دولت دخالت قیمتی کمتری بکند و در برابر، بسترهای تنظیم بازار را برای خود تولیدکنندگان کشاورزی و فرآورده‌های دامی فراهم سازد، یعنی تلاش کند که کانون ثقل بازار عرضه از خود دولت و از صنوف شهری به تشکلهای تولیدی انتقال و صنوف سنتی و بازار بنکداری، هم طراز و در کنار تولیدکنندگان به صورت سازمان یافته و پاسخگو قرار گیرند. حتی دولت می‌تواند با کمک خود تشکلهای «واسطه‌گری شناسنامه‌دار» را در قالب تشکلهایی ترکیبی با تشکلهای تولیدی عهده‌دار

تنظیم بازار کند. مثلاً فلان اتحادیه یا تعاونی باغداران یا مرغداران رسماً اعلام کند فلان تشکل بنکداری یا سلف‌خری و واسطه‌گری مورد تایید و طرف قرارداد برای عرضه کالاهای تعاونی ما است و اگر خودمان نتوانستیم بفروشیم، از طریق این تشکل صنفی توزیع اقدام می‌کنیم. دیگر مادولت پرتقال فروش یا اتحادیه‌ای که تمام تلاشش خلاصه شود در «شیرفروشی» یا تبدیل شیر به شیر خشک نخواهیم داشت و دیگر اتحادیه‌ها از عرضه شیر به صورت فله برای حل مشکل دامداران طرفداری نمی‌کنند.

یکی از معاونان مهندس حجتی که غالباً با خلاقیت‌های فکری خاص در فرآیند رخدادها به جمع‌بندی می‌رسد تلویحاً در یکی از مصاحبه‌های روزهای پایانی سال ۱۳۹۳ گفته بود «ما در تنظیم بازار میوه به این نتیجه رسیدیم که سردخانه اجاره کنیم و در اختیار تولیدکنندگان قرار دهیم و خودشان را مسئول عرضه تنظیم بازار میوه کنیم البته همین ایده نیز تمهیداتی دارد ولی متفاوت از فعالیتی است که لامحاله دولت در ایام نوروز ۱۳۹۴ انجام داد... یعنی دولت بسترساز کار بازرگانی است نه اینکه خودش مستقیم به بازرگانی بپردازد، در چنین تعاملی دولت با اتکا به آمار و فضای عمومی بازار می‌تواند بر روند توزیع و میزان آن نظارت کند، یعنی عرضه یا خروج کالا از سردخانه‌ها را مشروط به تنظیم بازار در ابعاد مختلف از جمله وضعیت قیمت نماید!

منصور انصاری



فغان دلان و واردکنندگان میوه به آسمان بلند شد

در حالی که شاکله دولت و بخش عمده‌ای از تصمیم‌گیرندگان و تصمیم‌سازان در صحنه و پشت صحنه دیپلماسی کشور بر تابه داغ و آتشین مذاکرات هسته‌ای شب راه روز و روز راه شب می‌رسانیدند واردکنندگان میوه و تره بار و دلان مرتبط به آنان در تلاش بودند عدم کفایت سیاسی دولت و وزارت جهاد کشاورزی راه بهانه‌ناوانی در تنظیم بازار میوه به موضوع اصلی مملکت تبدیل کنند و در این میان چشم اسفندیار ماجرای نیز در چهره کمبود، نبود، گرانی یا بی‌کیفیتی پرتقال جستجو کردند. ایشان تیرهای متعددی در مورد افزایش قیمت پرتقال به عنوان شاه میوه مرکبات را در صدر اخبار قرار دارند و متأسفانه بعضی از مسئولان دلسوز کشور را که مسئولیت مستقیم یا قبول تنظیم بازار بخشی از محصولات کشاورزی و یافراورده‌های پروتئینی را بر عهده گرفته بودند وارد بازی فوتبال بی‌امان تیرزنی کردند.

مثلاً یکی از سایتهای خبری به رغم این ادعا که گویا مسئولان از ماجرای گرانی پرتقال کاملاً بی‌خبرند خود را در رابطه با آنچه که شاکله دولت، ملت و کشور را در لوزان درگیر کرده است به بی‌خبری می‌زند و آشکارا می‌نویسد: «**ماجرای گرانی عجیب پرتقال و مرغ سوژه نوروز ۱۳۹۴ شده است**» این رسانه، بی‌خبر از اینکه بسیاری از مردم شب تا صبح و با پیگیری مداوم اخبار داخلی و خارجی منتظر آخرین تحولات در این مذاکرات بودند و در جایگاه دلسوزی می‌گوید: «**این گرانی بی**

سابقه سبب شد بسیاری از خانواده‌ها به علت کمبود بودجه، از خرید پرتقال برای نوروز ۱۳۹۴ خودداری کنند» و در گفتار متناقض دیگری می‌گوید: «**کاهش شدید تقاضا برای پرتقال در برخی شهرها خصوصاً مناطق کم درآمد کشور به حدی بود که توزیع کنندگان و فروشندگان هم مجاب شدند از خرید و توزیع پرتقال بگذرند**» و اضافه می‌کند: «**اگر همین امروز در سطح شهرها دنبال پرتقال بگردید متوجه می‌شوید کمتر مغازه‌ای پرتقال عرضه می‌کند**»

چندین سوال می‌توان از این نویسنده پرسید:

۱- «برخی شهرها» را نام ببرد، این شهرها کدام بودند که باید در سطح آنها چرخید تا مثلاً یک کیلو پرتقال پیدا کرد؟ ۲- وسعت این «برخی شهرها» چقدر بوده و جمعیت آنها چقدر؟ ۳- نویسنده این خبر بر اساس کدام گشت و گذار چنین حکمی را صادر می‌فرماید؟

۴- ایشان با چند توزیع‌کننده پرتقال گفتگو کرده که از توزیع پرتقال امتناع کرده اند؟ ۵- نویسنده محقق که در کمتر از یک روز سطح چند شهر را گشته یا توسط عواملی که داشته است این گشت و گذار را برایش انجام داده‌اند چگونه استدلال می‌کند که یک کالای سریع‌الفساد که از سردخانه خارج شده به خاطر قیمت بسیار بالا تقاضا ندارد تا آنجا که حتی توزیع‌کنندگان، منظورشان همان دلان بی‌نام و نشان است، این کالا را عرضه نمی‌کنند

ولی با این وجود همچنان قیمتش به قول تیرت ایشان حداقل ۸ هزار تومان باقی می‌ماند؟ در واقع باید پرسید که این چه کالایی فاسد شدنی است که حتی در شرایط عرضه و تقاضایی این چنینی باز هم دچار سقوط قیمت نمی‌شود؟ آیا نمی‌توان تصور کرد که این خبرنگار در فضای مناقشات دشوار لوزان بر آن است که به قول خودش ماجرای گرانی عجیب پرتقال را به هر حال سوژه نوروز ۱۳۹۴ کند؟!

این خبرنگار با ذکر نقل قول‌های متعدد از مسئولان از جمله مهندس حسین صفایی معاون وزیر جهاد کشاورزی و رئیس سازمان مرکزی تعاونی روستایی و یکی دو تن از معاونان ایشان که چنین و چنان وعده‌ای داده‌اند و این وعده‌ها عملی نشده است باز هم به بدیهه پردازی شاعرانه و ذهنی می‌پردازد و یک حکم کلی من در آوری صادر می‌فرماید که «**کمتر کسی**» را می‌توان در اقصی نقاط کشور پیدا کرد که شب عید امسال پرتقال زیر ۵ هزار تومان خریداری کرده باشد!

طبق اظهار ایشان، از میان مثلاً ۳۰ میلیون از آحاد کشور که احتمالاً آرزو داشته‌اند یک کیلو یا کمتر پرتقال خریداری کنند «**کمتر کسی**»، مثلاً چند نفر موفق شده‌اند زیر ۵ هزار تومان به این کالا دست یابند، بعد هم این «شاه میوه» را به عنوان «شاه بیت» بی‌کفایتی و بی‌تدبیری دولت یازدهم تفسیر کرده و می‌نویسد «**این انتظار که در روزهای آینده شاهد تدبیری**



سال ۱۳۹۴ از یک تیتربا این عنوان استفاده می‌کند: «قیمت هر کیلو پر تقال به ۱۱ هزار تومان رسید» و بلافاصله در همان تیتربا می‌نویسد: «پرش قیمت‌ها زیر سایه سکوت ستاد تنظیم بازار» در واقع یک تیتربا القایی که مثلاً پر تقال به ۱۱ هزار تومان رسیده است و لی پرش قیمت‌ها، باید پرسید دیگر قیمت کدام کالاها مورد نظر است؟! و البته اینکه ستاد تنظیم بازار وجود ندارد یا اگر هست سکوت اختیار کرده است، در این نوشته مطول و خسته‌کننده، که البته خوانندگان خاص خود را دارد قصد نداریم براساس یک تحقیق انجام شده به آمار و ارقام تولید پر تقال، اوج مصرف، قیمت خرید آن از کشاورزان، میزان عرضه آن در میادین میوه و تره بار، و متوسط قیمت عرضه شده در غرفه‌هایی که به طور خاص به این میوه اختصاص یافته بود پردازیم ولی با تأسف باید گفت جمع بندی این گونه خبرها که همگی ناشی از دلخوری‌های سازمان یافته واردکنندگان میوه است را با زبان دیگری از قائم مقام وزیر صنعت و معدن و تجارت در امور تجارت و معاون بازرگانی داخلی این وزارتخانه در گفتگو با همان سایت‌ها می‌شنویم.

ایشان با چرخاندن گرز قانون انتزاع سر صحنه می‌آید و می‌گوید: «مردم برای اولین بار شب عید پر تقال ۱۱ هزار تومانی و مرغ ۹ هزار تومانی خریدند» و می‌گوید: ما چه کاری می‌توانستیم انجام دهیم، تنظیم بازار در این اقسام در حوزه اختیارات ما نبود» و با طرح یک بحث مردم پسند غیر تخصصی می‌گوید: وزارت جهاد کشاورزی به دنبال بالانگهداشتن قیمت هاست و حقوق مصرف کنندگان را رعایت نمی‌کند! طبعاً به کارگیری جمله «برای اولین بار پر تقال ۱۱ هزار تومانی و مسائلی از این دست» از سوی یک معاون وزیر با پیشینه بیش از ۲۷ سال فعالیت در عرصه‌های مختلف بازرگانی و اقتصادی، نمی‌گوییم ناشیانه بلکه غیر تخصصی است.

۵۰ سال پیش نیز پر تقال کیلویی ۳ ریال یعنی ۳

۲۹۰۰ تومان فروخت. حسین مهاجران نتیجه می‌گیرد: هم بخش خصوصی و هم دولت با قصد تجارت وارد این عرصه شده‌اند و البته با این اقدام وزارت جهاد کشاورزی «تنظیم بازار از بین رفت». آشکار است که حسین مهاجران از دو موضوع ناراحت هستند، یکی جلوگیری از واردات پر تقال و دوم اینکه چرا «تنظیم بازار دست وزارت جهاد کشاورزی» افتاده است ولی آنچه که آشکار نیست رابطه منطقی و منطبق اقتصادی و بازرگانی است که چگونه خرید یک کالا توسط وزارت جهاد کشاورزی، بر فرض درست بودن ادعای ایشان به قیمت ۱۲۰۰ تومان و خرید با کیفیت آن توسط بخش خصوصی به قیمت ۲۰۰۰ تومان موجب گرانی شده است؟

مگر در همین مصاحبه نمی‌گویند که وزارتخانه ۱۲۰۰ تومان خریده و ۲۹۰۰ عرضه کرده است پس علت گرانی چه بوده است؟

خبرنویس پیشین سایت مجازی جهان نیوز که وصفش رفت نیز در روز ۱۳۹۳/۱/۸ یعنی ده روز قبل همین حرف آقای حسین مهاجران را می‌زند و می‌گوید: «از آنجا که امسال بخش عملیاتی تنظیم بازار محصولات کشاورزی به وزارت جهاد کشاورزی واگذار شده بود مسئولان این وزارتخانه پیش از مسئولان وزارت صنعت معدن تجارت درباره تدابیر تنظیم بازار سخن می‌گفتند».

این سوژه یعنی بحث تنظیم بازار و قانون موسوم به انتزاع یا تمرکز وظایف یا آنچه که قانون افزایش بهره‌وری نامیده می‌شود در تیتربا رسانه‌های هم طراز متعدد دیگر به کرات تکرار می‌شود.

مثلاً «سایت باخبر» در همان روزهای آغازین

برای ارزان کردن قیمت این محصول (همان شاه محصول) باشیم انتظاری خلاف تدبیر است» یعنی دولتی که تدبیر لازم برای متعارف کردن قیمت پر تقال را ندارد چگونه می‌تواند در پیشبرد مذاکرات لوزان تدبیر به کار گیرد؟

البته خبرنویس این سایت مجازی، گویا در آن روزها همچون سایر همفکران خود دغدغه‌ی بزرگتری از «مذاکرات لوزان» را، در مورد کمبود، نبود، گرانی و بی‌کیفیتی پر تقال‌های خریداری شده توسط وزارت جهاد کشاورزی و عدم خرید پر تقال توسط مردم داشته که پس از ذکر سخنان حسین مهاجران رئیس هیات مدیره اتحادیه فروشندگان میوه و سبزی که ادامه همین تیتربا سازی و تیتربازی می‌پردازیم به آن اشاره خواهیم کرد. حسین مهاجران پرده را کنار می‌زند و در ۱۳۹۴/۱/۱۷ به راحتی می‌گوید که این تیتربا به خاطر چیست، ایشان ادعا می‌کند و می‌گوید: «خرید پر تقال با کیفیت توسط

بخش خصوصی به قیمت ۲۰۰۰ تومان و خرید ذخیره سازی پر تقال‌های بی کیفیت توسط وزارت جهاد کشاورزی به قیمت ۱۲۰۰ تومان علت گرانی پر تقال در ایام نوروز بود». وی با تحلیل شرایط آب و هوایی و خسارت به باغات مرکبات ارزیابی و پیش بینی وزارت جهاد کشاورزی در مورد میزان تولید پر تقال را نادرست می‌داند و می‌گوید: وزارت جهاد کشاورزی با این ارزیابی جلوی واردات پر تقال را گرفت و اضافه می‌کند: ذخایر پر تقال وزارت جهاد کشاورزی بی کیفیت بود و پر تقال درجه ۳ به بازار عرضه شد. وی وزارت جهاد کشاورزی را متهم می‌کند که پر تقال‌های روی دست مانده را با هزار و دو بیست تومان خرید و به مردم به قیمت



قران بوده است و تخم مرغ محلی ۲۰ عدد ۱۰ ریال! برای یک متخصص بازرگانی اینگونه سخن گفتن با رسانه‌ها سنجیده و مستدل نیست از این گذشته ایشان با زبان بی‌زبانی می‌گوید: **تولید داخلی و حمایت از آن را به قول بچه‌های تهران «بی خیال»، وارد کنید!** در صورتی که همه دنیا می‌دانند حمایت از مصرف‌کننده به صورت راهبردی و نه با شیوه‌های عوام‌فریبانه از مسیر حمایت از تولید داخل عبور می‌کند، البته تعاملات جهانی، انتقال دانش و فن‌آوری، و واردات در مقابل صادرات و مبادلات بازرگانی دوسویه شرط اصلی و گریزناپذیر یک اقتصاد پرتحرک، زنده و پویاست.

آقای خسرو تاج و دوستان طرفدار واردات پرتقال ایشان بدانند که از هم‌اکنون باغداران مرکبات شمال به اصلاح، باسازی و تعمیرات

اساسی در باغات خود پرداخته‌اند، اگر بگذارند! و به قول حافظ بصیر: «شکایت از که کنم خانگی است غمازم!» در پایان گفته شود طرح این بحث به این معنی نیست که تمامی فرآیند عرضه پرتقال داخلی از خرید تا عرضه و مصرف اشکال و ایراد نداشته است، بدون تردید درس‌های بسیاری از این تجربه باید آموخت ولی آنچه مهم است: برای اولین

بار طی دو دهه گذشته واردات مرکبات و پرتقال در ایام پرمصرف نوروز نداشته‌ایم! و این در حالی است که طبق آمار قابل اتکا در سال‌های ۹۰ و ۹۱ بالغ بر ۷۵۰ میلیون دلار صرف واردات میوه شده است.

تحریریه دامپوران

تاکید مقام معظم رهبری؛

تهیه سند ملی محیط زیست و جرم‌انگاری تخریب محیط زیست

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به جنگل‌ها و مراتع به عنوان ریه‌های تنفسی شهرها و عوامل نگهدارنده خاک، از دست‌اندازی افراد سودجو به جنگل‌ها و منابع طبیعی بخصوص در شمال کشور ابراز تأسف شدید کردند و افزودند: دستگاه‌های مسوول باید قاطعانه با تعدی به جنگل‌ها به هر بهانه‌ای اعم از هتل‌سازی و جذب گردشگر و ساخت حوزه علمیه و برخی توجیهات به ظاهر قابل قبول، مقابله کنند.

ایشان، پدیده زمین‌خواری و اخیراً «کوه‌خواری» و ساخت و ساز در ارتفاعات را از دیگر مسائل رنج‌آور و اسف‌بار دانستند و تأکید کردند: باید در قانون، اینگونه اقدامات جرم تلقی شوند و افراد سوءاستفاده‌کننده بی‌هیچ اغمازی مورد تعقیب قضایی قرار گیرند و اگر در دستگاه‌ها نیز کوتاهی انجام گیرد، باید با عوامل این کوتاهی هم به شدت برخورد شود.

آیت‌الله خامنه‌ای، نقش آفرینی مردم برای حفظ محیط زیست و فرهنگ‌سازی در جامعه به وسیله رسانه ملی را مهم ارزیابی و خاطر نشان کردند: مطالبی که باید بیان شوند، امروز گفته شد و از این پس مردم باید قضاوت کنند که کدام دستگاه‌ها به وظیفه خود برای حفظ محیط زیست عمل می‌کنند و کدام دستگاه‌ها برای حفظ محیط زیست، تلاش و اقدام لازم را انجام نمی‌دهند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با مسوولان محیط زیست و منابع طبیعی تأکید کردند: حفظ محیط زیست یک وظیفه حاکمیتی است که باید با تهیه سند ملی محیط زیست و پیوست زیست محیطی برای همه طرح‌های عمرانی و صنعتی و همچنین جرم‌انگاری تخریب محیط زیست، به این وظیفه بسیار مهم، عمل شود.

رهبر انقلاب اسلامی، چالش زیست محیطی را چالشی فراگیر در سراسر جهان برشمردند و با اشاره به آثار بلندمدت مسائل زیست محیطی، خاطر نشان کردند: تجربه‌های کشورهای مختلف نشان می‌دهد بسیاری از مشکلات محیط زیستی قابل پیشگیری و دارای راه حل هستند.

آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان نمونه به موضوع آلودگی هوادر کلان‌شهرها و پدیده ریزگردها اشاره و تأکید کردند: این مشکلات، با صبر و حوصله و تدبیر و پیگیری لازم، قابل حل هستند.

ایشان افزودند: مساله محیط زیست، مساله این دولت یا آن دولت، مساله این شخص یا آن شخص و مساله این جریان و یا آن جریان نیست، بلکه موضوعی کشوری و ملی است که باید برای حل مشکلات مرتبط با آن، همه دست به دست یکدیگر دهند.

با اجرایی شدن قانون انتزاع

در سال‌های پیش رو چگونگی تنظیم بازار پر سرش اساسی
و تعیین‌کننده از وزیر جهاد کشاورزی خواهد بود

گفتار نخست

بر آن بودیم که سر مقاله شماره فروردین ماه ۱۳۹۴، یعنی شماره ۱۵۹ را به موضوع هیاهوی گرانی پرتقال که هدف سازمان دهندگان آن اثبات بی‌کفایتی دولت و وزارت جهاد کشاورزی در تنظیم بازار شب‌عید میوه و یکی دو قلم کالای دیگر بود، اختصاص دهیم. یاد آمد پیش از این مطلبی در مورد «اجرایی شدن قانون انتزاع» به صورت سر مقاله نوشته‌ایم، وقتی جستجو کردیم این مقاله را در شماره ۱۴۵ بهمن ماه سال ۱۳۹۲ یافتیم. قصدم این بود برای مستدل کردن بحث چند جمله از این مقاله را در مطلب جدید ذکر کنم که دیدم مطلب خوبی است و حاوی پیش‌بینی و در عین حال توصیه‌های جدی و کارساز برای مهندس حجتی وزیر جهاد کشاورزی.

آن هنگام حجتی فقط ۶ ماه بود سکان وزارت جهاد کشاورزی را در دست گرفته بود و خیلی از مسائل، هنوز نه تنها در مورد ایشان بلکه در مورد دولت یازدهم مشخص نبود، امسال که بعضی از دوستان داخل دولت و آنان که خارج از دولت سودای دیگری در سر دارند موضوع ناتوانی وزارت جهاد کشاورزی را همان‌طور که گفته شد سوژه اصلی نوروز ۱۳۹۴ کردند در یغمان آمد این مقاله را عیناً چاپ نکنیم. شاید وزیر و همکارانش مذاقه کنند که مجلات تخصصی در تحلیل موضوعات و مباحث و پیش‌بینی مسائل تا چه حد دقیق و همه‌جانبه و در عین حال منصفانه می‌نویسند و مطالعه این مقاله‌ی مربوط به ۱۴ ماه پیش آنان را از فضای تفکرات صد در صد دولتی تا حدی هر چند اندک دور نماید، فضایی که غالباً گردابی از عمل زدگی و روزمرگی را برای آنان فراهم می‌سازد.

رابر دوش وزیر جهاد کشاورزی و معاونان وی قرار می‌دهد، شرح وظایفی دو گانه - یعنی تولید و تجارت - که هر گز نمی‌توان گفت به سادگی قابل اجرا هستند اما باید افزود که این یک ضرورت و حاصل آزمون و خطا و جمع‌بندی بسیاری از کشورهای دنیاست که برای اولین بار به این صورت گسترده و جامع و در قالب این دو قانون به وزارتخانه‌ای که پیش از این و به طور عمده مسئول تولید داخل محصولات کشاورزی بود واگذار شده است، به زبان ساده، وزارت جهاد کشاورزی از یک سو باید پاسخ تولید و تولیدکنندگان اعم از آن دسته که تولید اقتصادی می‌کنند و آنان که

بهره‌وری» نیز اختیار صدور مجوز واردات تمامی کالاها و محصولات بخش کشاورزی اعم از خام یا فرآوری شده، حتی مواد اولیه غذایی مورد نیاز صنایع غذایی و تبدیلی به وزارت جهاد کشاورزی تفویض شده است، این دو ماده قانونی مصوب، وزارت جهاد کشاورزی را به یکی از پر مسئولیت‌ترین وزارتخانه‌های دولت تبدیل می‌کند که با تمرکز بر شرح وظایف تنظیم بازار و اختیارات مشروح مرتبط به آن، کشور را از دوگانگی و چندگانگی در تصمیم‌گیری و اجرا نجات بخشیده و در عین حال تمامی بار مسئولیت پاسخگویی به جمعیت بالغ بر ۷۵ میلیون نفر

با تأکید بر اجرای مواد پنجگانه قانون موسوم به انتزاع و با استناد به ماده ۱۶ قانون افزایش بهره‌وری وزارت جهاد کشاورزی از نظر اختیارات قانونی به طور کامل و تمام عیار مسئول تنظیم بازار تمامی فرآورده‌های کشاورزی اعم از زراعت، باغبانی، صیفی، سبزی، گوشت مرغ، تخم مرغ، گوشت قرمز، شیر و فرآورده‌های لبنی، آبیان، قند، چای، شکر، پیله ابریشم، روغن و دانه‌های روغنی در ابعاد مختلف از جمله تجاری، اعم از صادرات و واردات و.... خواهد بود، فراتر از ماده یک قانون انتزاع و گسترش کم سابقه شرح وظایف این وزارتخانه، در متن «ماده ۱۶ قانون افزایش

مهندس حجتی وزیر جهاد کشاورزی بداند دیگر الزاماً و به طور اخص وزیر برای تولید نیست، وزیر است برای تنظیم بازار با ماهیتی «بازرگانی محور»، گرچه به صورت دوگانه و پیش از این نیز این وزارتخانه در مقابل نوسانات قیمت محصولات کشاورزی و فرآورده‌های دام و طیور همانند تخم مرغ و گوشت مرغ ملزم به پاسخگویی به کلیه نهادهای ناظر از جمله مجلس بود. در سال‌های پیش رو، پاسخ‌چگونگی تنظیم بازار اصلی‌ترین پرسش از وزیر جهاد کشاورزی و معاونان وی در بخش‌های مختلف خواهد بود

بازرگانی و در مسیر تنظیم بازار تبدیل و تعریف می‌شود.

مهندس حجتی وزیر جهاد کشاورزی بداند دیگر الزاماً و به طور اخص وزیر برای تولید نیست، وزیر است برای تنظیم بازار با ماهیتی «بازرگانی محور» گرچه به صورت دوگانه و پیش از این نیز این وزارتخانه در مقابل نوسانات قیمت محصولات کشاورزی و فرآورده‌های دام و طیور همانند تخم مرغ و گوشت مرغ ملزم به پاسخگویی به کلیه نهادهای ناظر از جمله مجلس بود و با اولین تکانه قیمتی احضارها و پرسش‌ها در اشکال و ابعاد مختلف به میان می‌آید و به واقع نیز عیار خوب عمل کردن و بد عمل کردن، پیش از آنکه در حوزه تولید مورد مذاقه قرار گیرد در عرصه مصرف بود، اما این بار موضوع کاملاً دگرگون و متفاوت شده است، در سال‌های پیش رو، پاسخ‌چگونگی تنظیم بازار اصلی‌ترین پرسش از وزیر جهاد کشاورزی و معاونان وی در بخش‌های مختلف خواهد بود.

با تصویب این دو قانون و اجرایی شدن آنها وزیر خوب از منظر مردم، مسئولان و قوای سه‌گانه وزیری خواهد بود که بازار محصولات کشاورزی به طور عام را با رضایت نسبی مصرف‌کنندگان تنظیم نماید.

این بحث وقتی برجسته‌تر می‌شود که دولت یازدهم در کنار بسیاری مسائل، به طور عمده وعده‌هایی برای بهبود معیشت مردم نیز داده است، اینکه آیا وزارت جهاد کشاورزی آمادگی قبول این مسئولیت را دارد یا ندارد، ساز و کارهای لازم برای تحقق اهداف تنظیم بازار به صورت ویژه را ملحوظ می‌کند یا خیر و انجام این وظیفه خطیر چقدر وزارتخانه را از پرداختن به تولید دور می‌کند یا نزدیک، هنوز برای قضاوت و پیش‌بینی زود است ولی طرح بحث آن برای مذاقه کشاورزان که آینده‌شان چگونه رقم خواهد خورد ضروری به نظر می‌رسد.

منصور انصاری

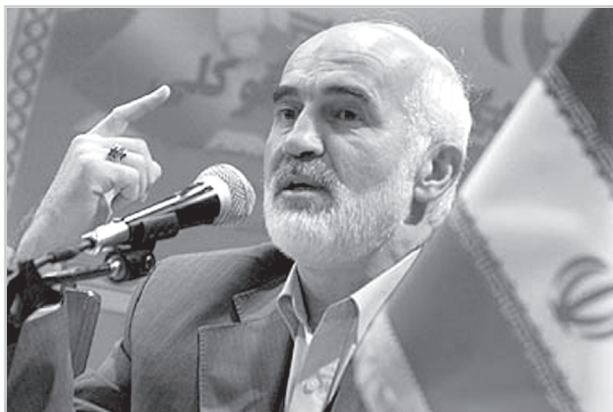
بنیادین و سرنوشت‌ساز برای مسئولانی است که خود را در آینده پاسخگو می‌دانند. برای پاسخ به آن الزاماً باید پرسید ماهیت شرح این وظایف چیست و در پاسخ می‌توان از این دریچه به موضوع نگاه کرد که تمامی آنچه قرار است اتفاق بیفتد اجرای قانونی ماهیتاً «بازار محور» یا «بازار بنیاد» است اعم از ارزیابی هزینه و فایده با قالب تعیین میزان بودجه تحقیقات تا آنجا که مصرف‌کنندگان یعنی مردم از تنظیم بازاری که مسئولیتش به وزارت جهاد کشاورزی واگذار شده راضی باشند یا اعتراض و نارضایتی خود را به اشکال مختلف بروز دهند و البته همه اقتصاددان‌ها نیز می‌دانند کلید واژه بازار در حوزه مصرف به ویژه محصولات کشاورزی و مواد غذایی «قیمت» است و شاخص قیمت هم متناسب با حداقل دستمزدها به عنوان «گرانی»، «ارزانی»، «مناسب» یا «نامناسب» ارزیابی می‌شود، این پرسش که مصرف‌کنندگان در دهک‌های پائین قدرت خرید دارند یا ندارند شاه‌بیت این غزل طولانی خواهد بود.

به عبارت دیگر با تصویب و اجرایی شدن این دو قانون، حال به صورت لامحاله، ضروری یا الگوبرداری از کشورهای دیگر، موضوع وزارتخانه‌ای که بتوان ماهیت شرح وظایف آن را تولید محصولات کشاورزی نامید در میان نیست زیرا یک وزارتخانه «تولید بنیاد» به وزارتخانه‌ای با درگیری‌ها همه‌جانبه

تولید سنتی و معیشتی دارند را بدهد و از سوی دیگر در انتهای زنجیره، نیاز مصرف‌کنندگان را در ابعاد کمی، کیفی و قیمت برآورد و برای عرضه و توزیع پیش‌بینی‌های لازم را اتخاذ کند، این فرآیند پیچیده و پرفراز و نشیب در ۵ حلقه اساسی تعریف می‌شود؛ در ابتدا «تحقیقات علمی ژنتیکی» برای ژن‌های پر بازده در تمامی زیربخش‌های کشاورزی اعم از گیاه تا موجود زنده، دوم تهیه و تدارک خدمات پیش از تولید برای حمایت از تولید داخل، سوم تهیه و تامین شرایط برای عرضه محصولات تولید داخل به بازار که خود فرآیندی تمام‌عیار است و شاخه‌ها و زیرمجموعه‌های بسیاری را شامل می‌شود، چهارم حلقه واردات به شرح مفاد قانون و کالاهایی که مجوز آنها در اختیار وزارت جهاد کشاورزی قرار گرفته و پنجم حلقه نهایی مشاهده بازار از بیرون و هماهنگی میان تولید داخل و ارزیابی متناسب با نیاز مصرف‌کنندگان بر طرف کردن کمبودهایی که می‌تواند بازار داخل را در تمامی ابعادش آشفته و مضطرب نماید.

در اینجا بدون شک پرسش اساسی تمامی کارشناسان و دست‌اندرکاران اعم از نمایندگان مجلس تا مسئولان وزارت جهاد کشاورزی این است که با کدام یک از فاکتورها یا عوامل تاثیرگذار در این زنجیره چند فرآیندی می‌توان کنترل سایر حلقه‌ها را در دست گرفت و چه باید کرد که شیرازه از هم فرو نریزد؟ این پرسشی

پشت صحنه و تفسیری متفاوت از نامه ۱۵ نماینده مجلس و ماجرای رانت ۲ میلیارد دلاری



بخشنده معاون امور برنامه ریزی و اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی صددرصد سهام آنها دولتی است. با این حال، حسب تشخیص حاد بودن موضوع، دکتر توکلی و ۶ نماینده همراه ایشان ترجیح داده اند موضوع رانه با وزیر جهاد کشاورزی، بلکه مستقیم با دکتر روحانی رئیس جمهوری کشور در میان بگذارند.

تقریباً تمام تیترو رسانه ها و حتی عنوان گفتگوی صدا و سیما قبل از هر تحقیق و مطالعه و یا اضافه کردن عبارتی مانند «ادعای نمایندگان مجلس»، موضوع رانت دو میلیارد دلاری را به صورت مسجل و قطعی مورد تأکید قرار دادند، گویا جامعه منتظر است که حسب پیشینه ذهنی این اتفاق را بدون تعمق و تفکر بپذیرد، به واقع طرح موضوع، آن هم با قید محرمانه بودن نامه در ۹۳/۱۱/۲۶، و چون که جوابی نگرفته است انعکاس مجدد در ۱۳۹۴/۱/۱۸، اذهان مخاطبان عام را بیشتر

جویی و اقدامات غیر قانونی و قانون شکنانه شکل گرفته است و مردم نگران و بیمناک از آنچه که نمایندگان مجلس برای اولین بار در خبرگزاری فارس انعکاس داده بودند منتظر جواب روشن از سوی دولت بودند. نامه که خطاب به دکتر روحانی رئیس جمهور و تاریخ آن ۹۴/۱/۱۸ است در ابتدا می گوید: «حدود یک ماه و نیم پیش یعنی ۱۳۹۳/۱۱/۲۶ طی نامه ای محرمانه به امضاء ۷ نماینده مجلس که از جمله امضاء کنندگان این نامه نیز هستند به استحضار رسانده شد که دولت محترم تصمیم به واردات دو میلیارد دلاری به شکل انحصاری به دست دو شرکت دولتی (شرکت نهاده های جهاد و شرکت جهاد تحقیقات آب و انرژی) گرفته و در حال اجراست».

گفتنی است که این دو شرکت از جمله شرکت های زیر مجموعه وابسته به وزارت جهاد کشاورزی هستند که به گفته عبدالمهدی

به یکباره نامه ای به امضاء دکتر توکلی نماینده نام آشنای مجلس شورای اسلامی و ۱۴ نماینده دیگر به ریاست جمهوری در مورد رانت ۲ میلیارد دلاری در بسیاری از رسانه ها و سایت های خبری با ذکر نام دو شرکت «نهاده های دامی جهاد» و شرکت «تحقیقات آب و انرژی» با این عنوان که مبلغ ۲ میلیارد دلار از محل بودجه تخصصی صندوق توسعه ملی برای پروژه موسوم به مهار آبهای مرزی به صورت غیر قانونی برداشت شده است در فضای رسانه های مجازی، سپس مطبوعات و در کمتر از ۲۴ ساعت در یکی از شبکه های صدا و سیما، در قالب گفتگوی زنده و از جانب طرفداران قطعی بودن این رانت ۲ میلیارد دلاری فضای افکار عمومی را به سوی خود کشانید با این مضمون که متأسفانه در دولت یازدهم هم به مانند گذشته، عرصه جدیدی برای رانت خواری، رانت

متقاعد می کرد که موضوع را بپذیرد تا در مورد آن تردید نکند.

در ادامه این فضا، صدا و سیما با این هدف که یک طرفه به قاضی نرفته باشد پس از برنامه اولی که در مورد این رانت دو میلیارد دلاری پخش کرد، شب هنگام سه شنبه ۹۴/۱/۲۵، مناظره‌ای میان دکتر عبدالمهدی بخشنده معاون وزیر جهاد کشاورزی و دکتر توکلی به صورت زنده و دکتر رضا شیوارئیس شورای رقابت به عنوان میهمان تلفنی سازمان دهی می کند. به گفته دکتر بخشنده حدود ساعت ۹ شب به ایشان خبر می دهند که چنین برنامه‌ای در شبکه ۲ هست یعنی بدون اطلاع قبلی بوده است.

به هر حال، فردای این روز یعنی چهارشنبه ۹۴/۲۶/۱، دکتر بخشنده تعدادی از رسانه‌ها و شبکه‌های خبری و یک شبکه از صدا و سیما و نگارنده این سطور از «مجله دامپروان» و دو همکار دیگر از مجلات تخصصی؛ مهندس گلباف از «دام، کشت، صنعت» و مهندس محمدرضا جمشیدی از «اقتصاد سبز» را با هدف توضیح و تشریح بیشتر «به اصطلاح رانت دو میلیارد دلاری» برای دو شرکت «نهاده‌های دامی جاهد» و شرکت «تحقیقات آب و انرژی» دعوت می کند. در این مصاحبه، دکتر بخشنده ضمن ارائه خلاصه‌ای از مناظره تلویزیونی، روایت کاملاً متفاوتی از این موضوع را با خبرنگاران در میان می گذارد و ناگفته‌های بسیاری را بیان می کند.

روایتی متفاوت از «به اصطلاح» رانت دو

میلیارد دلاری

دکتر بخشنده معاون وزیر جهاد کشاورزی به خبرنگاران گفت: در پی نامه اول دکتر توکلی و ۶ نماینده دیگر به ریاست جمهوری با وی تماس گرفتم که اجازه ملاقات بدهند، پس از ۲ ساعت انتظار جلوی در ورودی مجلس، به رغم اینکه گویا خود دکتر توکلی

بسم الله الرحمن الرحيم

برادر ارجمند جناب آقای دکتر روحانی فوری

رئیس جمهور محترم؛ سلام علیکم ۱۳۹۴/۰۱/۱۸

حدود یک ماه و نیم پیش، در تاریخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۶ طی نامه محرمانه‌ای به امضای ۷ نماینده مجلس، که از جمله امضاء کنندگان این نامه نیز هستند، به استحضار رسانده شد که دولت محترم تصمیم به واردات دو میلیارد دلاری به شکل انحصاری به دست دو شرکت دولتی (شرکت فرآورده‌های دامی جاهد و شرکت جهاد تحقیقات آب و انرژی) گرفته و در حال اجرای آن است.

این اعتبار بخشی از همان ۶ میلیارد دلاری است که جنابعالی از رهبر انقلاب اجازه خواستید برای مهار آبهای مرزی از صندوق توسعه ملی بردارید که با آن موافقت شده است. در جلسات ذریبط دولت چنین استدلال شده بود که بهتر است به جای آن که ارز تخصیصی برای مهار آبهای مرزی را به روال معمول به بانک مرکزی بفروшим تا ریال آن صرف پروژه‌ها شود، بهتر است آن را صرف واردات کالای اساسی نماییم و پس از فروش کالای وارداتی، ریال جمع آوری شده را برای مهار آبهای مرزی صرف کنیم. علت ترجیح نیز این است که در روش فروش به بانک مرکزی، پول پر قدرت افزایش می یابد که تورم زا است، ولی در حالت دوم ضمن آن که پول از داخل جامعه جمع میشود، عرضه کالای اساسی نیز افزایش می یابد. اخیراً نیز بخشی از همان ارز برای واردات آهن آلات ساختمانی در نظر گرفته شده است. پیش از بیان تبعات این تصمیم، باید به ناتمامی استدلال پایه‌ای آن اشاره شود. فروش ارز به بانک مرکزی در صورتی پایه پولی را افزایش میدهد که موجب افزایش دارایی خارجی بانک شود، در حالی که در شرایط فعلی که ارز در اختیار بانک ناکافی است، بازار تشنه تمام ارزی را که بانک بتواند عرضه کند، برای واردات می خرد. در واقع فروش ارز مورد بحث به بانک مرکزی، به واسطه، فروش به بازار بود و دارایی خارجی بانک را نمی افزود تا پول پر قدرت اضافه شود. این نحوه تصمیمات، گرچه به قصد پرهیز از تشدید تورم اتخاذ شده باشد، تبعات زیر را در پی دارد:

۱. مقصود اصلی را که تسریع در اقدام برای مهار آبهای مرزی بود، به تاخیر می اندازد. زمان از دست رفته میتواند تا یک سال و در مواقعی بیش از آن طول بکشد. فراموش نکنیم یک علت رجوع به رهبری لزوم تسری در کار بود.
۲. بلای دولتی بودن را تشدید میکند. بلایی که بارها و بارها مورد اعتراض رهبر معظم انقلاب بوده و دولت اجتناب از آن را وظیفه خود اعلام کرده است.
۳. چون به شکل انحصاری کار فقط به دست دو شرکت دولتی انجام میگردد، رانتی است شبیه رانت ۶۵۰ میلیون یورویی ولی این بار با ارز دولت و برای دولتی‌ها. اکثر مفاسدی که بر آن مورد صادق بود اینجا هم صدق میکند. در هر دو مورد (تخصیص رانت ۶۵۰ میلیون یورویی به یک شرکت خاص خصوصی و رانت بیش از آن به دو شرکت دولتی) ماده ۵۲ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ نقض میشود. علاوه بر آن مورد اخیر، با ماده ۸ قانون مذکور نیز مغایر است که مقرر می دارد "هر امتیازی که برای بنگاههای دولتی... مقرر شود، عیناً و با اولویت برای بنگاه یا فعالیت اقتصادی مشابه در بخش خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی باید در نظر گرفته شود". منطق

هم تلاش بسیار برای حل موضوعات حراستی ورودی اینجانب انجام می‌دهد، موضوع را به طور کامل با ایشان در میان گذاشتم و در مورد آنچه که قرار است انجام بگیرد و مزایای اقتصادی آن و موضوعاتی که در چارچوب ضرورت‌های ملی و راهبرد ذخیره کالاهای اساسی برای کشور وجود دارد توضیح کامل دادم و از جمله گفتم که با اشاره به شرایط مختلف گفتگوهای ژنو و بعد از آن، ذخیره گندم را از ابتدای سال ۱۳۹۴ برای ۷ ماه آینده و سایر کالاهای اساسی را حداقل برای ۵ تا ۶ ماه انجام داده‌ایم هر چند که این موضوع در تمامی دولت‌های گذشته به دلایل مختلف تنظیم بازار و ایجاد تعادل و تامین مایحتاج مردم مدنظر بوده است ولی ما می‌خواستیم مقدار ذخیره را حسب تأکید ریاست محترم جمهوری و شرایطی که با آن درگیر هستیم به مدت طولانی‌تر انجام دهیم.

لذا آنچه که دکتر توکلی در مورد پاسخ نامه محرمانه‌اش به دکتر روحانی می‌گوید که: «شان ما نمایندگان مجلس این نبود که تنها بیانیه‌ای از سوی روابط عمومی وزارتخانه در پاسخ این نامه صادر شود»، با آنچه که اتفاق افتاده است یعنی دیدار اینجانب و توضیح و تشریح کامل شیوه نامه مصوب دولت و اهداف و ضرورت‌های ملی و همچنین چگونگی اجرا و تخصیص این مقدار ارز به خصوص ارقامی که در اختیار نهاده‌های دامی جاهد و شرکت تحقیقات آب و انرژی گذاشته شده است متفاوت است.

دکتر بخشنده معاون وزیر جهاد کشاورزی می‌گوید: به نظر می‌رسد ایشان به رغم این توضیحات اصرار به رسانه‌ای کردن این موضوع داشته است که حاصل آن نیز، انعکاس اطلاعات نادرست، غیر دقیق و غیر منصفانه در مورد این دو شرکت است.

دکتر عبدالمهدی بخشنده معاون برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی

این احکام نیز کم کردن دخالت دولت در امور اقتصادی و کارا تر بودن بخش خصوصی و کاهش هزینه ملی است.

۴. نکته مهم این است که در وضعیتی این تصمیم عملی شد که بنا بر آمار گمرک، بخش خصوصی حجم عظیمی واردات داشت و در همان حال شرکت‌های دولتی موظف به حفظ ذخایر استراتژیک، نیز دست به واردات حجیم زده بودند و بازار اشباع بود. چون واردات کالای اساسی کشاورزی به دست دوشرکت دولتی سابق الذکر، بدون توجه به وضعیت اشباع شده بازار انجام گرفته است، نرخ فروش را به زیر قیمت تمام شده کشاند و مشکلات تازه‌ای را برانگیخت. مثلاً در مورد ذرت، چون دولت نرخ تضمینی تعیین کرده بود، با پایین آمدن قیمت بازار، کشاورزان به قیمت تضمینی متمایل شدند و فقط به دولت فروختند و چون سازمان تعاون روستایی انتظار حجم انبوه خرید را نداشت، پرداخت بها به ذرت کاران برخلاف سالهای اخیر، عقب افتاد و نارضایتی تازه‌ای آفرید. علاوه بر آن که زیان چند صد میلیارد تومانی را از این بابت بر سازمان تعاون به عنوان کارگزار دولت تحمیل کرد. زیان دوشرکت دولتی واردکننده را که بیش از این‌ها برآورد میشود باید به این رقم افزود. جدای از زیان بخش خصوصی که مانند واردکننده دولتی باید زیر قیمت تمام شده بفرود شد.

۵. اگر تصمیم غلط مزبور به آهن آلات تسری یابد، که فرارگاه خاتم مأمور وارد کردن شده است، همان بلا تکرار خواهد شد. الان این بازار هم بارکود مواجه است و تولیدکنندگان داخلی آهن آلات برای تأدیه بدهی خود، به طلبکاران پیشنهاد تسویه کالایی می‌دهند.

۶. احتمال فساد و زدوبند در چندین میلیارد دلار خرید خارجی بسیار بالاست. علاوه بر همه زیان‌های فساد، زیان ریالی دوشرکت مأمور خرید را نیز افزایش می‌دهد.

پس از تقدیم آن نامه هیچ علامتی حاکی از این که جنابعالی نامه هفت نماینده را دیده باشید، دریافت نکردیم. این حسن ظن به جنابعالی وجود دارد که اگر نامه را مطالعه فرموده بودید علی‌القاعده دستور توقف این قانون شکنی با این همه تبعات را صادر می‌فرمودید. معاون اول محترم و حتی وزیر محترم جهاد کشاورزی نیز به نامه پاسخی ندادند. به جای آنها روابط عمومی وزارت جهاد کشاورزی در تاریخ ۲۶ اسفند طی بیانیه‌ای در پاسخ مصاحبه یکی از امضاءکنندگان ضمن پذیرش ماجرا به وجه مذکور، عذر آورد که ویژگی وضعیت سبب اتخاذ آن تصمیم و اجرای آن بود و با کمال تعجب بر ادامه این کار غلط مهر تأیید زد! البته شأن مردم و نمایندگان مردم و رفاقت و همدلی اقتضاء داشت در پاسخ آن نامه هفت نماینده رفتار دیگری دیده میشد، ولی جای شکر دارد که دولت انجام آن تصمیم و اقدام ناصواب را انکار نکرد بلکه صادقانه آن را پذیرفت.

غرض از این شمارش هزینه‌های مختلف تصمیم گرفته شده و اقدامات غیرقانونی متعاقب آن، تذکره به جنابعالی است تا سریعاً نسبت به توقف این روند دستور صریح صادر فرمایید و بجای آن، ارزها در اختیار بانک مرکزی قرار گیرد تا به تدریج در بازار تشنه ارز بفرودشد و ریال آن را که از جامعه جمع می‌شود در اختیار وزارت نیرو قرار دهد تا بدون معطلی برای مداوای درد مهار آبهای مرزی اختصاص دهد. کار تجارت را نیز به مردم و در موارد مجاز قانونی، به شرکت‌های دولتی مسئول تامین کالاهای استراتژیک بسپارید. منتظر اقدام سریع شما هستیم.

می‌گوید: همگان اطلاع دارند که بخشی از ذخایر ارزی مادر کشورهای مختلف مسدود و غیر قابل انتقال است و ما فقط می‌توانیم از این ذخایر برای واردات غذا یا مواد اولیه منجر به غذا و همچنین دارو استفاده کنیم، از سوی دیگر حسب موافقت مقام معظم رهبری مقرر شد که از محل ذخایر موجود صندوق توسعه، در مجموع ۱۰ میلیارد دلار به شکل سالانه ۲ میلیارد دلار تبدیل به ریال در صندوق پایایی بانک مرکزی و به ترتیب برای پیشرفت چند پروژه، شامل ۴۸۳ هزار هکتار در ۱۲ استان مرزی از جمله ۵۵۰ هزار هکتار در خوزستان و ایلام تخصیص یابد. حسب شیوه‌نامه مصوب هیات دولت و برای اینکه پایه پولی ضعیف نشود و نقدینگی حاصل از تبدیل این مقدار مبالغ ارزی موجب افزایش تورم نگردد، چنین تدبیر شد که از ذخایر مسدود شده خارج از کشور برای تامین مواد اولیه مورد استفاده در خوراک دام طیور، همانند جو، کنجاله سویا، ذرت و اقلام دیگر تا سقف ۲ میلیارد دلار استفاده شود و با ورود تدریجی این نهاده‌ها و فروش آنها به تولیدکنندگان شیر و گوشت قرمز و گوشت مرغ و تخم مرغ، نقدینگی به دست آمده براساس یک شیوه‌نامه روشن و شفاف به بانک مرکزی باز گردد که هم نقدینگی موجود در بازار جمع آوری شود و هم پایه پولی تضعیف نگردد.

دکتر عبدالمهدی بخشنده یادآور شد: کل پولی که در سال ۱۳۹۳ توانستیم برای نهاده‌های دام و طیور و کالاهای اساسی تا تاریخ ۱۳۹۴/۱/۲۲ اختصاص دهیم مبلغ ۸۲۳ میلیون دلار بوده است که از این میزان فقط ۱۴۰ میلیون دلار توسط شرکت نهاده‌ها دامی جاهد و شرکت تحقیقات انرژی و آب مورد استفاده قرار گرفته است، آیا این رقم، آن هم با آن توضیح و تشریح، انحصار و رانت است؟ دکتر بخشنده که به نظر می‌رسید از انعکاس

اینگونه اخبار و اطلاعات دلخور و آزرده خاطر است گفت: از کل حجم واردات اقلام ذرت ۳ درصد، جو ۵ درصد و کنجاله سویا حداکثر ۱۰ درصد توسط شرکت‌های دولتی از جمله نهاده‌های دامی جاهد در سال ۱۳۹۳ صورت گرفته است، آیا می‌توان این را انحصار در این زمینه نامید؟

وی یادآور شد که هرگز پروژه‌های مورد نظر که با موافقت مقام معظم رهبری و از منابع ارزی صندوق توسعه در حال اجرا هستند با کمبود اعتبار مواجه نخواهند شد کما اینکه تاکنون هزار میلیارد تومان در اختیار وزارت نیرو و برای انجام کارهایش اختصاص یافته است و هیچ کمبود ریالی در میان نیست و پروژه‌های مربوط به وزارت نیرو و وزارت جهاد کشاورزی مطابق برنامه پیش می‌روند.

دکتر بخشنده افزود: کشور ما در شرایط خاصی به سر می‌برد، ما برای تامین بخش عمده‌ای از مواد غذایی ناگزیر به حمایت از تولیدکنندگان هستیم و باید کمبودهای آنان را در زمینه مواد اولیه جبران کنیم که امنیت این سرمایه‌گذاری عظیم و ملی در عرصه دام و طیور با مشکل جدی مواجه نشود و برای این کار الزامی است که به موقع واردات نهاده‌ها انجام گیرد و ذخیره‌سازی کالاهای اساسی نیز توأمان تدبیر شود. دکتر بخشنده ادامه داد: خوب نیست براساس اطلاعات نادرست و غیر دقیق، اینگونه دولت مورد هجوم قرار گیرد و ظن تخلف در اذهان عمومی جامعه به وجود آید و گفته شود که ۲ میلیارد دلار به دو شرکت دولتی اختصاص داده شده است، در حالی که این رقم حداکثر به ۱۵۰ میلیون دلار نیز نمی‌رسد، لذا ما از صدا و سیما می‌خواهیم این «اشتباه عدد ۲ میلیارد دلار رانت» که در شبکه‌های مختلف هم مداوم انعکاس یافته است را تصحیح کند. نگارنده بر این باور است، در پایان این گفتگوی طولانی دکتر عبدالمهدی

بخشنده، اگر بخواهیم نامه ارسالی ۱۵ نماینده مجلس شورای اسلامی به رئیس جمهور - که به زعم ایشان به دلیل بی‌توجهی دولت و عدم رعایت شأن نمایندگان مجلس رسانه‌ای شده است - را بازخوانی کنیم، به برداشت دیگری از آنچه که اختصاص رانت ۲ میلیارد دلاری به دو شرکت دولتی بوده است خواهیم رسید و اگر از دلایل اقتصادی نگارندگان نامه که می‌گویند؛ این اقدام ضد توری و پرهیز از تورم نیست و پایه پولی بانک مرکزی را نیز قدرت نمی‌بخشد، بگذریم و به ۶ دلیلی اصلی این نامه مبنی بر ناصواب بودن این اقدام بپردازیم باید گفت؛ کلیات و مبانی این دلایل در حوزه یک اقتصاد فارغ از سیطره دولت و نه به معنی تماماً آزاد تا حد زیادی درست است اما مصادیق آنه دقیق، همه جانبه، مستند و مستدل نیست، «مثلاً موضوع تاخیر در تخصیص اعتبارات به پروژه‌های مهار آبهای مرزی و معطل ماندن این پروژه‌ها و یا شباهت این موضوع به آنچه که دکتر توکلی رانت ۶۵۰ میلیون یورویی می‌نامد و یا ضرر بخش خصوصی به دلیل این اقدام یعنی انحصار دو شرکت نامبرده بر بازار نهاده‌ها و یا احتمال فساد و زد و بند چندین میلیارد دلاری خریدهای خارجی که در این نامه آمده است.»

البته این اتفاقات در مواردی ممکن است رخ دهد ولی، ضمن اینکه از هم اکنون نمی‌توان حکم قطعی صادر کرد باید گفت برای پیشگیری از بروز آنها در آینده هم دولت مکلف، موظف و مسئول است که مذاقه کند و هم مجلس تمامی فرآیندها را جزء به جزء تحت نظر بگیرد. به هر حال آنچه که مسلم است، فضا سازی و خائف کردن دولت که دست به هیچ تدبیری نزنند در شرایط خاص کنونی چندان به صلاح مملکت نیست.

منصور انصاری



تازه‌ترین هجوم قیمت به هست و نیست مرغداران بی سنگر در آغاز سال جدید

اگر مرغداران را سنگر سازان بی سنگر در خط مقدم ایجاد امنیت غذایی کشور بنامیم نه احساساتی شده‌ایم و نه حرفی مبالغه آمیز زده‌ایم، زیرا اگر قیمت یک کیلو گوشت مرغ را با یک کیلو میوه - البته نه پرتقال آزاد که کم و بیش خودنمایی می‌کرد بلکه همان پرتقال ۳ هزار تومانی، یا یک کیلو ماهی قزل‌آلا، آن هم نه از نوع زنده حوضچه‌ای اش که بسیار بالا بود، بلکه معمولی اش که حدود ۱۵ هزار تومان قیمت داشت - قیاس کنیم می‌پذیریم این سنگر سازان در جبهه بی در و پیکر امنیت غذایی کشور به محض گرایش قیمت به وضعیت متعارف و منطقی و بالاتر از ۷ هزار و ۵۰۰ تومان تا مرز هشت هزار و ۵۰۰ تومان که توسط دلالان به وجود آمده بود با چه تهاجماتی از سوی دوست و دشمن روبرو شدند بی آنکه کسی به نقش دلالان و وابسته‌های غیر متعارف اشاره‌ای داشته باشد که هم از مرغ یخ زده پنج هزار و پانصد تومانی با انواع حيله و ترفند و آب کردن یخ آنها حظ وافرو بهره فراوان بردند و هم از شیرینی بازار مرغ گرم که در ارتباط با مرغ‌های تاریخ مصرف گذشته یاد ر استانه انقضاء، مشتریان بسیاری در صف خرید داشت. در این میان، شیرینی قیمت، آن هم در حد سودی متعارف و اندک برای مرغداران چیزی کمتر از یک ماه و نیم بود. چند روزی مانده به آخرین روزهای تعطیلی، با ته کشیدن موجودی و پس انداز اندک مسافران بازگشته از سفر، سقوط قیمت مرغ آغاز شد و در روز ۹۴/۱/۲۲ بر اساس متوسط قیمت اخذ شده از

نقاط مختلف کشور و همچنین آمار ارائه شده از سوی موسسه اطلاعات مرغداری که قابل اتکا و استناد است قیمت مرغ زنده میان ۳۷۰۰ تا ۴۰۰۰، تخم مرغ ۲۲۵۰ تا ۲۵۶۰، جوجه رأس ۱۰۰۰ تا ۱۱۰۰ تومان و جوجه کاپ - که البته خریداری نیز ندارد - ۷۰۰ تا ۸۰۰ تومان رسید.

به عبارت ساده سقوط قیمت مرغ آغاز شده است و از هم اکنون مرغداران از هر کیلو مرغ حداقل ۱۰۰۰ تومان زیان می‌بینند چرا که نگهداری مرغ به وزن رسیده و مهیا برای عرضه به بازار با توجه به شدت سقوط آزاد قیمت برای مرغداران بسیار خطرناک و ویران کننده است. بنابراین فعلاً معلوم نیست که چه اتفاقی خواهد افتاد، به خصوص اینکه مصرف کنندگان هنوز مقداری از مرغ خریداری شده در ایام نوروز را دارند و یا هزینه‌های ایام عید و مسافرت قدرت خرید اقشار متوسط رو به پایین را به شدت کاهش داده است، بالا بودن قیمت گوشت قرمز، ماهی و شیلات و آبیان، عرضه و خرید گوشت مرغ را به طیف وسیعی از مردم متکی کرده است. به عبارتی، دیگر مردم بیش از آنکه سایر اقلام پروتئینی را خریداری و مصرف کنند از گوشت مرغ استفاده می‌کنند لذا کاهش قدرت خرید اقشار مختلف جامعه مصرف بیش از تمامی کالاهای غذایی بر میزان خرید گوشت مرغ تاثیر گذار است، بنابراین افزایش قیمت آن ابزاری موثر برای کسانی است که به هر دلیل می‌کوشند بی کفایتی وزارت جهاد کشاورزی در تنظیم

بازار گوشت مرغ و تخم مرغ را برای نیت‌ها و مقاصد سیاسی خود در بوق و کرنا کنند اما همین افراد، در شرایط سقوط قیمت مرغ که البته خود یک نقص آشکار در تنظیم بازار است سکوت می‌کنند و اصرار دارند سخنی نگویند تا مبادا مصرف کنندگان بی‌شمار را خوش نیاید. در این میان، مسئولان دولتی نیز به رغم اینکه از موضوع بی اطلاع نیستند، به آن اندازه که در گرانی تلاش وافر می‌کردند قیمت را پایین بکشند، برای افزایش قیمت گوشت مرغ، در حد متعارف و یا حتی در حدی که دامنه ورشکستگی و نابودی مرغداران را کاهش دهد خود را تحت فشار نمی‌بینند. در چنین وضعی فقط می‌توان «مرغداران را سنگر داران بی سنگر جبهه تامین پروتئین مورد نیاز مردم، آن هم غالباً از هست و نیست خود به شمار آورد.» چه بسا مرغدارانی که در این میانه اگر لیلاج تولید هم باشند باز، بازنده قماری بشوند که خود در آن نقشی ندارند و برگ‌هایش در دست سیاستمداران است.

در پایان این مقاله به دولت پیشنهاد می‌شود حداقل به همان میزان که در اخبار با حدت و شدت اعلام می‌کردند که هر قدر مرغ یخ زده ۵۵۰۰ تومانی بخواهید هست، اعلام کنند که هر چه مازاد تولید گوشت مرغ هست خریداری می‌کنند. البته به فوریت نیز عمل کنند تا حداقل جو روانی حاکم، زمینه سقوط بیشتر گوشت مرغ را متوقف سازد.

بحث تحریریه مجله دامپرووران

تدوین و تنظیم: حجت‌اله انصاری (جابری)

آموزش و ترویج شروط لازم برای توسعه پایدار کشاورزی



بهره‌برداران به کلی فراموش شده‌اند سخنی مبالغه‌آمیز نگفته‌ایم.

وی یادآور شد: این بی‌توجهی در حالی است که در جهان امروز آموزش یکی از ارکان اساسی نیل به توسعه پایدار به حساب می‌آید و نیروی انسانی کارآمد و متخصص در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع، نقش به‌سزایی ایفا می‌کند. در کشور ما، آموزش در بخش‌های گوناگون به ویژه در بخش کشاورزی اهمیت بیشتری دارد، زیرا تنوع اقلیم، تعدد رشته‌های تحصیلی در این بخش، تنوع نظام‌های بهره‌برداری، ظرفیت بالای اشتغال و وجود منابع غنی از یک سو، بالا بودن سن و پایین بودن سواد شاغلان، بازده کم تولید و بهره‌برداری از محصولات کشاورزی از سوی دیگر، ضرورت اتخاذ تدابیر لازم در عرصه توسعه و تعمیق آموزش‌های مورد نیاز شاغلان دولتی و خصوصی در بخش کشاورزی را ایجاب می‌کند.

دکتر آستانی یادآور می‌شود که بر آموزش شاغلان دولتی تأکید داریم به این علت که بخش خصوصی لامحاله و به این دلیل که هست و نیست و سرمایه و وقت خود را برای تولید به کار گرفته است و نیاز مبرم به بهره‌وری بیشتر دارد، امر آموزش کارکنان خود را دنبال می‌کند ولی هیچ ضرورت ذاتی موجب نمی‌شود که سطح آموزش و آموخته‌های خود را ارتقاء دهند. وی افزود: از جانب دیگر اگر فاصله دانش کاربردی بخش خصوصی با بخش دولتی از این که هست بیشتر شود، دیگر زبان مشترک میان آنان به وجود نخواهد آمد.

واگذاری آنها به این بخش را دارد، به واقع آنچه دکتر آستانی گفته و می‌گوید و آمادگی دارد در سمینارها و کنفرانس‌ها نیز با ادله و تشریح توضیح بیشتر مطرح سازد زمینه‌های تعامل و گفتمان دولت با فعالان بخش خصوصی صنعت مرغداری را فراهم می‌سازد و دولتی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که در بسیاری موارد فعالان بخش خصوصی دارای طرح و برنامه کافی برای قبول مسئولیت‌های مربوط به خود هستند.

آموزش و ترویج شرط اساسی توسعه

دکتر آستانی با ارائه مقدمه‌ای طولانی در مورد لایه‌های مختلف فعالان کشاورزی در عرصه‌های مختلف و با اشاره به بی‌توجهی‌های مفرط دولت‌ها طی سه دهه گذشته به ارتقای دانش کاربردی بهره‌برداران به دلیل اتکاء صرف به افزایش کمی تولید و رفع حوائج مصرف‌کنندگان می‌گوید: اگر بگویم در عرصه آموزش نظری و گسترش نگرش‌های جدید در عرصه تولید در زیربخش‌های متعدد،

در پی سلسله گفتگوهای اختصاصی با دکتر غلامرضا آستانی و طرح مباحثی چون ضرورت گسترش زنجیره‌ای فرآیندهای کشاورزی، طرح تکریم کشاورزان و تعیین جایگاه کشاورزی کشور در عرصه تصمیم‌گیری‌های کلان، ضرورت احداث صندوق تامین مالی خرد روستایی به عنوان روشی نوین در عرصه اقتصاد روستا و در نهایت طرح توسعه و امنیت سرمایه‌گذاری به عنوان شاخصی برای پایداری کشاورزی، ایشان بحثی را با خبرنگار مادر میان می‌گذارد با عنوان «طرح دانش افزایی کارآفرینان و بهره‌برداران». انعکاس این مباحث در مجله دامپروان به این دلیل که غالباً خوانندگانی در میان صاحب نظران، مسئولان و دست‌اندرکاران تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر دارد و اکنش‌های مختلفی را برانگیخته است. مهمترین این واکنش‌ها ایجاد اعتماد بیشتر به صاحبان صنعت مرغداری به این معنی است که آنان دریافته‌اند که بخش خصوصی به برآمدی از تجربه و دانش رسیده است که عهده‌دار مسئولیت‌هایی باشد که دولت قصد

دارد که از این تعداد، حدود ۱۳۰ نفر عضو هیات علمی اند.

ظرفیت خوابگاه این مراکز ۳۸۰۴ نفر، مساحت آزمایشگاه ۲۲ هزار و ۷۷۶ متر مربع و به ظرفیت ۵۴۷۷ نفر می باشد. این موسسه دارای ۲۳۰ کارگاه به مساحت ۱۴ هزار و ۲۴۴ متر مربع و ظرفیت ۴۴۸۶ نفر است.

دکتر آستانی با مذاقه در مورد وضعیت برنامه‌های درسی این موسسه می گوید:

در حال حاضر در این موسسه ۲۴۳ برنامه درسی مصوب و بازنگری شده و در سطوح مختلف طراحی، تدوین و به تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری رسیده است که در حال اجرا می باشد. کاردانی ترمی و پودمانی ۶۷ رشته، کارشناسی ترمی و پودمانی ۴۳ رشته و کارشناسی ارشد ۶ رشته.

همکاری میان شرکت یکتا پوپک پارسیان و موسسه علمی کاربردی

دکتر آستانی با تشریح توانایی‌های موسسه علمی کاربردی و دامنه گسترده فعالیت آن و با ارائه بحثی تحلیلی در چارچوب اهداف سند چشم انداز ۲۰ ساله به تفاهم نامه‌ای میان شرکت یکتا پوپک پارسیان با این موسسه اشاره می کند و می گوید:

این تفاهم نامه ناظر است بر افزایش توان نظری و عملی شاغلین (کاربران و بهره‌برداران) بخش کشاورزی به منظور گسترش شایستگی حرفه‌ای و در راستای تامین نیروی انسانی مورد نیاز و تأکید بر افزایش عملیات میدانی با بهره‌گیری از نیروهای توانمند بخش.

تعهدات موسسه

دکتر آستانی به اختصار به تعهدات موسسه اشاره می کند و موارد ذیل را به عنوان شاخص‌های اصلی مورد توافق ارائه می دهد:

- ۱- ایجاد زمینه‌های لازم به منظور بهره‌مندی از کارشناسان خبره شرکت جهت



ساختار آموزش‌های علمی کاربردی در وزارت جهاد کشاورزی

دکتر آستانی ادامه داد: البته باید خاطر نشان ساخت هم اکنون زمینه‌های لازم آموزش و ابزارها و نهادهای مرتبط در وزارت جهاد کشاورزی وجود دارد، چنانچه برنامه‌ریزی آموزش‌های علمی کاربردی در وزارت جهاد کشاورزی از سال ۱۳۷۱ و پذیرش دانشجو و اجرای دوره‌های مقطع دار علمی کاربردی از سال ۱۳۷۵ در قالب تشکیلاتی در دفتر مراکز آموزش عالی آغاز و سپس با تصویب شورای گسترش آموزش عالی کشور و ابلاغ وزیر فرهنگ و آموزش عالی وقت در اسفندماه ۱۳۷۷، موسسه آموزش عالی علمی کاربردی رسمیت یافت. با ادغام دو وزارت سابق جهاد سازندگی و کشاورزی، این موسسه از تاریخ ۸۰/۱۱/۲۰ با عنوان موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی به فعالیت خود ادامه داده است.

از آستانی در مورد اهداف این موسسه سوال می کنم، می گوید:

ارتقاء و انتقال دانش، مهارت و فناوری شغل

ایجاد مهارت‌های شغلی به منظور افزایش بهره‌وری

شناسایی و افزایش معلومات و تجارب شاغلان و مشاغل گوناگون

آنچه دکتر آستانی گفته و می گوید و آمادگی دارد در سمینارها و کنفرانس‌ها نیز با ادله و تشریح و توضیح بیشتر مطرح ساز زمینه‌های تعامل و گفتمان دولت با فعالان بخش خصوصی صنعت مرغداری را فراهم می سازد و دولتی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که در بسیاری موارد فعالان بخش خصوصی دارای طرح و برنامه کافی برای قبول مسئولیت‌های مربوط به خود هستند

- ایجاد هماهنگی بین مهارت و دانش کاری

و ی درباره امکانات آموزشی موجود نیز یاد آور می شود:

موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی، مسئولیت برنامه‌ریزی پذیرش دانشجو و نظارت بر اجرای دوره‌های علمی کاربردی کشاورزی را در ۶۲ مرکز آموزش دولتی و ۱۵ مرکز غیر دولتی در سراسر کشور با ۲۴۱۳ نیروی انسانی شاغل به عهده



تدریس در دوره‌های علمی- کاربردی بخش کشاورزی

۲- ایجاد بستر مناسب جهت اجرای دوره‌های مورد نیاز شرکت

۳- ایجاد تمهیدات لازم جهت تامین هزینه‌های عملیاتی میدانی دانشجویان علمی- کاربردی بخش کشاورزی

۴- ایجاد زمینه‌های لازم جهت ارتباط مراکز آموزش با شرکت

۵- حمایت، هدایت و نظارت کلی بر حسن اجرای این تفاهم نامه در مراکز آموزش تحت پوشش

کرده‌ایم ولی برای آنچه که گفته‌ایم موسسات و شرکت‌های مورد نیاز و دارای طرح و برنامه راملحوظ نکرده‌ایم، گفت: برای اجرایی کردن همکاری با موسسه ما تعهداتی به شرح ذیل را پذیرفته‌ایم که پشتوانه اجرایی آن شرکت یکتاپویک پارسیان می‌باشد:

۷- برگزاری سمینارها و همایش‌ها، در بخش‌ها، شهرستان‌ها و استان‌ها و در سطح ملی با همکاری موسسه جهت تبیین تشریح اهداف تفاهم نامه

۸- تلاش در راستای تحقق اهداف تفاهم نامه و همکاری در ایجاد مراکز آموزشی

۹- فراهم آوردن زمینه‌های لازم جهت حضور کشاورزان و کارشناسان خبره در مراکز آموزشی جهت تدریس دروس مربوطه براساس ضوابط تعیین شده و همکاری در بازرنگری و طراحی و تدوین دوره‌های آموزشی مورد نیاز

۱۰- پیش بینی تمهیدات لازم جهت تشویق کشاورزان و کارشناسان خبره کشاورزی جهت حضور در دوره‌های علمی- کاربردی و مهارتی

۱۱- توجیه و ترغیب کشاورزان و بخش تولیدی در بکارگیری دانش‌آموختگان دوره‌های علمی- کاربردی

۱۲- کمک به تامین بخشی از هزینه‌های آموزشی فراگیران و دانشجویان تحت پوشش شرکت

۱۳- همکاری در طراحی تجهیزات آموزشگاه‌ها، مزارع و عرصه‌های مرتبط در مراکز مجری دوره‌ها

۱- اطلاع‌رسانی به تولیدکنندگان و بهره‌برداران، تعاونی‌ها، تشکل‌ها و بخش کشاورزی، در سطح (روستا، دهستان، بخش، شهر، شهرستان، استان و...) جهت آگاهی از مفاد تفاهم نامه

۲- تلاش جهت ایجاد ارتباط با نهادها و سازمان‌های ذیربط در صورت نیاز، در ارتباط با موضوع تفاهم نامه

۳- نیازسنجی دوره‌های مورد نیاز کشاورزی در سطوح و مقاطع مختلف با توجه به پتانسیل و قابلیت‌های موجود و انعکاس آنها به موسسه

۴- معرفی فراگیران و علاقه‌مندان به تحصیل در دوره‌های آموزش عالی علمی- کاربردی و دوره‌های کوتاه مدت مهارتی از بین کشاورزان و فرزندان آنان و علاقه‌مندان به فعالیت در عرصه‌ی کشاورزی

۵- معرفی نماینده به موسسه یا مراکز آموزشی جهت جذب فعالان بخش کشاورزی در راستای اهداف تفاهم نامه

۶- فراهم آوردن زمینه‌های لازم به منظور حضور فراگیران و دانشجویان جهت انجام

۶- بهره‌مندی از کارشناسان با تجربه و معرفی شده توسط شرکت در بازرنگری، طراحی و تدوین سرفصل دوره‌های آموزشی

۷- فراهم آوردن زمینه‌های لازم جهت ورود نیروهای شرکت در دوره‌های علمی کاربردی بخش کشاورزی

۸- اطلاع‌رسانی به مراکز آموزشی در خصوص مواد تفاهم نامه

۹- فراهم آوردن زمینه‌های لازم به منظور بازدید و انجام عملیات میدانی دروس دانشجویان از باغات، مزارع، واحدهای تولیدی، دامپروری و...

۱۰- استفاده از خبرگان و کارشناسان شرکت جهت تهیه جزوات و کتب آموزشی و اجرای طرح‌های پژوهشی مورد نیاز کشاورزی

۱۱- مشاوره کارشناسان و اعضای هیات علمی و آموزشی به کاربران و بهره‌برداران حوزه فعالیت شرکت

۱۲- انجام پژوهش‌های کاربردی مورد تقاضای شرکت با توجه به توانمندی‌های موسسه و براساس قراردادهایی که متعاقباً منعقد خواهد شد.

تعهدات شرکت یکتاپویک پارسیان

دکتر غلامرضا آستانی با تشریح و توضیح این بحث که مادر صنعت و کشاورزی، به ویژه در صنعت مرغداری صحبت بسیار

نگاهی گذرا به «دامپروران» در سالی که گذشت

چکیده‌ای از تحلیل‌ها و مهمترین مقالات

متخصصان و

ما می‌توانیم افتخار کنیم که در تمامی طول سال گذشته و در قالب مقالات تحلیلی، گزارش‌های پژوهشی، مصاحبه‌های اختصاصی، مقالات ترویجی آموزشی و گزینش مقالاتی برای ترجمه که نتایج آخرین دستاوردهای مطالعاتی و تحقیقاتی در کشورهای مختلف جهان بود تمام قد در کنار کشاورزان، کشاورزی و مسئولان دلسوز و دوراندیشی که خواستار تعاملات جهانی برای گسترش و توسعه کشاورزی مدرن کشور بوده‌اند، قرار داشته‌ایم و فعالیت فکری و اطلاع‌رسانی کرده‌ایم. ما خوشحال هستیم که در سال گذشته، بیش از بعضی نهادهای دولتی یا معاونت‌های مرتبط که غالباً در عرصه بی‌پایان اخبار «چه کرده‌ایم و چه خواهیم کرد» فرو غلطیده‌اند، توانسته‌ایم با منطق قابل پذیرش و به دور از احساسات و یک سویه نگری صدا و بلکه فغان و فریاد مرغداران، دامداران، باغداران و زارعان و صاحبان صنایع مرتبط را به نسبت‌های کم و بیش، توأم با راه‌حل و پیشنهاد سازنده برای حل مشکلات و معضلات به گوش تصمیم‌گیرندگان ارشد اقتصادی برسانیم، مابقی تکلیف و به دور از تمامی جناح‌بازی‌های

سیاسی به تصمیمات در عرصه اجرا و اقدام و حتی پیش از آن انتقاد مشفقانه کرده‌ایم که چرخ امور به نفع تولید مملکت بهتر بچرخد و البته در فکر و نظر آنان که می‌خواستند بشنوند و یا صدای حق طلبانه و صادقانه‌ای که در جهت منافع ملی بود را پذیرا بودند تاثیر گذاشت، دیگرانی هم بودند که نمی‌خواستند پیام‌ها را بشنوند و سعی کردند با این بهانه که اینها، یعنی مجلات تخصصی بخش تیراژ چندانی ندارند ما را به حاشیه برانند اما موفق نشدند زیرا ادیربست که «تیراژ»، برعکس خبر، در حوزه انعکاس تفکر معنی ندارد. یک تفکر بدیع و صادقانه، یا یک پیشنهاد و انتقاد سازنده و منصفانه از میان دهها هزار خبر اعم از مجازی، صوتی، تصویری و... راه خود را باز می‌کند، زیرا ذات انسان به نفسه حقیقت‌خواه، حقیقت‌جو و حقیقت‌پذیر است.

تلاش ما این بود که به انعکاس وقایع و خبرها اکتفا نکنیم، چه یک خبر ممکن است درست باشد یا نباشد، مادر و رای اخبار حقیقت‌ها را جستجو کردیم، به عبارتی تلاش کردیم دچار بیماری متداول خبرزدگی و جوهای ناشی از حجم انبوه اخبار نشویم.

کشاورزی (آب)

هیچ مسئله عمده و اساسی در عرصه کشاورزی کشور طی سال گذشته رخ نداده است که اعضای هیات تحریریه مجله دامپروان به نوعی به آن پرداخته باشند. به عبارت دیگر تقریباً تمامی موضوعات عمده و کلان کشاورزی کشور در حوزه سیاست گذاری، برنامه ریزی اقتصادی کشاورزی و خلاصه تمامی پیشرفت‌ها و پس رفت‌های تاثیر گذار و تحول ساز را به صورت تجزیه و تحلیل شده توأم با ارزیابی و پیش بینی می‌توانید در لابه‌لای مقالات مجله دامپروان جستجو کنید، فراتر از آن ماسعی کردیم سیمایی از کشاورزی جهان از منظر نهادهای مسئول بین‌المللی همچون فائو و مجامع مشابه که از فرآیند کلی تحولات اقتصاد و بازرگانی کشاورزی دنیا و نیاز روزافزون به مواد غذایی در مناطق پرجمعیت اطلاع دارند را ترجمه و در اختیار خوانندگان و سرمایه گذاران عمده کشاورزی و حتی برنامه ریزان دولتی قرار دهیم که بعضی از مضامین و مفاهیم این مطالب در عرصه کلان مورد استفاده، استناد و حتی تاثیر گذار در جهت گیری‌های کلی گردید، بدیهی است ذکر عناوین این دسته موضوعات، نگاهته مختصر پیش رو را مطول خواهد کرد اما مطالعه چکیده‌ای از تحلیل‌ها و مهمترین مقالات و مراجعه به اخبار و اظهار نظر مسئولان و دست‌اندر کاران آشکار می‌سازد مجله دامپروان به رغم نامش - که ممکن است فقط پرداختن به زیربخش دام و طیور را در اذهان تداعی کند - به موضوع عام کشاورزی و اقتصاد

و بازرگانی آن پرداخته است و می‌تواند آرشویی قابل استناد برای تمام کسانی باشد که قصد ورود به بحث‌های کلی کشاورزی و سرمایه گذاری در این عرصه را دارند. در پایان، این گلايه را اول از اداره کل مطبوعات داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داریم که هیچگونه تفاوت و تمایزی برای آنچه که ما در عرصه یک نشریه تخصصی بخش کشاورزی و به این صورت انجام دادیم یا آنچه که ممکن بود به صورت پر کردن صفحات از موضوعات کم ارزش کپی شده و تکراری انجام گیرد قائل نبود، یعنی این معاونت عریض و تحویل و عهده‌دار فرهنگ‌سازی اصولاً کاری به مضامین و محتوای نشریات ندارد و تاکنون تلاشی برای حمایت از مجلاتی که اینگونه فعالیت می‌کنند نداشته است، دوم گلايه از وزارت جهاد کشاورزی است که به طور کلی در فضای رسانه‌های روز و اخبار زودگذر گرفتار آمده است و از سرمایه عظیم فکری و نیروی انسانی کارآمد مجلات تخصصی برای ترویج و آموزش بهره کافی نمی‌برد. به هر حال، امیدواریم این مطالب مورد استفاده همگان قرار گیرد. انشا...!

دبیر گزارش
فرانک مسعودی

دامپروان سال شانزدهم - شماره ۱۵۹ - فروردین ۱۳۹۴

غذا



سرمقاله

عدم تقارن بایسته دیدگاهی میان مجلس و دولت در «مبانی کشاورزی»

منصور انصاری نویسنده سرمقاله فوق الذکر بانگاهی موشکافانه نسبت به الزام پایدار تفاوت نگاه مجلس

و دولت در مورد امور جاریه کشور چنین می آورد:

بحث این نوشته بیان این مفاهیم نیست، تقریباً همگان این مضامین را کم و بیش می دانند و قبول می کنند، «بحث، تضاد دیدگاه در مورد مبانی کشاورزی میان مجلس و کمیسیون کشاورزی به عنوان جزئی از مجلس و وزارت جهاد کشاورزی دولت یازدهم است». به اصطلاح عامیانه در حوزه مبانی اصلی کشاورزی یکی از «آشن دره» می گوید دیگری از «مشن دره» اینکه مجلس و نمایندگان آن ماهیتاً چه سمت و سویی دارند و بعضاً چگونه فکر می کنند بحثی است مطول، مفصل و خارج از این مختصر، اما جستجوی جایگاه بایسته کمیسیون کشاورزی مجلس در حوزه مسائل نظری بخش کشاورزی ضروری است، زیرا موضوع شرح و بسط تفاوت دیدگاه این نهاد با وزارت جهاد کشاورزی در میان است.

منهای تعداد محدودی از اعضای این کمیسیون که مفاهیم کلی و نظریه های مختلف کشاورزی مدرن را از طریق رسانه های تخصصی مرتبط یا گزارش های پژوهشی در سطح کشور یا عرصه جهانی مطالعه و رصد می کنند، آنچه که سایر اعضاء می گویند تفاوت ماهیتی با دیدگاه های نظریه پردازان کشاورزی در دولت یا مراکز علمی و آکادمیک دارد.

اینکه یک نماینده عضو کمیسیون کشاورزی مجلس بگوید که راه نجات مملکت گسترش کشاورزی معیشتی و تکیه بر روستائیان است و دولت بگوید در کشاورزی اقتصادی و بهبود بهره وری است، یکی بگوید در محاصره آب و غذا قرار داریم و دیگری بگوید مادر بدترین شرایط تحریم، ۷ میلیون تن گندم وارد کردیم و اتفاقی هم نیفتاد، یکی بگوید باید از تکنولوژی های مدرن برای کاشت، داشت و برداشت موجود در صحنه جهانی استفاده کنیم و راندمان بهره وری آب را به هر طریق به ۶۰ درصد افزایش دهیم و دیگری بگوید نیازی به این دنگ و فنگ های ذلت بار و دست دراز کردن به سوی دشمن نیست، یکی بگوید باید همین محدوده ۸ میلیون هکتار زمین آبی را با استفاده از دانش و تکنولوژی و با اتکا به مزیت محوری و کشاورزی اقتصادی اداره کنیم و دیگری بگوید ۱۶ میلیون هکتار زمین قابل استفاده داریم و با همین امکانات باید این سطح را زیر کشت ببریم و موضوع کمبود آب بحثی جدی نیست، یکی بگوید تولید فرا سرزمینی را گسترش دهیم و دیگری بگوید نه، نیازی نیست و دهها سرفصل و مبانی دیگر که مورد اختلاف و تناقض در موضع گیری است؛ حتماً مسئله ساز است.

لذا باید طی جلسات مباحثه، گفتگو، آموزش و ترویج که هر کدام از این دو نهاد می توانند برای دیگری بگذارند، یکی تولید را با مبانی سیاسی و ایدئولوژیک توضیح بدهد و دیگری مبانی را بر اساس اقتصاد و تولید ملی، بازار و بازرگانی و رقابت های قیمتی و فارغ از مناقشات سیاسی و با عنایت به تجارب جهانی و تکنولوژی روز، این مفاهیم دو جانبه باید انجام شود تا مگر سمت و سوی کلی تولید در میان دیدگاه های متفاوت با کمترین موانع و اصطکاک هایی از این دست طی طریق نماید.



شماره ۱۴۸ - اردیبهشت ۱۳۹۳

سرمقاله

صادرات محصولات کشاورزی، الزامی برای رونق تولید داخل



در سرمقاله حاضر، منصور انصاری پیر و بحث عده‌ای از کارشناسان که معتقدند «صادرات محصولات کشاورزی موجب کاهش آن برای پاسخ به نیاز مصرف کنندگان داخل، آشفته‌گی بازار عرضه و در فرایند نهایی به مخاطره انداختن امنیت غذایی می‌شود» می‌گوید:

گسترش صادرات به دلایل ماهوی این فعالیت بازرگانی نه تنها موجب کاهش محصولات کشاورزی و فرآورده‌های دامی نمی‌شود بلکه برعکس موجب افزایش کمی و کیفی و حتی بهبود تکنولوژی نگهداری، تکمیل و تبدیل و بسته‌بندی محصولات کشاورزی و فرآورده‌های دام و طیور نیز خواهد شد.

نویسنده در ادامه بحث «واردات» را مطرح می‌کند و می‌گوید:

این گفتمان که مقبولیت جهانی نیز یافته است در فرآیند مبادلات بازرگانی، واردات کالاهای مشابه را در یک پرنسیب و شاخص معتبر تر تثبیت می‌کند، در عین حال باید پذیرفت که تمامی محصولات کشاورزی و فرآورده‌های دام و طیور که متاثر از فصول مختلف آب و هوایی و ماهیتاً فسادپذیر هستند را نمی‌توان انبار یا به عنوان «داشته» ملحوظ کرد و اگر این واقعیت را بپذیریم که کشورهای قدرتمند صنعتی علیرغم نظام سرمایه‌داری لیبرالی خود به بخش کشاورزی یارانه‌های قابل توجهی می‌دهند، باید اذعان داشت که واردات بعضی از کالاهای کشاورزی ضمن انتقال آب مجازی که با کمبود شدید آن در کشور مواجهیم، ارزش افزوده پنهان نیز به همان دلیل اعطای یارانه کشاورزی برای مصرف کنندگان کشورمان در پی خواهد داشت، لذا نوع جدید بازرگانی و ماهیت فعالیت آن در تنظیم هوشمند صادرات محصولات داخلی در فصل مناسب و واردات مورد نیاز در شرایط مطلوب نهفته است.

وی در پایان می‌افزاید:

به واقع باید گفت ترجمان درست «گسترش صادرات» در ساختار بازرگانی جهانی یعنی ارتقاء سطح کیفی تولید و افزایش میزان رقابت پذیری آن متناسب با سلیقه و انتخاب مصرف کنندگان در بازارهای جهانی است.

در تولیدات کشاورزی درآمد حاصل از صادرات، خود به خود زنجیره تولید را مدرن، کیفیت محصولات را بر حسب سلاقی مشتری افزون، سرمایه‌گذاری خارجی را جذب و عرضه محصولات را از رخوت، رکود و سرگردانی در بازارهای داخلی به سوی نظم و دقت هدایت می‌کند.



شماره ۱۴۸ - اردیبهشت ۱۳۹۲

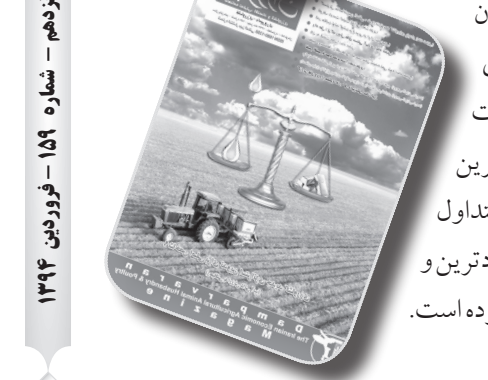
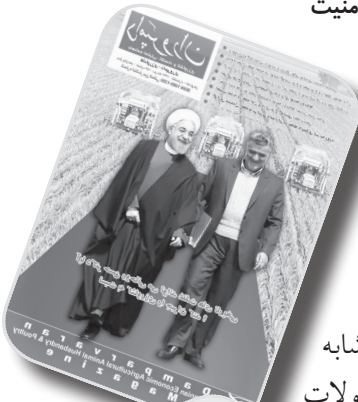
مقاله

انتقال نقطه ثقل تنظیم بازار از صنوف شهری به شکل‌های تولیدی

در این مقاله که به قلم ظریف منصور انصاری یکی از موضوعات کلیدی اقتصاد هر کشور، یعنی

«تنظیم بازار» به چالش کشیده شده است می‌خوانیم:

اگر نخواهیم به گذشته خیلی دور تاریخ بازرگانی و نقل و انتقال کالا از این نقطه جهان به نقطه‌ای دیگر برویم و از برد یمانی و آبگینه هندی و جز آن بگذریم، از حدود صد و اندی سال پیش که گویند ناصرالدین شاه به بهانه گرانی ارزاق و کالا و کم فروشی، از سر بازار ماست در تبتان بقالان کرد و ضرب المثل «ماست‌ها را کیسه کردند» حاصل آمد تاکنون که مدرن‌ترین سامانه‌های بازرگانی و نقل و انتقال پول و کالا به صورت مجازی و با شیوه‌های حیرت‌آور متداول شده است، موضوع تنظیم بازار نه تنها در کشور ما بلکه در تمامی کشورهای جهان یکی از حادترین تعیین‌کننده‌ترین شاخص‌های اداره امور حکومت‌داری و در قالب توان اجرایی دولت‌ها بوده است.



دولت‌های موفق در کنار تمامی اقدامات خود برای توسعه و پیشرفت، به موضوع تنظیم فرآیند بسیار پیچیده بازار و حفظ تعادل میان عناصر، عوامل و لایه‌های درونی آن که در انتها به آرامش عمومی مصرف‌کنندگان منجر شود می‌نگرند.

تمثیل ناصرالدین شاه در مطلع بحث ما، حتی اگر چندان درست و دقیق نباشد حکایت از آن دارد که یک پادشاه که وی را "قبله عالم" می‌نامیدند با توصیفی که کم و بیش همگان در مورد بی‌خیالی اش نسبت به اداره امور مملکت می‌گویند و در تاریخ ثبت و ضبط شده است نگران ماست آبکی بقالان است و خود علی‌الرأس برای سر و سامان دادن به این گران‌فروشی وارد ارزاق‌فروشان می‌شود.

نویسنده در ادامه‌ی نزدیک به انتهای مطلب، عطف به نقل قولی از سوی مهندس صفایی مدیر عامل و رئیس هیات مدیره سازمان تعاون روستایی در پاسخ به سوال ایشان (نویسنده) می‌آورد:

چنانچه سازمان تعاون روستایی به عنوان دارنده گسترده‌ترین ارتباط مویرگی کشور بتواند شکل‌های تولیدی را در تعیین تعرفه‌های واردات و صادرات مختار و در عین حال ملزم به ارائه تعهد در مورد قیمت کالاهای خود در یک رنج مشخص کند و خود نیز حلقه واسط میان تشکل‌ها و صنوف شهری و تشکل‌های تولیدی باشد می‌تواند در حوزه تنظیم بازار کالاهای کشاورزی، فرآورده‌های دامی و مواد لبنی تاثیر گذار باشد، گرچه نقطه آغاز آن در تعیین تعرفه برای نهاده‌های پیش از تولید خواهد بود



شماره ۱۴۸ - اردیبهشت ۱۳۹۴

مقاله

مدیران مجلس باید کشاورزی را از سیاسی کاری و اره‌اندک

این مقاله با امضای «تحریریه مجله دامپروان»، ضمن برشمردن توجهات مجلس شورای اسلامی از رئیس آن دکتر علی لاریجانی گرفته تا کمیسیون کشاورزی به موضوعات کشاورزی کشور به این واقعیت می‌پردازد که:

به دلیل اینکه بخشی از نمایندگان و اعضای کمیسیون کشاورزی مجلس رأی محور هستند و غالباً منافع کشاورزی یا بعضی از کشاورزان حوزه انتخابیه خود را به منافع ملی و سیاست‌های کلان کشاورزی ترجیح می‌دهند، در کوتاه مدت و خواهی نخواهی تاثیر خود را در عرصه اداره امور کشاورزی به جای گذاشته و می‌گذارد و قوه مجریه و وزارتخانه مرتبط به آن را درگیر اموری کرده‌اند که چندان برای کشاورزی کشور مفید و کارساز به نظر نمی‌رسد.

این مقاله در ادامه گوشزد می‌کند:

کشانیدن مسائل منطقه‌ای به سطح ملی و حوزه وزارت جهاد کشاورزی نوعی برخورد سیاسی است که مقبولیت عام ندارد و دامنه خلاقیت و اختیارات سازمان‌های جهاد کشاورزی استان‌ها را به نحو مؤثری کاهش می‌دهد، اگر وزیری هر روز به یکی از رؤسای سازمان جهاد کشاورزی این یا آن استان برای رعایت این یا آن مورد به حق یا ناحق تذکر دهد، ابتکار عمل مدیریتی ایشان سلب و جهت و سمت انجام وظایف نیز سیاسی می‌شود، کما اینکه شنیده می‌شود چون نمایندگان یا نماینده‌ای از فلان استان با فلان معاونت اداره کل به دلایل غیر تولیدی چندان موافق نبوده است، رئیس سازمان به رغم میل باطنی خود با ضرورت‌های کارشناسی به تعویض آن معاونت تن داده است و شخص پیشنهادی آن نماینده در



شرایطی که توان و آمادگی لازم نیز نداشته است منصوب و مشغول به کار شده است.

نویسنده در پایان نتیجه می گیرد:

این مباحث باید طرح شود تا کشاورزی کشور مسیر تولید را طی کند نه در هیاهوهای این یا آن جناح سیاسی گرفتار شود، باینکه هیچ موضوع اقتصادی و تولیدی نیست که متأثر از اقتصاد سیاسی نباشد و ولی اصولاً کشاورزی در حوزه اجرا و تولید باید عاری از سیاسی کاری و سیاسی بازی باشد. سیاست گذاری در امر کشاورزی و سایر امور بحثی متفاوت است که البته باید رعایت و اعمال شود.



شماره ۱۴۸ - اردیبهشت ۱۳۹۳

مقاله

جابه جایی های بی انتها...!

در مطلع این مقاله به قلم سر دبیر آمده است:

ظاهر مشخص نیست تا کی قرار است جابجائی در سمت ها، موقعیت ها و پست های مدیریتی در ساختار و تشکیلات اداری وزارت جهاد کشاورزی توسط مهندس حجتی و مشاورانش انجام گیرد و کی قرار است یک ثبات نسبی در مراکز میانی تصمیم گیری و مدیریتی این بخش از دولت که وظایفش لامحاله متأثر از شرایط فصلی است برقرار شود.

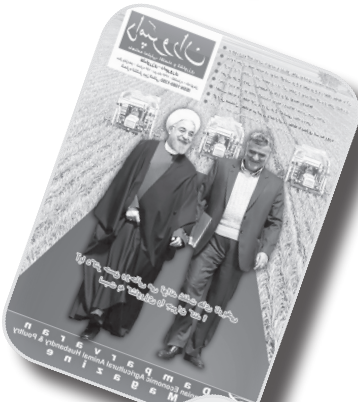
وی سپس چنین افزوده است:

تردید نیست اگر جایگزینی اشخاص، افراد، مدیران و معاونان در سطوح مختلف بر اساس نوع نگرش، دیدگاه، نظریه و منش رفتاری با تولید کنندگان و مردم باشد حتماً تحول ساز است مثلاً اگر یک معاون در فلان دولت بر این باور باشد که باید تمامی زمین های موجود کشاورزی را تحت هر شرایط و با هر سطح تکنولوژی و فرآوری زیر کشت برد و قصد دارد نظریه "برژنف" در سال های دهه ۷۰ میلادی اتحادیه جماهیر شوروی سابق یعنی تئوری احیای زمین های بکر و بایر را پیاده کند طبیعی است در دولتی که چنین باوری ندارد جایش را به معاون وزیری بدهد که معتقد است کاهش سطح زیر کشت، افزایش بهره وری، استفاده بهینه از آب، ارتقاء سطح تکنولوژی، بهره گیری از آخرین تحقیقات در مورد بذور مناسب و بهره گیری از تعاملات جهانی می تواند راه کار سرنوشت سازی در کلان کشاورزی کشور باشد، منوط بر آنکه این معاون جدید از دیر باز بر این باور بوده باشد نه اینکه ابن الوقت و با بو کشیدن شرایط خود را طالب چنین نظریه ای بداند.

لذا به طور کلی باید گفت اگر جابه جایی ها بر اساس تفاوت در مبانی نظری و برای پیشبرد امور باشد طبعاً تغییر و تحول در عرصه تولید ایجاد و موجب رضایت بهره برداران، مصرف کنندگان و نهایتاً اعتلا و آقایی کشور می شود ولی اگر تماماً متأثر از وضعیت سیاسی افراد و اشخاص باشد چندان کار آمدی و برآیندی مثبت در عرصه تولید ایجاد نخواهد شد.

وی در نهایت نتیجه می گیرد:

اگر یک مسئول انتصابی باشجاعت در مقابل افکار عمومی قرار گیرد و با نقد از سیاست های گذشته تشکیلاتی که مسئولیتش را بر عهده گرفته به تبیین دیدگاه های متفاوت خودش پردازد حتماً تغییر و جابه جایی افراد موجه و تاثیر گذار است اما اینکه بگوییم حالا این اصول گراممکن است حرف گوش کن نباشد جایش را به آن شخص اصلاح طلب بدهیم یا این اصلاح طلب تندرو نباشد جایش را به آن که میانه خوبی با اصول گرایان متعادل دارد بدهیم، چندان تدبیری کار ساز اتخاذ نکرده ایم.



مقاله

تدوین قوانین جدید برای تحول در سازمان حفظ نباتات ضروری است

نویسنده این مقاله در ابتدا با نگاهی به پیشرفت علوم در همه زمینه‌ها و از جمله کشاورزی در دنیا، تا آنجا که تا حد زیادی قانون استیلای طبیعت مقهور علوم شده است، به بررسی جایگاه و نقش سازمان حفظ نباتات و قرنطینه می پردازد و می گوید:

این در حالی است که یک اداره عریض و طویل و پر طمطراق به نام سازمان حفظ نباتات و قرنطینه با دفتر و دستک بسیار داریم که تا کنون به جز ایجاد موانع بور و کراسی پر پیچ و خم اداری مبتنی بر بدبینی شدید برای انتقال نتایج تحقیقات و تکنولوژی تولید به معنی عام در عرصه کشاورزی هیچ هنر قابل توجهی از خود نشان نداده است.

قوانین این نهاد مربوط به ۵۰ سال پیش است که به نگاه صاحب نظران حتی اگر مربوط به ۵ سال پیش نیز بود با توجه به گسترش حیرت آور علوم و مسائل ژنتیکی و اصلاح نژادی می بایست تغییر کند.

وی می افزاید:

سازمان حفظ نباتات کشور و معاونت قرنطینه بهداشت گیاهی آن، سد سدید انتقال دانش و تکنولوژی از اقصی نقاط جهان برای رشد و توسعه کشاورزی کشور به شمار می روند و توجه آنها نیز حفاظت از منابع ژنتیکی و جلوگیری از انتقال آفات و امراض نباتی است. هنوز بازنشستگان قرنطینه و مادر بزرگها "داستان کرم ساقه خوار برنج" را با آب و تاب تعریف می کنند ولی وقتی که یک تغییر آب و هوایی در این یا آن استان کشور به وجود می آید پاسخی برای عوارض پیش آمده آن ندارند که چرا باید دامنه تنوع گیاهی کشور اینگونه محدود، ناتوان و سنتی باشد که تاب مقابله در برابر تغییرات جوی را نداشته باشد، دل خوش به این هستیم که جمعی از علما و فضلا با درجه های مهندسی، دکترا و بالاتر در این مجموعه هستند اما دریغ که متاثر از قوانین و مقررات کهنه، به درد نخور و ناکارآمد، صدها دانشمند متخصص بر جسته داخل کشور یا ایرانی الاصل تحصیل کرده در خارج از کشور و یا صاحب نظران فعال بخش خصوصی در عرصه فعالیت های تولیدی یا وارداتی را پشت در ساختمان سازمان حفظ نباتات کشور می گذارند زیرا به گمان خود مشغول حفاظت از بهداشت گیاهی و کنترل و مبارزه با آفات و امراض نباتی هستند و ممکن است به زعم آنان عرصه گیاهی کشور در این یا آن منطقه کشور آلوده شود.

نویسنده در انتها توصیه می کند:

تردید نیست که مهندس حجتی که با هدف ایجاد تحول در کشاورزی کشور به میدان آمده است باید در این سازمان خانه تکانی اساسی کند و لایحه ای مبنی بر آخرین تحولات در عرصه قرنطینه، کنترل و مبارزه با آفات و امراض گیاهی را واقع بینانه، خارج از بدبینی های متداول که مبنای احساسی دارند و همسو با شرایط مبادلات علمی و تجاری جهان کنونی به مجلس ارائه دهد. باید توجه داشت که امروزه در کمتر از ۲ سال دانش بشر دو برابر می شود، ولی ما می خواهیم با قوانین ۶۰ سال پیش کشاورزی کشور را اداره کنیم!

غیر از آن، کمیسیون کشاورزی مجلس نیز می تواند با نگاهی به قوانین تحول یافته جهانی در عرصه حفظ نباتات و استعانت از بخش خصوصی فعال، دلسوز و سرشناس در این زمینه ها و همچنین مراکز علمی و دانشگاهی، قوانین کهنه را با قوانین و مقرراتی قابل اجرا و در جهت منافع ملی جایگزین و با آنچه هم اکنون مبنای عمل باز دارنده در عرصه تحول است را کنار زنند.



رهیافتی به رد نظریه جنگ آب و غذا

در سرمقاله عنوان شده، نویسنده بانگهای داهیهانه به نقطه نظرات کهنه‌ی نخ‌نما که سالهاست منسوخ شده و در سیاست‌ورزی‌های امروز دنیا جایی ندارد به موضوع یا اصولاً موضوعیت «جنگ آینده آب و غذا» می‌پردازد و می‌گوید:

در میان بسیاری از تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کشور و شخصیت‌هایی که تریبون‌های اصلی را در اختیار دارند هنوز این دیدگاه وجود دارد که جنگ آینده در «ژئوپلیتیک‌های» حساس و بر سر آب و در نهایت غذا خواهد بود.

ایشان به گونه‌ای سخن می‌گویند که این چالش اجتناب‌ناپذیر است و حتی پارافراتر از استراتژی ملی گذشته و معتقدند که صف‌بندی و آرایش قوای نظامی در «جهان پیش‌رو» برای دستیابی به منابع و ذخایر آبی و تعیین مسیر رودخانه‌های پر آب و همچنین سلطه و تصرف سرزمین‌های حاصلخیز برای تولید مواد اولیه غذایی است. اینان گذشت زمان و پیشرفت‌های بشری در فراخنای تاریخ را نادیده می‌گیرند و با تجسم تاریخی ایستا و تهی از تحولات قرون، فقط دولت‌ها را می‌بینند و ملت‌ها را از تحلیل خود حذف می‌کنند، یا اینکه اصولاً تحلیلی از تحولات تاریخی و «صیرورت» آن ندارند و نمی‌دانند که شاخص‌های بالنده و تحول‌آفرین جهان پیش‌رو چیست، ولی براساس شنیده‌ها و گفته‌ها به طرح دیدگاه‌های خود می‌پردازند بی‌آنکه دقیقاً بدانند طرح این سخنان در سطح وسیع افکار عمومی چه زیان‌های جبران‌ناپذیری بر ساختار اقتدار ملی وارد خواهد ساخت و چه جایگاهی برای کشور در عرصه تحولات فرامرزی رقم خواهد زد، «هانتینگتون» نظریه پرداز «جنگ تمدن‌ها» نیز در هیچ جای کتاب ۷۰۰ صفحه‌ای خود از جنگ میان تمدن‌ها تفسیر و تأویلی اینگونه ندارد.

به عبارت دیگر نه تنها جنگی برای تصرف سرزمین‌های حاصلخیز در میان نیست بلکه مفاهیمی جهانی با حفظ منافع به وجود آمده است که هر کشوری براساس راهبردهای خود می‌پذیرد بدون مناقشه، لشکرکشی یا اعمال قدرت در عرصه بین‌المللی بخشی از سرزمینش را برای تولید محصولات کشاورزی یا حتی صنایع تبدیلی، تکمیلی و غذایی برای سال‌های طولانی در اختیار کشور دیگری قرار دهد و آن کشور اجازه داشته باشد محصول نهایی را با کمترین عوارض به کشور خود یا هر نقطه دیگر جهان صادر نماید. این اتفاق از سوی کشورهای قدرتمند جهان که سابقه استعماری هم دارند رخ نداده است از سویی کشورهای چینی، ژاپن، کره جنوبی و... برای تولید برنج، گندم، سویا، ذرت و... عمل می‌شود.

۲ راهکار ناتمام مهندس حجتی

در این مقاله نویسنده ضمن منظور داشتن تلاش‌های وزارت جهاد کشاورزی و شخص مهندس حجتی برای گفتگوی مستقیم و رو در رو با فعالان بخش در جهت کسب اطلاع دقیق از مصائب، دشواری‌ها و تنگنایی‌هایی که از دیرباز در ساختار کشاورزی کشور بوده و در قالب سیاست‌های اقتصادی دولت پیشین حدت و شدت بیشتری نیز یافته‌اند در هشدار گونه‌ای زیر نام «پایش از بیرون، غفلت مهندس حجتی» می‌گوید:



اگر الزامات اجتناب ناپذیر برای تکمیل، تحکیم و پایداری این شیوه سیاست گذاری مورد مذاقه قرار نگیرد، آنچه که مهندس حجتی انجام داده یا می خواهد انجام شود باد هوا، حرف های قشنگ و مسکن هایی عاجل می شوند که نه تنها وضع کنونی را بهبود نخواهد بخشید بلکه نوعی بحران شدید انتظاری و واکنش عدم مشارکت و همکاری برای حجتی و همکارانش نیز در پی خواهد داشت.

نویسنده در توجیه این پیش بینی به زعم خودش بدینانه می گوید:

مهندس حجتی و همکارانشان در کجای این ۱۰ ماه تلاش شبانه روزی بی وقفه و صادفانه خود شاخصی برای نظارت، تدقیق و بررسی آنچه که قرار است انجام شود تعریف کرده یا منظور داشته اند؟ گو یا مهندس حجتی و همکارانشان در جایگاه دولت کم و بیش به مثابه اسلاف خود بر این باورند که خودشان از میان خودشان قادرند شعار و ایده هایشان را نظارت، قضاوت و مورد ارزیابی قرار دهند. تئوری نظارت و پیش دولت بر دولت حتی اگر دولت کریمه و یا مدینه فاضله فرضی باشد شکست خورده است.

در هیچ یک از جلسات مهندس حجتی با مدیران و معاونان و یا تشکل های سراسری، عضو ناظر و مشاور غیر خودی یا از میان مطبوعات نبوده است و ظاهراً هم قرار نیست باشد، اگر آقای مهندس حجتی و معاونان و مدیران کل ایشان می اندیشند که فقط آنها دلشان به حال کشاورزی مملکت می سوزد و بقیه بیگانه و غیر خودی هستند سخت در اشتباهند و این همان آفتی است که دامنگیر دولت های گذشته به ویژه دو دولت پیشین بود.

نویسنده در ادامه می افزاید:

هر چند برگزاری این جلسات به طور غیر مستقیم در تصمیم گیری ها و تصمیم سازی های درون وزارتخانه تاثیر دارد، اما نمی توان نتیجه گیری کرد که این تعامل و گفتمان به معنی مشارکت آنان در تصمیم گیری هاست پس باید مهندس حجتی و همکارانش مساعی خود را برای ایجاد الزاماتی که مشارکت تشکل ها و بهره برداران را در تصمیم گیری ها واقعی می کند فراهم سازند و البته همگان از جمله بخش دولتی به خوبی می دانند که باید در ساختار فکری و عملی تشکل ها تغییرات اساسی صورت گیرد، این تغییرات الزاماً تغییر در ترکیب اعضای هیات مدیره به ویژه وقتی در شرایط عادلانه برای اعضای تشکل ها انتخاب شده اند، نیست کاری که مهندس اسکندری به اصرار قصد انجام آن را داشت و البته نتوانست، بلکه این تغییرات باید در شرح وظایف و حتی کم یا زیاد کردن بندهایی از اساسنامه آنها صورت گیرد و بدیهی است در شرایط کنونی و اجرایی شدن قانون تمرکز و وظایف، ملزم کردن تشکل ها به ایجاد شرکت های بازرگانی مستقل برای مهیا شدن در مشارکت، تصمیم گیری ها و قبول مسئولیت در سطح ملی جزء ضرورت های اجتناب ناپذیر است.



شماره ۱۴۹ - خرداد ۱۳۹۳

مقاله

تغییر و تحول در اتحادیه سراسری میهن الزامی است

این مقاله در تبیین جایگاه کلی تشکل ها و به طور ویژه اتحادیه سراسری مرغداران مرغ تخمگذار می گوید:

محققاً در بررسی عمیق بحران های مداوم صنعت مرغ تخمگذار طی دو دهه گذشته نمی توان تمام تقصیر ها را متوجه دولت ها، ندانم کاری کارشناسان میانی و شرایط اقتصادی کشور دانست و خود مرغداران تخمگذار، بزرگان، پیشکسوتان و تحصیل کرده های کاردان این صنف تولیدی را از مسئولیت مبرا کرد، زیرا ایشان نیز به رغم سطح بالای دانش و توانمندی فکری



و اجرایی بسیاری از فعالان خود به هر دلیل نتوانسته‌اند اتحادیه‌ای قدرتمند، دارای فکر و اندیشه و دیدگاه‌های بازرگانی متفاوت و خلاق تشکیل دهند.

آیا وظیفه یک اتحادیه و مدیریت آن مهارت در کنار آمدن با دولت‌ها از هر نوع است که اخیراً و با تلویح نامش را «تعامل با دولت‌ها» می‌گذاریم؟

نویسنده در ادامه با انتقاد صریح نسبت به عملکرد اتحادیه میهن می‌گوید:

آیا یک اتحادیه سراسری نمی‌تواند با یک مدیریت خلاق، مثلاً با ذخیره فقط ۲ تومان از هر دانه تخم مرغ برای فرهنگ سازی، خود را به جامعه مصرف نزدیک کند و از مخمصه کاهش مصرف در فصول گرم سال یا قضایای مشخصی از این دست وارهاند؟

آیا یک اتحادیه سراسری قادر نیست یک پوستر یا مضمون «ارزش غذایی بی‌بدیل تخم مرغ» در مقابل تمامی تبلیغات منفی در تیراژ منطقی چاپ کند؟ و آیا مدیریت نمی‌تواند در چند مصاحبه مشروح و مفصل در فصول مختلف سال و با احتساب بحران‌های فصلی، پیشاپیش دولت و افکار عمومی را متوجه سازد که «نمی‌توان به مرغ گفت که تابستان تخم نگذارد چون که هوا گرم است و مردم به مصرف هندوانه و طالبی و گرمک کیلویی ۱۰۰۰ تومان یا انگور یا قوتی کیلویی ۸ هزار تومان رو می‌آورند»؟ و آیا ایشان نمی‌تواند جامعه مصرف را توجیه کند که اگر مرغ‌های مولد از بین بروند زمستان هم تخم مرغی در کار نیست؟

آیا اتحادیه به عنوان نماینده مرغداران تخمگذار نمی‌تواند در افکار عمومی چنین جا بیندازد که تولک بردن مرغ‌ها برای تنظیم تولید در فصول مورد نظر دامنه محدودی دارد؟ آیا ایشان نمی‌تواند با کمک کارشناسان و متخصصان اقتصاد و بازاریابی برای تنظیم بازار تخم مرغ به گونه‌ای ارائه دهد که در میان تولیدکنندگان مقبولیت عام داشته باشد و با رعایت چارچوب آن از سوی همه تولیدکنندگان این همه نوسان، دلهره و زیان و ضرر را از مرغداران دور نماید؟

نویسنده در انتها با هشدار گونه‌ای چنین نسبت به اتحادیه میهن بحث خود را به پایان می‌برد:

طبعاً با تغییر و تحولاتی که حاصل شده، همچنین نزدیک شدن به مراحل اجرایی قانون انتزاع که تنظیم بازار در مراحل مختلف به وزارت جهاد کشاورزی می‌سپارد، اتحادیه میهن نمی‌تواند با این شیوه‌های مدیریتی و چنین دیدگاه‌هایی خود را با شرایط اقتصاد و بازرگانی کشور که در قالب اقتصاد مقاومتی تعریف می‌شود تطبیق دهد و امور مرغداران در سراسر کشور را به سرانجام برساند. شایان ذکر است که در فرازی از اندیشه بلند اقتصاد مقاومتی گفته شده است «درون‌زایی بانگش برون‌گرا و تعامل جهانی ضرورتی مبرم است».



شماره ۱۴۹ - خرداد ۱۳۹۳

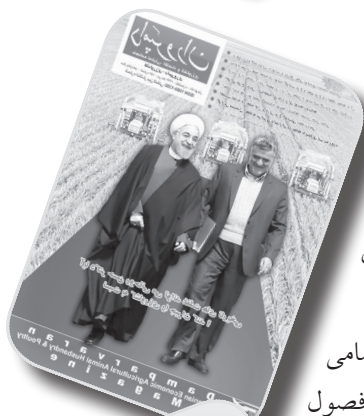
مقاله

«الگوی کشت» بر بستر «واقعیت» یا در مسیر «رویا»

در این مقاله نویسنده بانگش بر «طرح الگوی کشت» می‌گوید:

اگر چه این طرح حرکتی است به سوی مدرنیزه کردن کشاورزی و شاخصی است برای دستیابی به توسعه پایدار کشاورزی ولی در درون خود از تناقضی تعیین کننده رنج می‌برد و چنانچه راهکاری موثر برای رفع این تضاد درونی اندیشیده نشود امکان تحقق آن فراهم نخواهد شد و به رغم اینکه نظریه‌ای است علمی، منطقی و به دور از پندار و اراده گرایی، به «رویا» بیش از «واقعیت» نزدیک خواهد شد.

نویسنده در ادامه این طرح را چنین توضیح می‌دهد:



به زبان ساده این طرح می خواهد به کشاورزی بگوید که هندوانه یا سیب زمینی را به رغم سود قابل توجهی که ممکن است در یک دوره کاشت برایش داشته باشد، نکارد و به جای آن مثلاً ذرت یا گندم که نیاز بیشتری به آن هست، با اینکه الزاماً نمی تواند سودی برابر تولید سیب زمینی و هندوانه داشته باشد، بکارد یا در بعد دیگر با تکیه بر کاشت محصولات در حوزه «آب محوری» و با هدف صرفه جوئی در مصرف آب، محصولاتی کاشته شود که آب کمتری مصرف می کنند تا مثلاً سفره های آب زیرزمینی بهبود یابد، در این شرایط کشاورز در مقابل تضاد منافع شخصی و فعالیت تولیدی اش با منافع ملی و منافع کلان «کشاورزی پایدار» قرار می گیرد.

نویسنده از دست اندر کاران نهادهای ذیربط و مسئول در این زمینه پرسش می کند:

آیا این تضاد فقط با اعطای تسهیلات ویژه بدون تشویق، ترغیب یا ترویج، به سود «الگوی کشت» حل خواهد شد؟ اینکه فقط گفته شود که تولید برنج در مناطقی غیر از مناطق شمالی کشور مقرون به صرفه نیست و «آب بری» زیادی دارد و ممکن است کشاورز و صاحب زمین در دراز مدت زیان ببینند برای انصراف کشاورز از کاشت این محصول کفایت می کند؟ از سوی دیگر آیا مثلاً با تعزیراتی اعلام کردن کاشت یک محصول می توان کشاورز را از کاشت آن منع و به کاشت محصولی دیگر واداشت یا خیر؟

نویسنده در انتها پیشنهاد می کند:

پس آنچه که می ماند نگرش اقتصادی و مشوق های فرهنگی و ایجاد این درک در سطوح مختلف افکار عمومی است که کشاورز به عنوان آحادی از ملت، منافع ملی را ارج بگذارند و ضمن پیروی از برنامه های همه جانبه نگر تحت عنوان «الگوی کشت» به سودی متعادل در این عرصه نیز دست یابند. لذا ایجاد فرهنگ عمومی برای پذیرش در کنار تمامی اقدامات تشویقی و تسهیلات مورد نظر، الزامی است.



شماره ۱۴۹ - خرداد ۱۳۹۳

مقاله

آبخیزداری، پیش زمینه توسعه سامانه های نوین آبیاری

نویسنده در این مقاله با اشاره به گفتار وزیر در هشتمین همایش ملی فرهنگ و مدیریت جهادی مبنی بر این که:

در بخش کشاورزی محدودیت آب وجود دارد و در این راستا برای حفظ منابع پایه، استفاده از روش های آبخیزداری لازم است و آب موجود بخش کشاورزی در بیشتر موارد دارای مشکلات بسیار و به علاوه بهره وری در این زمینه نیز پائین است بنابراین باید با استفاده از تجهیزات روش های نوین آبیاری تلاش کنیم تا بهره وری آب را افزایش دهیم و در مجموع ۱۳۰۰ میلیارد تومان برای آبیاری به شیوه های نوین در نظر گرفته شده است.

یادآور می شود:

این گفتار کوتاه وزیر حاوی چند نکته اساسی است؛ اول اینکه ایشان مقدمه حفظ منابع پایه را آبخیزداری یا تزریق آب به سفره های زیرزمینی یا در واقع تولید آب قلمداد می کند، زیرا اگر آبی نباشد اجرای سامانه های نوین آبیاری به چه کار می آید، نکته دوم پائین بودن بهره وری از آب کشاورزی است و سوم اعلام بودجه سنواتی که البته با اهداف برنامه و تعهدات دولت برای تجهیز مزارع در شرایط کم آبی کنونی همخوانی ندارد.

منصور انصاری در پایان می گوید:



تولید آب مقدم بر استحصال آن است اما ظاهر آچون که آبخیزداری در کوه و کمر و نقاط دور از دسترس جامعه شهری اجرا می شود و برگزاری جشنواره و هیاهویی در آن نیست و اگر بازدید صورت گیرد جمعیتی وجود ندارد که کف بزندی یا صلواتی قرائت کنند و حتماً کت و شلوار و کفش ها خاکی می شوند، همگان ترجیح می دهند که این موضوع را، حتی اگر وزیر مورد تأکید قرار داده است چندان دنبال نکنند و جدی نگیرند در حالی که گسترش آبخیزداری برای غنی کردن سفره های زیرزمینی، جلوگیری از فرسایش خاک و سیل های نابهنگام و ویران ساز و حفظ منابع پایه آب مبرم و ضروری است و در کشور خشک و نیمه خشکی چون کشور ما الزاماً شاخصی برای توسعه پایدار کشاورزی است به شمار می رود، لذا می بایست مسئول مربوط، آمارهای عملکرد، شاخص های برنامه ریزی و آنچه قرار است انجام گیرد را اعلام و اجرای آن را پیگیری نماید.



شماره ۱۴۹ - خرداد ۱۳۹۳

مقاله

جلسات بی شمار، وزارت جهاد کشاورزی را فشل می کند

در این مقاله از قول سردبیر می خوانیم:

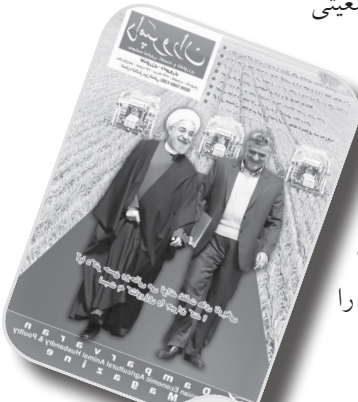
کمتر می توان باور کرد برگزاری جلسات متعدد، بی در پی، مستمر و وقت و بی وقت در وزارت جهاد کشاورزی ضرورت تام و تمام پیشبرد امور مرتبط با کشاورزی کشور باشد، زیرا به اذعان تمامی کارشناسان دولتی و غیر دولتی و آمار و ارقام قابل اتکای موجود بیش از ۹۵ درصد فعالیت های تولیدی و عملی کشاورزی در تمامی زیربخش ها حتی بخش عمده ای از فعالیت های شیلاتی و آبریزان توسط بخش خصوصی انجام می گیرد، دولت در این عرصه غالباً مجری برنامه های راهبردی و برنامه ریز و سیاست گذار اقدامات اجرایی است و اگر فرض کنیم که در میان مجریان دولتی، نه چون دولت پیشین بلکه همین دولت فعلی، اعتقادی به برنامه های تدوین شده پنجم، چشم انداز و قوانین و مقررات مصوب مجلس و بسیاری از آئین نامه های اجرایی وجود دارد، الزاماً می بایست جلسات محدود و کوتاه برای ابلاغ، چگونگی اجرا، تحقق سیاست ها و نهایتاً بررسی عملکرد و انعکاس آنها در میان مردم و مخاطبان بخش کشاورزی برگزار شود، اما واقع امر و آنچه که طی چند ماه گذشته اتفاق افتاده اینگونه نیست، برگزاری جلسات متعدد و بی انتها این گمان را تقویت می کند که گویا وزارت جهاد کشاورزی اطلاعاتی از راهبردهای کلان برنامه های توسعه و چشم انداز و اهداف کلی ندارد و خود در صدد تدوین آنهاست به همین دلیل در تمامی ابعاد اجرایی تشکیلاتش درگیر جلسات متعدد و مستمری شده که البته پدیده ای غیر متعارف و مضر است.

وی ادامه می دهد:

در همین وزارتخانه وزیری بود که فکر می کرد با ساعات کار زیاد می توان کشاورزی مملکت را درست کرد، لذا تازه ساعت ۱۱ شب جلسه می گذاشت که تا نیمه شب ادامه می یافت، و بعد وزیری آمد که از انتظار مخفی بود و اصلاً جلسه نمی گذاشت، ولی در هر دو حالت کشاورزان کار خود را می کردند، یعنی تولید ادامه داشت.

وی در پایان یاد آور می شود:

اینها همه در سایه عدم اطلاع از راهبردهاست، در یک دولت کارآمد که شاخص های کلی برنامه ها و راهبردها نیز مشخص شده است یک مدیر با اختیارات کافی سیاست های اجرایی را کتبا به صورت مستقیم ابلاغ یا در رسانه ها اعلام می کند و از زیر مجموعه خود خواستار اجرای آنها می شود، وزارت جهاد کشاورزی در شرایط کنونی می بایست در میان تشکیلات یک صد هزار نفری



خود از طریق رسانه‌های نوشتاری آموزش و ترویج را گسترش و فرهنگ لازم برای سیاست‌های اجرایی مورد نظر را ایجاد کند که مسلماً تعداد بسیاری از این جلسات بی‌حاصل که حتی نتایج و جمع‌بندی آنها نیز به خوبی منعکس نمی‌شود کاهش خواهد یافت. به خاطر داشته باشیم که شرط اصلاح ساختار کشاورزی کشور، اصلاح روش‌ها در درون این وزارتخانه عریض و طویل است.



شماره ۱۵۰ - تیرماه ۱۳۹۳

سرمقاله

جنگ قیمت شیر و راهکارها

این سرمقاله به قلم منصور انصاری، درست در همان روزهای آغازین تیرماه ۱۳۹۳ که قیمت ۱۴۴۰ تومان برای هر کیلو شیر توسط مهندس حجتی وزیر جهاد کشاورزی به عنوان مصوبه‌ای در ستاد تنظیم بازار اعلام شد تحریر گردید و تعدادی از سایت‌های مرتبط با کشاورزی و صنایع غذایی آن را درج کردند.

نویسنده که این موضوع را یک معادله ۳ سویه از طرف دامداران، مصرف‌کنندگان و حلقه واسط یعنی صنایع مرتبط می‌خواند و بارائه فاکت‌هایی معتبر از هر ۳ سو آن را توأم با نگرانی می‌بیند مطرح می‌کند: در چنین فضایی پرسش اساسی این است که چه باید کرد و کدام راهبرد می‌تواند موجب توسعه دامپروری و حل مشکل دامداران از یک سو، چرخش مناسب چرخ صنایع لبنی از سوی دیگر و رضایت مصرف‌کنندگان به عنوان حلقه نهایی و تعیین‌کننده این فرآیند گردد؟

سردبیر پیشنهاد می‌کند:

دولت از یک سو با این واقعیت مواجه است که باید دامپروری کشور را واقع بینانه حمایت کند و از سوی دیگر به خوبی می‌داند که کاهش مصرف لامحاله بر تولید اثر مستقیم دارد، صنایع لبنی کشور نیز که بخش عمده‌ای از آن در رقابت صنایع شیر ایران (پگاه) حضور تعیین‌کننده در بازار دارد دست‌های خود را به نشانه تسلیم بلند و زبان خود را به نشانه نگرانی از افزایش قیمت‌ها گشوده است. در این میان یک راهبرد اصلی باقی می‌ماند که فرآیند عرضه و تقاضا در محدوده قیمت ۱۴۴۰ تومان برای هر کیلو شیر خام حداقل برای ۶ ماهه اول سال عمل شود ولی برای دهک‌های پایین جامعه کارت یارانه ماهیانه خرید شیر و مواد لبنی به مبلغ حداکثر ۱۰ تا ۱۵ هزار تومان و با الزام به مصرف در زمان معین از محل بودجه سلامت یا هر ردیف دیگری که دولت ایجاد می‌کند صادر شود، به عبارت ساده بازار از یک سو با تثبیت قیمت ۱۴۴۰ تومان برای هر کیلو شیر کنترل شود و از جانب دیگر صنایع لبنی در یک بازار رقابتی با ارائه محصولات مختلف خارج از انحصار فعالیت کنند و تعدادی نزدیک به ۱۵ میلیون نفر از آحاد کشور دارای کارت خرید ماهیانه شیر و مواد لبنی باشند و اگر به طور مرتب و ماهیانه مصرف نکنند قابل استفاده برای ماه‌های بعدی نباشد.



شماره ۱۵۰ - تیرماه ۱۳۹۳

مقاله

دو دیدگاه، دو راهکار برای حل بحران شیر

در این مقاله، نویسنده در برابر دسته‌نظراتی که معتقد به اعطای یارانه‌های کالایی به تولید هستند می‌گوید:



بارها گفته و نوشته‌ایم که در مقاطعی از تاریخ ۳۰ و چند سال گذشته به میزان اعطای یارانه‌های کالایی به تولید، دامدار یا مرغدار موفق آن نبود که ضریب تبدیل خوبی داشته باشد بلکه آن بود که دسترسی آسانتر و بیشتر به سهمیه‌های دان یا علوفه ارزان دولتی داشته باشد، به عبارتی تولید کمی و کیفی ملاک نبود بلکه دسترسی بیشتر به علوفه یا نهاده‌های ارزانتر سر نوشت "سود" و "زیان" تولید را رقم می‌زد.

وی می‌افزاید:

اعطای یارانه‌ها در چارچوب اقتصادی درون گرا و نیمه بسته دولتی طی سی و چند سال گذشته و به اشکال و درجات متفاوت در حلقه‌های مختلف فرآیند تولید بر پدیده تولید واقعی و رقابتی و ماهیت کیفی و کمی آن تاثیر نامطلوب گذاشته، بی‌عدالتی‌های بسیاری در این مسیر ایجاد نموده و بستر فسادهای متعدد و گوناگونی را هموار گردانیده است.

وی ادامه می‌دهد:

دولت باید وظایف حاکمیتی خود را انجام دهد و تولید نیز در عرصه بازار و عرضه و تقاضا تکلیف خود را روشن کند، یعنی دولت نظارت مسئولانه بر تولید داشته باشد ولی دخالت قیمتی نکند و معادله را به هم نریزد و تولید نیز خود را با فرآیند در هم پیچیده و غامض بازار تنظیم کند.

به گفتار دیگر، اگر مکانیزم بازار مسیر تولید را تعیین کند پایداری و دوام آن بیشتر خواهد شد. وظیفه دولت‌ها تقویت سلامت جامعه و کمک به اقشار دهک‌های پائین اجتماعی است، آنان که قادر نیستند در سبد مصرف و سفره خانوار خود مواد لبنی بگذارند، در چنین شرایطی کاهش مصرف بر فرآیند تولید و تبدیل تاثیر مستقیم می‌گذارد و چنانچه دولت در قالب کارت خرید شیر و مواد لبنی حتی رقمی اندک مثلاً ۱۰ تا ۱۵ هزار تومان برای هر یک از اعضای خانوار و البته برای چنددهک پائین اختصاص دهد، تکانه‌ای تاثیر گذار بر مصرف به دست می‌آید، این کمک در انتهای حلقه تولید از هیچ رانتهی برخوردار نیست به دلیل اینکه دامنه شمول آن به ۱۰ تا ۱۵ میلیون نفر می‌رسد در حالی که همه می‌دانیم از تخصیص یارانه‌های نقدی یا خرید و توزیع علوفه ارزان بی‌عدالتی‌ها و بعضاً رانت‌های کوچک و بزرگی نیز وجود داشته و خواهد داشت.

تا وقتی این نگرش‌ها وجود دارد که پول دولتی حلال مشکلات تولید است، وضعیت نابسامان و بحران در تمامی زوایای تولید اعم از تولیدات کشاورزی یا غیر آن باقی خواهند ماند، آنکه ششیر بی کیفیت مملو از بار میکروبی تولید می‌کند نباید به زیان منابع ملی و مصرف کننده و با کمک یارانه نقدی و غیر نقدی فعالیتش را ادامه دهد و در عین حال دولت‌ها در مقابل سلامت و میزان مصرف مواد لبنی "مردمی" که صادقانه پا به پای مشکلات آنها کار و تلاش می‌کنند مسئول است.



شماره ۱۵۰ - تیرماه ۱۳۹۳

مقاله

تعطیلی کشاورزی به رشد صنعت نمی‌انجامد

این مقاله یک واکنش سریع و هوشمندانه به قلم منصور انصاری نسبت به مصوبه شورای پول و اعتبار در تاریخ یادشده (تیرماه ۱۳۹۳) است و لازم به ذکر است که با تاثیر پذیری از همین دست مقالات و اندیشه‌ها از سوی مجله دامپروان و برخی دیگر مجلات تخصصی بخش، در نهایت بانک کشاورزی سود ۱۸ درصد را پذیرفت و جایگزین کرد. فزاینده‌ای از این مقاله مطول که با سبیری تاریخی موضوع را از سالهای دهه ۴۰ دنبال کرده و به امروز (تیرماه ۹۳) رسیده است را بخوانید:

از دیرباز و شاید به‌طور عمده از دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ و در مراحل اجرای قانون اصلاحات ارضی



گروهی از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، عمدتاً تازه به دوران رسیده و منتفع از معاملات بزرگ نفتی و تسلیحاتی که به مکتب و ثروت بادآورده افسانه‌ای رسیده بودند برای خود شیرینی و کسب وجه و اعتبار و نزدیک شدن به دربار که "ماهم موافق صد در صد اصلاحات ارضی و صنعتی کردن کشور هستیم"، عده‌ای از تحصیل کرده‌ها و متخصصان تازه از فرنگ برگشته را ترغیب و تشویق و البته ذی‌نفع کردند که در محافل رسمی و غیر رسمی چه بسا در جایگاه، پست‌ها و موقعیت‌های شغلی که به وفور در اختیار آنان بود چنین تبلیغ کنند که "ساز و کار" و نظام اجتماعی منبعث از کشاورزی و فلاحت یک "فرماسیون اجتماعی" عقب افتاده و ارتجاعی است و باید تمامی فرآیندهای تولید کشور صنعتی شود. اینان با نگرشی سطحی کشاورزی را تحقیر و صنعت را بدون تجزیه و تحلیل فرآیند شکل‌گیری، تکوین و تحول آن طی دو قرن در جهان از کشاورزی تفکیک و ضرورت تام و تمام پیشرفت کشور قلمداد کردند.

از سوی دیگر تاریخ تحولات صنعتی از قرن هجدهم تا کنون آشکار می‌سازد که هیچ فرآیند صنعتی بدون عبور از مراحل تکوین کشاورزی محقق نشده است، به زبان ساده، تاریخ تحول صنعت، حتی پیشرفته‌ترین آن از مراحل مختلف زنجیره تولیدات کشاورزی عبور کرده است. هیچ آلیاژی حتی در عرصه هواپیماسازی یا مدرن‌ترین موتورهای جت و ماشین‌آلات به دست نیامده مگر اینکه بوی خاک و سنگ رادر عرصه کشاورزی و معادن تجربه کرده باشد! تازه به دوران رسیده‌های دهه ۴۰ تا ۵۰ خورشیدی، صنعتی را ترسیم و تجویز می‌کردند که ریشه تاریخی نداشت و سیر تکوین آن حسب ساختار جغرافیای طبیعی و نیازهای واقعی کشورمان صورت نگرفته بود و موجبیت یادتر مینیسیم تاریخی را رعایت نکرده بود و البته قصدشان این بود که کشاورزی تعطیل شود تا نیروی کار ارزان و زمین‌های مرغوب در معابر و صولبی به شهرها را برای احداث کارخانه‌های خود به کار گیرند. بعداً نیز شاهد بودیم آنچه به دست آوردیم صنعتی موسوم به مونتاژ بود که سنخیتی با نحوه مصرف، سطح رفاه و قدرت خرید اهالی کشور نداشت و حتی به سختی می‌توانست در حوزه صادرات در بازارهای جهانی با منطقه‌ای رقابت کند.

اما طی سال‌های بعد از انقلاب طرفداران "همه چیز صنعت است"؛ به تدریج دست بالا را کسب کردند و اگر چه آشکارا سخنی به میان نمی‌آوردند اما در قالب برنامه‌های توسعه و تخصیص اعتبارات، آنچه می‌خواستند را انجام دادند. وقتی آمار داده‌های اقتصادی را نگاه می‌کنیم به خوبی آشکار است که چه بلایی بر سر کشاورزی آمده است.

باید گفت در هیچکدام از تئوری‌های توسعه اقتصادی اجرا شده در صحنه اقتصاد کلان کشورها، اعم از آن دسته که اقتصاد سوسیالیستی را تجربه کرده‌اند یا آنان که در اوج اقتصاد لیبرال سرمایه‌داری هستند، کشاورزی و صنعت در مقابل هم نبوده و نیستند، این دو متناسب با نقشی که هر کدام در تأمین ثروت ملی ایفا می‌کنند در چارچوب اقتصاد کلان در معادله‌ای متوازن از اعتبارات و تسهیلات برخوردار می‌شوند، حتی در جوامع سرمایه‌داری، که رقابت بی‌رحمانه سرنوشت سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف را تعیین می‌کند کشاورزی استثناء است و یارانه مستقیم و مشخص می‌گیرد.



شماره ۱۵۰ - تیرماه ۱۳۹۳

مقاله

آیا دریاچه ارومیه نجات می‌یابد و احیا می‌شود؟

این عنوان مقاله‌ای است که در مطلع آورده است:

در آن دهه سکوت و عافیت طلبی، تنها صدای رسا و استوار که به طرق مختلف در محافل داخلی



و بعضاً در رسانه‌ها و در میان کنفرانس‌ها و نشست‌های علمی از یک فاجعه ملی و نابودی تمدن سرزمینی در منطقه غرب و شمال غربی کشور در رابطه با دریاچه ارومیه سخن می‌گفت دکتر عیسی کلانتری وزیر پیشین کشاورزی بود که با صراحت و روشنی و البته اعتراض، شدید خود را نه تنها برای اینکه این دریاچه را از دست می‌دهیم بلکه به این خاطر که غبار نمک در تمامی استان‌های همجوار تا تهران ویران کننده خواهد بود بیان می‌کرد. دکتر روحانی به وعده‌های انتخاباتی خود در مورد نجات و نهایتاً احیای دریاچه ارومیه وفا کرد و با انتخاب مدافع سرسخت آن دکتر عیسی کلانتری حکم دادستادی با عنوان «ستاد احیای دریاچه ارومیه» باریاست معاون اول خود دکتر جهانگیری و در قالب کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه تشکیل دهد. کار یک لحظه هم به زمین گذاشته نشد. با نگرشی علم باور اولین مراجعه به دانشگاه صنعتی شریف و اساتید مبرز آن برای مطالعه صورت گرفت و دفتری با نام برنامه‌ریزی و تلفیق ایجاد شد.

در ادامه این مقاله مصوبات کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه آورده شده که در صفحات ۲۵ تا ۳۷ شماره ۱۵۰ مجله دامپروان قابل دسترسی است.



شماره ۱۵۰ - تیرماه ۱۳۹۳

مقاله

تحولی مهم که به سادگی از کنار آن گذشتیم!

این مقاله به نویسندگی منصور انصاری در رهگذر چرایی ادغام و تفکیک معاونت‌های مختلف در اینجا و به طور ویژه منطق تفکیک معاونت «امور تولیدات گیاهی»، به دو معاونت «زراعت» و «باغبانی» و عدم ارائه هر گونه توضیح برای شفاف‌سازی روند تصمیم‌گیری‌های می‌گوید:

خبرش ساده بود و تقریباً همه هم از کنارش گذشتند؛ «از این پس معاونت امور تولیدات گیاهی نداریم»، این معاونت به دو معاونت زراعت و باغبانی تفکیک شد.

همین! ظاهرأ بعد از چند روز و شاید یکی دو هفته هم هیچکس نپرسید «آن چه بود» یعنی معاونت امور تولیدات گیاهی و «این چیه؟»

ولی بحث شفاف‌سازی و ارتقاء آگاهی بهره‌برداران، کارشناسان جوان و متخصصانی در میان است که قرار است در آینده، در صحنه تولید، اداره امور کشور را به دست گیرند، نباید اشتباهات گذشتگان را مجدداً و به شکلی دیگر تکرار کنیم، اینکه مثلاً دولت یا وزارت جهاد کشاورزی گذشته بگوید ما تصمیم گرفتیم برای کوچک کردن دولت این دو را ادغام کنیم و به کسی هم مربوط نمی‌شود و دولت جدید هم بگوید نه این دو باید تفکیک شوند چون ماهیت فعالیتشان متفاوت است و به کسی هم مربوط نمی‌شود!

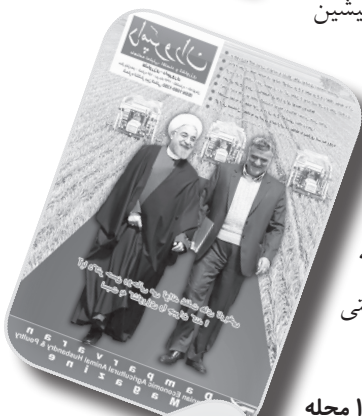
بحث اقناع افکار عمومی کشاورزان و صاحب‌نظران یک بحث جدی است و مسئولانی که اعتقاد به اصل شفافیت و مشارکت مردم به ویژه بهره‌برداران در تصمیمات و اقدامات دارند می‌بایست توضیحات بیشتری چه قبل از تفکیک دو معاونت زراعت و باغبانی و چه بعد از آن می‌دادند که تاکنون نداده‌اند، مگر این که فکر کنیم افکار عمومی کشاورزان مهم نیستند و دولت‌ها برای دل و میل خودشان عمل می‌کنند.



شماره ۱۵۱ - مردادماه ۱۳۹۳

سرمقاله

وقت آن است راهبر آب تدوین شود



نویسنده در این سرمقاله پس از عبوری گذرا از چند دوره تاریخی دهه ۶۰ که همزمان با جنگ تحمیلی بود و پس از آن در دولت‌های هفتم و هشتم و سپس دو دولت نهم و دهم به امر روز می‌رسد و بحث «آب کشاورزی»، را چنین دنبال می‌کند:

هم روند با سیاست‌های موسوم به تعدیل اقتصادی با هدف بازسازی خرابی‌های جنگ تحمیلی و ایجاد نوعی تعادل اقتصادی با راهیابی به تعامل‌های جهانی برای گسترش سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌های خارجی و به موازات افزایش جمعیت، حضور بیشتر قشر متوسط تحصیل کرده در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصاد و بازرگانی خرد و کاهش سهم دولت در حوزه اقتصاد، در میانه دولت پنجم و ششم به تدریج سطح زندگی اقشار مختلف جامعه ارتقا یافت و تقاضای عمومی برای رفاه و استفاده از مواد غذایی متنوع و کیفی‌تر گسترش پیدا کرد. در همین سالها بود که موضوع استفاده بهینه از آب کشاورزی، کمبود آن، حفظ منابع و ذخایر سفره‌های زمینی آب و جلوگیری از کاهش سطح این ذخیره‌های حیاتی به عنوان صدایی نه چندان رسا و قابل توجه به گوش رسید.

در دو دولت هفتم و هشتم اصلاحات نیز موضوعات و مناقشات دیگر در سطوح کلی جامعه مورد توجه بود و در این عرصه سخنی جدی یا هشدار دهنده تعیین کننده از سوی تصمیم‌گیران و تدوین‌کنندگان راهبردهای افکار عمومی به میان نیامد، موضوع خوش باورانه خودکفایی در گندم و جشن باشکوه آن تمامی حوزه کشاورزی را در نوردید و بسیاری بر این اعتقاد بودند که در رابطه با خودکفایی گندم به پایداری رسیده‌ایم و دیگر مشکلی وجود ندارد، گرچه در آن هلهله و شادی که کسی جرات بیان نظر دیگری نداشت بودند کسانی که با تحلیل ساده از شرایط، این جشن را زود هنگام و این پایداری را ناپایدار ارزیابی کردند و هشدارهایی نیز دادند که البته شنیده شد ولی کمتر کسی به روی خود آورد که حکایت از چه قرار است. بعد از این، سالها و تا همین دو سه سال اخیر، در دولت‌های نهم و دهم نگرانی‌ها در مورد کاهش سطح آب سفره‌های زیر زمینی کمتر بیان می‌شد و اگر سخنگویان بر این موضوع تاکید می‌کردند بلافاصله به عنوان نق نق زدن‌های سیاسی جناح‌های مخالف دولتی ارزیابی می‌شد، از سوی دیگر درآمدهای سرشار ناشی از افزایش قیمت نفت و در نتیجه آن گسترش واردات بی‌رویه، همگان را به خود مشغول کرده بود. در هر گوشه‌ای از کشور در طبق‌های رنگارنگ واحدهای صنفی میوه و تره‌بار گاهی محصولات بالغ بر ۲۵ کشور در تالو نورهای درخشان چراغ‌های فلورسنت در قالب محصولات وارداتی به چشم می‌خورد و البته مشتریانی که کمتر قدرت خرید داشتند را وسوسه می‌کرد، تا جایی که صدای اعتراض دلسوزان کشور به واردات میوه و تره‌بار و طرح مباحث آب در فضای وهم‌آلود «واردات همه چیز» توسط سودجویانی که از رانت سیاسی نیز برخوردار بودند در سطح شخصیت‌های تاثیرگذار و فرادست دولت بلند شد و فضای بی‌توجهی به موضوع آب را در ماه‌های پایانی سال ۱۳۸۸ شکست و خبرهایی منعکس شد که شورای عالی آب، خارج از بودجه‌های سنواتی و جاری رقمی بالغ بر ۲ هزار میلیارد تومان برای حمایت از سامانه‌های نوین آبیاری در سال ۱۳۸۹ اختصاص داده است که رونق جدیدی در گسترش تجهیز مزارع به شیوه‌های جدید آبیاری تحت فشار ایجاد کرد.

در دولت یازدهم، اقداماتی از جمله اختصاص ارقامی قابل اتکا برای توسعه، احیا و بازسازی ۵۵۰ هزار هکتار زمین کشاورزی در استان خوزستان، ۸ میلیارد دلار برای تامین آب بالغ بر ۴۳۷ هزار هکتار زمین کشاورزی در استان ایلام و شمال غرب کشور با استفاده از آبهایی که از مرز خارج می‌شوند و همچنین احیای دشت سیستان و بلوچستان و مواردی دیگر نوعی اطمینان عمومی را برانگیخته که موضوع توجه به زیرساخت‌های کشاورزی بیش از ادوار گذشته و به طور جدی مدنظر قرار گرفته است.



سر دبیر در انتها و با توجه به سیر تاریخی اشاره شده نسبت به غفلت های بیشتر هشدار داده و پیشنهاد می دهد:
با اینکه منشأ این شرایط تحول ساز و اقدامات کم سابقه در حوزه کشاورزی را باید منبعث از دیدگاه های ویژه دکتر حسن روحانی ریاست دولت یازدهم دانست اما موضوع کافی نیست، شرایطی فراهم شده است که صاحب نظران و اندیشمندان کشاورزی و اقتصاد توسعه الزاماً باید «راهبر دآب» را تدوین و قوانین مشخص و معینی جهت پایداری در توجه به آن تصویب نمایند، کشور در عرصه آب و خشک شدن دریاچه ها، تالاب ها، کم حاصلی دشت های اصلی و... با بحران جدی مواجه است.



شماره ۱۵۱ - مرداد ماه ۱۳۹۳

مقاله

پس از سال ها غفلت تاریخی، انقلاب آرام در کشاورزی

منصور انصاری در مطلع این بحث می گوید:

عنايت و توجه به کشاورزی از دریچه تامین نیاز مصرف کنندگان به مواد غذایی ضروری به هر طریق و با هر قیمت از داخل و خارج، هرگز سیاست مداری را بر آن نداشته است که سؤال کند آیا کشاورزی داریم یا نداریم و آیا این کشاورزی از زیر ساخت های لازم برخوردار هست یا خیر، همیشه سؤال این بود که گندم کافی، غلات، تخم مرغ، گوشت مرغ، گوشت قرمز و... چه از منابع داخلی و چه خارجی تا آن اندازه هست که گرانی نشود و صدای مردم در نیاید؟ عده ای نیز تصور می کردند که حمایت از کشاورزی همین است و از این منظر اصولاً کشاورزی و کشاورزان دیده نمی شدند و به تبع آن صدای آنان نیز به جایی نمی رسید.

وی سپس ادامه می دهد:

اما اکنون شاهد تحولی دوران ساز در بخش کشاورزی هستیم، گرچه نمی توان آنچه در حال وقوع است را همچون هند، انقلاب سبز نامید اما می توان از آن در صورت تامین انتظارات و تحقق یافتن و نهایی شدن برنامه ها، به عنوان «تغییرات آرام و بی صدا» یاد کرد، و بیشتر شایسته است با توجه به رکود گذشته و غفلت تاریخی نسبت به کشاورزی بگوییم «انقلابی در سکوت طراحی شده است و اگر دقت کنیم که بخش کشاورزی در سنوات گذشته و طبق قانون فقط می توانست از ۱۰ درصد منابع صندوق توسعه ملی، آن هم بادشواری استفاده کند و ۹۰ درصد منابع این صندوق به سایر بخش های اقتصاد همچون، صنعت، معدن و خدمات اختصاص می یافت درمی یابیم که در آستانه انقلابی در بخش کشاورزی هستیم.

اما این که اصرار دارم این رخداد مهم، انقلاب سبز، همانند آنچه در هند اتفاق افتاد نامیده نشود به این دلیل است که انقلاب سبز هند با اشاعه فرهنگ و آگاهی گسترده و همراه کردن بخش عمده ای از مردم و شاید تمامی فعالان بخش کشاورزی آغاز و به نتیجه رسید اما در کشور ما، به دلایلی که هنوز آشکار نیست و شاید به دلیل اجتناب از «هیاهوهای بسیار برای هیچ» که پیش از این در دولت ها وجود داشته است، موضوع در سکوت صورت گرفته است که البته شاید مصلحت همین است.



شماره ۱۵۱ - مرداد ماه ۱۳۹۳

مقاله - مصاحبه

مروری تاریخی بر سیر تکوین و تحول اصلاح نژاد دام در کشور

در مطلع این مصاحبه آورده شده:



مرکز اصلاح نژاد دام و بهبود تولیدات دامی از جمله نهادهای علمی و تخصصی زیر مجموعه معاونت امور تولیدات دامی وزارت جهاد کشاورزی است که کمتر در موردش سخنی گفته می شود و دستاوردهایش به چشم می آید حتی بسیاری از تصمیم گیران اقتصادی و شخصیت هایی که مسائل را عمیقاً، از سطوح اخبار رسانه ای و براساس تحلیل ساختارها مورد مذاقه قرار می دهند، اطلاع چندانی از سیر تکوین و تکامل این نهاد علمی و نقش موثر و تعیین کننده ای که در حوزه تامین شیر و گوشت کشور و بهبود فرآیند فراوری محصولات دامی دارد، ندارند. این کم اطلاعی که نوعی بی عدالتی در حق تلاش های تاثیر گذار متخصصان و ساعیان این بخش به شمار می رود موجب شده است اهمیت موضوع اصلاح نژاد که یکی از دانش های روز در عرصه جهانی است به تدریج از فضای تصمیم گیری ها و کانون توجه برای تخصیص اعتبارات بایسته خارج شود. این غفلت تاریخی به دو دلیل اتفاق افتاده است؛ یکی جابجایی هایی نابهنگام متخصصان با سابقه در رده های مدیریتی طی ۶، ۷ سال گذشته و در دو دولت پیشین، دوم، بی توجهی خود متولیان اصلاح نژاد به اطلاع رسانی و گشودن عرصه گفتمان با مخاطبان میانی، دست اندرکاران تصمیم گیر و همچنین دامداران و فعالان تولید، که به نوعی یک گسست تاریخی میان آنچه در مرکز اصلاح نژاد دام و بهبود تولیدات دامی می گذشت با اغلب دامداران صنعتی و نیمه صنعتی ایجاد شد. خوشبختانه با تغییر و تحولاتی که در معاونت امور دام وزارت جهاد کشاورزی ایجاد شد و فردی فرهیخته و متخصص در راس این معاونت قرار گرفت، مدیران با سابقه و متخصصان پیشین، اداره امور این مرکز مهم علمی را به دست گرفتند و همکاری چند جانبه میان مرکز اصلاح نژاد دام با موسسات و شرکت های معتبر سر آغاز تحولی را در این عرصه رقم زد تا جایی که بحث فعالیت های نوین اصلاح نژاد و حتی مباحث ژنومیک به میان آمد.

مصاحبه کننده که خود سردبیر، آقای منصور انصاری است در ادامه می افزاید:

به همین دلیل گفتگویی اختصاصی با مهندس ملاصالحی مدیر کل جدید این مرکز در رابطه با تاریخچه اصلاح نژادی در کشور و برنامه های در دست اجرا انجام داده ایم که توجه دامداران صنعتی و نیمه صنعتی و صاحب نظران و موسسات وارد کننده اسپرم و جنین را به این بحث جلب می کنیم. شما خوانندگان گرامی مجله دامپروان می توانید این مقاله - مصاحبه روشنگر و عمیق را در سرفصل های «آشنایی با تاریخ اصلاح نژاد کشور»، «مرکز اصلاح نژاد، خاطرات امور دام کشور»، «سیر تکوین تلفیح مصنوعی»، «سالی که اولین گاوهای ریجستر هلشتاین از کانادا وارد کشور شد»، «بخش عمده ای از شیر تولیدی کشور از نژادهای آمیخته است»، «دهه ۷۰، اوج عملیات اصلاح نژادی دام در کشور»، «دو تعریف متمایز از اصلاح نژاد»، «ساختار تشکیلات دولتی در بخش دام، گذشته و حال»، «مرکز اصلاح نژاد، یکی از بازوهای اصلی معاونت امور دام»، «انقلاب ژنومیک در بخش دام کشور» و «به دنبال بهبود ژنتیکی، سیستم های مدیریتی فارم را نیز اصلاح می کنیم» دنبال کنید.



شماره ۱۵۱ - مرداد ماه ۱۳۹۳

مقاله

بهتر آنست که آبگینه را با گرزگران نکوبیم!

مقاله ای است به نگارش منصور انصاری که در مقطع زمانی مرداد ماه پارسال و در حاشیه پریهوی «استفاده از روغن پالم در صنایع لبنی» چاپ شده است. نویسنده در مقدمه پس از یادآوری مختصری از آنچه طی سال های گذشته بر داستان «شیر» ایران رفته است، از جمله موضوع استفاده از «واپتکس» در شیر، به موضوع فراوری لبنیات در کشور با استفاده از روغن



پالم، می پردازد و می گوید:

اعلام خبر با مقدمه‌ای که موضوع به رئیس جمهور و وزیر جهاد کشاورزی نیز گزارش شده است مردم را به این تصور سوق می‌دهد که "روغن پالم" یک سم کشنده سرطان‌زا است که باید هر تنابنده‌ای از یک فرسخی آن عبور کند که مبادا به یک بیماری کشنده مبتلا شود، سمی که حتماً وزیر بهداشت تحصیل کرده کشور ما هم به خوبی می‌داند که سالیانه ۷۵۰ هزار تن از آن وارد کشور می‌شود و البته برای استفاده در انواع اقسام غذاهای مورد مصرف مردم به صورت روغن خوراکی فرآوری می‌گردد.

نویسنده با انتقاد از نوع موضوعات مرتبط با کشاورزی و فرآورده‌های غذایی و به طور ویژه محصولات لبنی در کشور می‌گوید:

وزیری تحصیل کرده و فرهیخته که بیش از اینها از ایشان انتظار می‌رفت یکباره می‌پرد و وسط گود و گرز گران "روغن پالم" را در میدان سلامت مردم با فصاحت و بلاغت بر دور سر می‌چرخاند که "مگر دشمن است آنکه آید به جنگ،... به دورش بدوزم به تیر خدنگ" و بر تمامی بار آبهینه شیری و صنایع لبنی می‌کوبد و می‌گوید مردم باید بدانند بابت چه کالایی پول می‌دهند.

نویسنده در نهایت با یک هشدار و یک پرسش به شرح زیر نگاشته خود را به پایان می‌برد:

طبعاً ذهنیت استفاده از "روغن پالم" در صنایع لبنی برای مدت‌های مدید باقی خواهد ماند بی آنکه افکار عمومی دقیقاً از میزان واقعی این تخلف در صنایع شیر کشور مطلع شوند، بهانه‌های زیادی در میان مردم وجود دارد که از مصرف شیر و مواد لبنی خودداری کنند و اینگونه خبرها نیز به کاهش مصرف این ماده غذایی که جایگزین ندارد و یک شاخص سلامتی است کمک می‌کند، بدتر آنکه گفته می‌شود کارخانه متخلف توپ را به زمین دامداران که تریبونی هم ندارند شوت کرده است که ما شیر ترکیب شده با "روغن پالم" را از دامداران خریداری کرده‌ایم... و این ماجرا همچنان در قالب خبر و تکذیب خبر ادامه خواهد یافت.



شماره ۱۵۱ - مرداد ماه ۱۳۹۳

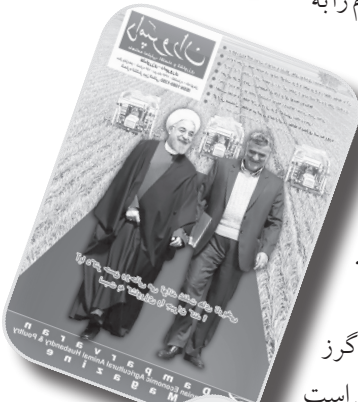
یادداشت

قلب صنعت مرغداری از بیماری شدید رنج می‌برد

در این یادداشت که نویسنده با ملاحظه شرایط قیمتی جوجه یکروزه در مقطع مرداد سال گذشته به رشته تحریر در آورده، در مقایسه‌ای میان قلب انسان به عنوان شاخص سلامتی او و جوجه یکروزه گوشتی به مثابه قلب صنعت مرغداری، به نموداری دو ماهه از قیمت جوجه یکروزه طی تیر و مرداد ۱۳۹۳ می‌پردازد و می‌گوید:

این چنین نموداری در هیچ کشوری از کشورهای عمده و حرفه‌ای تولیدکننده گوشت مرغ به این صورت ترسیم نمی‌شود، ترکیه، برزیل، آمریکای شمالی و... نمودارهایی در حد خط مستقیم و با کمترین دامنه نوسان دارند لذا مسئولان مرتبط الزامی بایست برای جلوگیری از سکنه صنعت مرغداری تصمیمات عاجل اتخاذ کنند.

در نمودار آشکار است که قیمت جوجه یکروزه در ۹۳/۴/۱ حدود ۱۳۵۰ تومان است، در کمتر از ۳۴ روز (۹۳/۵/۴) به ۶۱۰ تومان، یعنی بیش از ۱۱۵ درصد سقوط می‌کند و فقط در یک دوره حدوداً ۱۴ روزه، از ۹۳/۴/۱۱ تا ۹۳/۴/۲۵، قیمت میان ۹۰۶ تومان برای هر قطعه جوجه یکروزه تا ۱۰۵۰ تومان دارای کمترین دامنه نوسان بوده است. پس باید فکری کرد، به قول یکی از معاونان وزیر در آخرین مصاحبه مطبوعاتی به مناسبت هفته دولت؛ باید به مرغداران به خاطر مدیریت مزارع خود در شرایط پرنوسان قیمت نهاده‌ها و جوجه یکروزه که واحدهای خود





شماره ۱۵۲ - شهریور ماه ۱۳۹۳

سرمقاله

راهبرد «کشاورزی اقتصادی» و پایان تاریخ «تولید معیشتی»

در این سرمقاله به نویسندگی منصور انصاری می خوانیم:

اگر تعارف و رودربایستی را کنار بگذاریم، کشور به مرحله ای رسیده است که باید تکلیف خود را با «کشاورزی اقتصادی» و «کشاورزی معیشتی» یا تولید مدرن مقرون به صرفه و تولید سنتی در راهبرد توسعه کشاورزی مشخص کند. سمت گیری در راهبرد به سوی یکی از این دو شیوه تولید آشکار می سازد که به واقع «کشاورزی» می خواهیم یا بر آن هستیم که در کنار حل مشکلات و معضلات اجتماعی جمعیت قابل ملاحظه ای از کشور که البته مشکلات بسیاری هم دارند، کشاورزی هم داشته باشیم؟

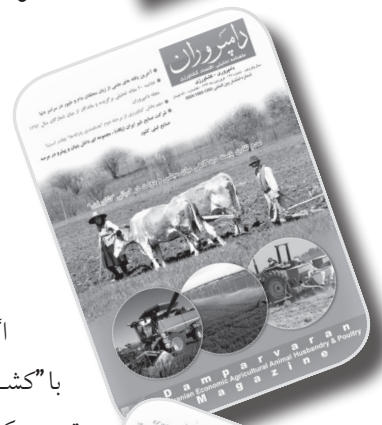
اگر تصور کنیم که ترکیب اجتماعی، سیاسی و اقتصادی روستاها با همین وضعیت «تولید معیشتی» و سنتی و کمترین بهره وری و بازدهی با بالاترین میزان اتلاف منابع آب و نیروی کار حفظ خواهد شد نه تنها کمکی به سطح رفاه و بهبود شرایط زندگی آنان نکرده ایم بلکه با اصرار بر اجرای نظریه ای که دوران تاریخی اش در حوزه توسعه روستاها سپری شده، تداوم فقر و فاقه و زندگی دشوار برای ایشان را به ارمغان خواهیم آورد. از یاد نبریم که توسعه صنایع روستایی با همین نگرش که البته صادقانه، جانبدارانه و با دلسوزی تمام بود و می خواست با فن آوری های ارزان و البته فرسوده و عقب افتاده کشاورزان روستایی را خوشبخت و فعالیت تولیدی آنان را مقرون به صرفه کند، چه زیان های غیر قابل تصویری را بر زندگی آنان تحمیل کرد.

نویسنده توضیح می دهد:

«کشاورزی»، امروز از یک فعالیت اشتغال محور و یک امر اجتماعی سیاسی به فعالیتی رقابتی و بازار محور و اقتصادی، فراروئیده است و بازار بی رحم و بدون ملاحظه سمت و سوی کلی آن را تعیین می کند. به همین دلیل است که در عرصه یارانه ها دولت ها و حاکمیت برای بقای کشاورزی ملی و افزایش ضریب امنیت غذایی به طرق مختلف مداخله می کنند. اینکه به هزار ضرب و زور، قانون و مقررات، بگیر و ببند و تمهیدات اجرایی نمی توان روند تبدیل زمین های شالی به ویلا سازی را متوقف یا کند کرد، مقرون به صرفه نبودن فعالیت های تولید معیشتی به شیوه های سنتی در زمین های کوچک است که با فرایند کشاورزی مدرن و اقتصادی مغایرت دارد.

نویسنده با طرح یک پرسش بنیادین، حیاتی و تعیین کننده که رپس تکلیف جمعیت انبوه بالغ بر ۴ میلیون بهره بردار سنتی و نیمه سنتی با تولیدات معیشتی و نیمه اقتصادی چیست و برای آنان چه راهبردی تعریف می شود، خود به پاسخی در این چارچوب می رسد و می گوید:

«شهرها را به روستا ببریم». اکنون همه گونه امکانات شهری، به جز برج های بلند مرتبه، ترافیک ویران کننده، دود و دم و بوق و زرق و برق های ملالت آور، در روستاهای کشورهایی مثل هلند، فرانسه، انگلیس، کانادا و... به همان میزان و کیفیت شهرها وجود دارد، پس تفاوت ماهوی میان روستا و شهر مرتفع گردیده است و گرایش غالب، سرازیر شدن شهرنشینان به حومه های شهری یا «زونهای» Zones اقماری است که روز به روز در حال گسترش است، این در حالی است که در حاشیه همین روستاها پیشرفته ترین نوع کشاورزی، دامپروری، پرورش اسب و حیوانات اهلی و... وجود دارد و از کشاورزی سنتی و «تولید معیشتی» مگر برای سرگرمی و تفریح خبری نیست.



اگر کشاورزی نوین را در حاشیه روستاها در قالب شرکت‌های سهامی زراعی، تعاونی‌های بزرگ تولیدی و صنایع تبدیلی توسعه یافته، توأم با امکانات شهری به نسبت جمعیت گسترش دهیم و اشتغال در این عرصه قابل دسترس باشد، این امکان به وجود خواهد آمد که با کمترین عوارض و پیامدهای ناگوار "راهبرد کشاورزی" را به سمت "کشاورزی اقتصادی" مقرون به صرفه با قدرت رقابت هدایت و تا حد قابل توجهی بحران کمبود آب و اتلاف آن را تعدیل کنیم.



شماره ۱۵۳ - مهر ماه ۱۳۹۳

سرمقاله

کشاورزی فعالیتی اقتصادی در میدان رقابت‌های جهانی

در سرمقاله عنوان شده، سردبیر پرسشی که با مضمون زیر پیش روی سیاستمداران و مسئولان دولتها و تمامی اداره کنندگان ژئوپولیتیک‌های منطقه‌ای و قاره‌ای به طور جدی مطرح شده است را چنین برمی‌شمرد:

جایگاه کشاورزی در مؤلفه‌های اعمال قدرت و اداره و پایش جوامع انسانی چه در عرصه اعمال سیطره، چه تعامل و گفت‌وگو با ملت‌هایی آنکه مناقشه‌هایی در میان باشد که دیگر مقبولیت خود را به کلی از دست داده است، کجاست؟

نویسنده در فرازی دیگر می‌گوید:

نگاه سیاستمداران دوراندیش و متفکران سیاسی در مورد کشاورزی شاخصی برای تأمین معاش مردمان یک سرزمین نیست، بلکه کشاورزی از منظر ایشان عنصری تعیین کننده در اقتصاد کلان کشورها به شمار می‌رود، نه به این دلیل که الزاماً رقم بالایی در G.D.P را به خود اختصاص می‌دهد بلکه به خاطر تحولی که در حوزه جغرافیای طبیعی کره خاکی در حال وقوع است، حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی که ارزش افزوده بخش کشاورزی در ساختار اقتصاد کلان نسبت به سایر فعالیت‌های اقتصادی بسیار ناچیز است، باز هم کشاورزی، تولیدات بازرگانی و اقتصاد آن به دل مشغولی متفکران سیاسی و اداره کنندگان جوامع انسانی تبدیل شده است، به واقع موضوع کشاورزی فقط در چهارچوب انتفاع ملی مورد مذاکره قرار نمی‌گیرد.

نویسنده در پایان باخوش بینی نسبت به رویکرد دولت تدبیر و امید می‌آورد:

تصور نگارنده این سطور که سال‌های متمادی و بیش از ۳۱ سال در عرصه رسانه‌ها و مطبوعات فعالیت کرده و بالغ بر ۲۵ سال از آن لامحاله در عرصه کشاورزی بوده بر این است که تحولاتی که توسط دولت یازدهم در حوزه کشاورزی در مسیر اقدام و اجرا قرار گرفته است فقط راهبردی برای برون رفت از رکود و ایجاد اشتغال و احقاق حقوق کشاورزی و کشاورزان و تقویت اقتصاد ملی مملکت نیست، «بلکه حرکتی در مسیر همین آینده‌نگری است» که اینک به دل مشغولی استراتژیست‌های سیاسی در کره خاکی تبدیل شده است!

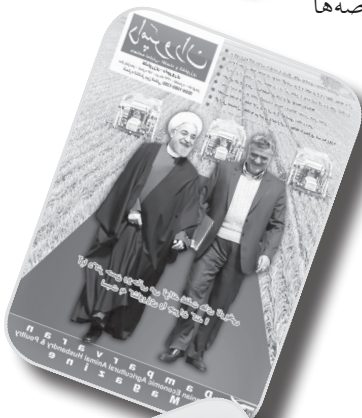


شماره ۱۵۳ - مهر ماه ۱۳۹۳

مقاله

آیا کشاورزی سقوط کرده است؟

این مقاله درست پس از اعلام آمار بانک مرکزی مبنی بر رشد ۳/۳ درصدی بخش کشاورزی از بهار ۹۲ تا بهار ۱۳۹۳، با مقدمه‌ای شیرین و روایی نوشته و به چاپ رسیده است. نویسنده با بیان شگفتی و حیرت خود از تناقض آماری این رشد در ماه‌های آغازین شروع به کار دولت یازدهم با مدت مشابه آن در سال آخر



دولت دهم (یعنی از بهار سال ۹۱ تا بهار ۹۲) می گوید:

اقتصاد یک علم متقن است که در چارچوب یک معادله، اگر یکی از عناصر آن را جابه‌جا کنید سایر عناصر تغییر می‌کنند، اگر در یک جای آن آمار یا کلامی برخلاف آنچه که به وقوع پیوسته به هر دلیل گفته شد در جای دیگر از ساختار اقتصاد کلان بیرون می‌زند، یک سیاست مدار نمی‌تواند در شرایط رکود تورمی سخن از افزایش میزان اشتغال بگوید. دولت‌ها می‌توانند برای اهداف سیاسی دست به آمارسازی و آماربازی بزنند و هر سفیدراسیاه و هر سیاهی را سفید اعلام کنند بی‌آنکه مسئولیتی در مقابل اقتصاد ملی داشته باشند اما در چارچوب منافع ملی الزاماً باید نهاد‌های مستقلی برای بررسی، تحقیق و تدقیق اقتصاد وجود داشته باشند که حسب اختیارات قانونی و جدای از سیاست‌های دولت‌ها از اقتصاد ملی حفاظت کنند طبعاً باید پرسید آن هنگام که رشد ۶/۸ درصدی در اقتصاد کشاورزی اعلام شد و کاملاً مشخص بود که وضعیت زندگی و درآمد کشاورزان تغییری نکرده است هیچکدام از صاحب نظران چه آن دسته که ابن‌الوقت هستند و نان را به نرخ روز می‌خورند و چه آنان که می‌گویند مستقل هستند سخنی به میان نیاوردند، آیا این آماری که الان اعلام شده درست است؟

نویسنده در پایان در چارچوب یک پرسش، به دولت گوشزد و در عین حال توصیه می‌کند:

آیا وزارت جهاد کشاورزی به عنوان متولی کشاورزی کشور بر آن نیست که مستقل از بانک مرکزی با شاخص‌هایی که وجود دارد و شاید بهتر در جریان آنان باشد گروهی مطالعاتی برای راستی آزمایی آنچه که بانک مرکزی دولت یازدهم اعلام کرده است تشکیل دهد تا در پایان چهار سال بر بستری واقعی برنامه‌ریزی بخش مرتبط به خود را تدوین نماید؟



شماره ۱۵۲ - مهر ماه ۱۳۹۳

مقاله

قوانین بانکی فقط برای ضعفا!

مقوله نقش بانک‌ها در توسعه تولید اعم از صنعت و کشاورزی و بازدارندگی آنها در عرصه اقتصاد چند سالی است که اذهان کارشناسان و حتی عموم مردم را به خود مشغول نموده است. در حالی که اساساً بانک‌ها باید رابطی بین پس اندازهای خرد و سرمایه‌گذاری کلان باشند، موسسه‌های بانکی در کشور ما مبدل به مراکز تولید «پول» گردیده و نقش واقعی خود را به کناری نهاده‌اند و از آنجایی که تداوم «پول سازی» قدرتی کاذب به آنها بخشیده است حتی به قوانین و مقررات مصوب مراجع قانونگذاری و اجرایی نیز وقعی نمی‌گذارند. در این مقاله، در یک بررسی کوتاه بخشی از چگونگی این روند ارا به شده است.

آن قدر اعداد و ارقام و درصد‌های کوچک و بزرگ و تو در تو و پهلو به پهلو از بدکاران بانکی دادند که معلوم نشد این حضرات چند نفرند، چقدر از پس اندازهای زنان بیوه و بازنشستگان مفلوج و آرزایمیری را به امانت گرفته‌اند و ارگان‌های قدرتمندی که «پشه را در هوانعل» می‌کنند چطور کاری به کار آنها ندارند. معلوم نیست «دادستان»‌هایی که وظیفه‌شان در اسم‌شان مستتر است، چگونه «داد» این مردم بلا دیده را که در شرح وظایفشان نوشته شده از این جماعتی که پشت هفت دیوار آهنی به بلندای قله دماوند جاخوش کرده و در ناز و نعمت به ریش هشتاد میلیون مردم بینوا «به غیر از اندکی رانت خوار، ویژه خوار و جیره خوار» می‌خندند، نمی‌شناسند.

چند سال است که در اکثر مجامع اجرایی و قانونگذاری هیاهوی بسیاری در مورد معوقات بانکی و پرداخت کنندگان آن برپا شده اما در واقع «هیاهو برای هیچ» است چون تاکنون نه نامی از



این بدهکاران «عزیز» برده شده تا مردم بدانند پول هایشان نزد کدامیک از این «معتمدان» جامعه می باشد و نه اقدامی در جهت بازپس گیری این «حق الناس» به عمل آمده است.

در یک جمع بندی از اطلاعات پراکنده بانک ها به این نتیجه می رسیم که ده نفر از این بدهکاران مبلغ ۱۲۴ هزار میلیارد ریال را در اختیار دارند و ۱۳۱ مشتری بانکی از این گروه بدهکاران، ۱۲ درصد کل تسهیلات بانکی را در اختیار گرفته اند. این در حالی است که برای جایگزینی ماشین آلات فرسوده کشاورزی که خسارات جبران ناپذیری به تولید محصولات کشاورزی وارد نموده و از سال ۱۳۸۹ دستورالعمل جایگزینی آنها صادر گردیده، تسهیلاتی در اختیار متقاضیان قرار نگرفته است و هنگامی که بر ضرورت هر چه سریعتر این جایگزینی تأکید می شود فقط یک عبارت شنیده می شود که: «تسهیلات بانکی نداریم».

نویسنده در پایان یاد آور می شود:

اکثر بانکها در کشور ما اگر چه تحت لوای دولت به فعالیت خود ادامه می دهند، لیکن خود را در جایگاهی می بینند که دیگر برای دستورالعمل ها و تصمیمات دولت هم چندان وجهه ای قایل نیستند و کماکان به راه خود ادامه می دهند.

رئیس جمهور نیز تلویحاً با اشاره به عملکرد بعضی از بانک ها با صراحت از آنان به عنوان «بنگاه» یاد می کند و کلمه «بنگاهداری» در فرهنگ عمومی جامعه به جای بانکداری برای این دسته از بانک ها جای خود را باز می کند و اگر این وضعیت یعنی سود محوری بانک ها قاعده بلامنازع در عرصه اقتصاد کشور شود و آنها شرح وظایف دیگری را برای خود قایل نشوند، اقتصاد کشور هیچ سامانی نخواهد یافت.



شماره ۱۵۴ - آبان ماه ۱۳۹۳

سرمقاله

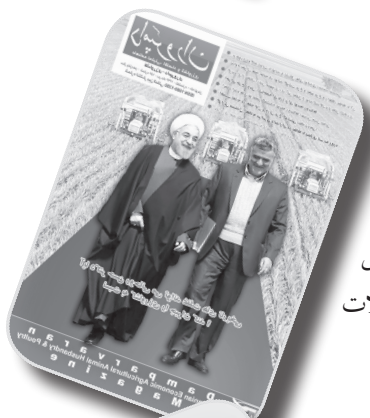
کاهش قیمت نفت و تأثیر مستقیم آن بر کشاورزی ایران

نگارش این سرمقاله مربوط به زمان اعلام قیمت نفت به حدود ۷۵ دلار برای هر بشکه است که نویسنده بانگهی همه جانبه به موضوعات خاور میانه از جمله غائله پرهیاهوی «داعش» و بودجه نویسی کشور برای سال ۱۳۹۴ بر مبنای نرخ ۷۵ دلار برای هر بشکه و از سوی تثبیت نرخ دلار و در مواردی افزایش قیمت آن و تأثیری که این دو شاخص قیمتی بر کشاورزی ایران می توانند بگذارند می گوید:

در مورد کشاورزی با دو پدیده اقتصادی مواجه هستیم؛ یکی خرید گرانتر نهاده ها اعم از کود، سم، بذر، کنجاله سویا، ذرت و بعضی از اقلام مورد نیاز خوراک دام و طیور که افزایش نرخ دلار بر قیمت نهایی آنها تأثیر گذار خواهد بود و دیگری که کشاورزی را به شدت متأثر خواهد کرد موضوع تخصیص مبالغی از صندوق توسعه ملی به صورت دلار و تبدیل آن در اتاق پایاپای بانک مرکزی به ریال است که با هدف توسعه بخش کشاورزی انجام می گیرد.

نویسنده در ادامه چنین پیش بینی می کند:

بعید به نظر می رسد که دولت با کاهش منابع ارزی ناشی از کاهش قیمت نفت، بستن بودجه بر مبنای نفت بشکه ای ۷۰ تا ۷۵ دلار و همچنین ناگزیری تزریق منابع اعتباری به مسکن و صنعت برای رونق و بحث اشتغال در جوامع شهری، توأمان توان تخصیص اعتبارات ارزی و عده داده شده به بخش کشاورزی را داشته باشد و به تعهدات خود عمل کند. لذا کاهش قیمت نفت بسیار بیشتر از سایر بخش های اقتصادی، تأثیر منفی بر بخش کشاورزی خواهد داشت و یک تحول تاریخی در بخش کشاورزی که امیدواری های بسیاری برای دلسوزان کشور فراهم ساخته بود را به احتمال قوی متوقف خواهد کرد.





مقاله

قیمت گوشت مرغ سقوط کرد

این مطلب به قلم سردبیر در بحبوحه بحران کاهش ویران کننده قیمت گوشت مرغ در هفته اول آبان ماه که موجب ضرر و زیان هنگفت برای صنعت مرغداری گردید تدوین و در چند سایت خبری مرتبط انتشار یافت و در واقع حمایتی بود از مرغدارانی که احساس می کردند کسی به حرف آنان توجه ندارد. انتشار مطلب تاثیر بسیار زیادی در اتخاذ تصمیمات بعدی از جمله تصمیم وزیر محترم جهاد کشاورزی مبنی بر خرید مجدد گوشت مرغ به قیمت ۷ هزار تومان داشت.

وی می گوید:

کمتر کسی باور می کرد به رغم تمهیدات، گفته‌ها، مصاحبه‌ها و تعهدات متعدد مسئولان دولتی اعم از مهندس حاجتی، وزیر محترم جهاد کشاورزی و معاونت امور دام آن در مورد حفظ تعادل قیمت فرآورده‌های دام و طیور به نفع تولید و مصرف، قیمت گوشت مرغ تا این حد نگران کننده سقوط کند و مرغداران مجبور شوند پس از نگهداری بیش از ۲ ماه و بعضاً بیشتر، مرغ‌های خود در واحدهای پرورشی را حداقل با ۵۰۰ تومان زیر قیمت تمام شده در مقابل چک‌های ۲ تا ۳ ماهه به ثمن بخرند و بفروشند؛ مصرف کنندگان نیز که احتمالاً از کاهش نسبی قیمت گوشت مرغ لبخندی بر لب دارند، با حجم انبوهی از چربی زائد و غیر قابل استفاده مرغ‌های خریداری شده از واحدهای صنفی مواجه می شوند. ظاهراً همه گفته‌ها و اقدامات و ادعاها بر این پایه بود که داستان اشک‌ها و لبخندها در فضای کسب و کار و مبادله میان تولید کنندگان و مصرف کنندگان تکرار نشود، که متأسفانه شد.

نویسنده پس از ارائه آمار و مستندات متقن در زمینه فرایند بازرگانی گوشت مرغ در آن مقطع زمانی که به زعم وی، از هر زاویه که دیده شود شکننده، ویران کننده و بیش از آن است که اعلام کنیم قیمت مرغ سقوط کرده است، می گوید:

دولت باید فکری عاجل و اقدامی فوری و بدون تعلل انجام دهد. این بحران آشکار می سازد که تصمیمات متخذه، برنامه‌های اعلام شده و بحث‌هایی همچون گسترش، راه اندازی و تقویت زنجیره‌های تولید که مصاحبه و سخنان بسیاری درباره آنها با شور و هیجان گفته می شد چندان عمیق و همه جانبه نبوده‌اند. اینک کارزار واقعی در صحنه نبرد برای بقا و نابودی مرغداران فرا رسیده است. آنانی که فکر و چاره‌ای دارند به میدان آیند! گوشت مرغ و تخم مرغ کمتر از شیر که دولت برای کمک به دامداران، برایش یارانه مستقیم و نقدی تعیین می کند، نیستند!



مقاله

آیا سیاست‌های دولت یازدهم در عرصه صنعت مرغداری شکست خورده است؟

درج این مقاله مربوط به مقطعی زمانی است که قیمت گوشت مرغ با کاهشی ۳۰ درصدی مواجه گردیده و نویسنده (منصور انصاری)، با کنایه از عملکرد برخی مسئولان مرتبط که خود نیز در فضای پیامک‌های متعدد و خبرهای کوتاه باور کرده بودند «همه چیز خوب پیش می رود و بانگ چغانه از هر سو بلند بود»، می گوید:

خلاصه آنچه بود و هست خبر بود و هیچ گفتگوی عمیق و مناظره‌ای توأم با پرسش‌های تخصصی و چالشی که می توانست رهیافتی به لایه‌های زیرین صنعت مرغداری و حلقه‌های



مختلف و به هم تنیده و پیچیده فرآیند تولید گوشت مرغ و تخم مرغ باشد، به چشم نمی خورد تا اینکه یکباره، نه در چهار چوب یک نوسان زودگذر متداول، بلکه در فرآیندی پایدار، قیمت گوشت مرغ سقوط می کند و به جای «زنجیره تأمین»، «زنجیره زیان» در حلقه های متعدد صنعت مرغداری بروز و ظهور می یابد و یکی از مدیران صاحب نظر صنعت در یک برنامه پربیننده تلویزیونی بدون حضور و یا پاسخگویی هیچ متولی و مسئولی حاضر می شود و به زیان های میلیاردی مرغداران گوشتی، تخمگذار و تولیدکنندگان جوجه یکروزه اشاره می کند و می گوید؛ ادامه این وضعیت، قیمت گوشت مرغ را به ۱۰ هزار تومان نیز می رساند!

وی در پایان چنین نتیجه گیری می کند:

در پایان، شاید برای کسب تجربه و تغییر رویکرد مسئولانی که انعکاس گسترده اخبار در مورد فعالیت های خود را نشانده موفقیتهایشان می دانند مفید باشد که بگویم در عرصه فرآیند پیچیده و پراز نوسان تولید و سقوط و صعود قیمت ها در حوزه بازرگانی، این بروز و ظهور شاخص ها و رخداد های عینا موجود با مقبولیت عام هستند که آشکار می سازند یک سیاست گذاری یا برنامه ریزی موفق بوده است یا خیر و آیا یک مسئول مرتبط خوب عمل کرده است یا نه، و گرنه انعکاس هزاران نقل قول مثبت از سوی مسئولان و ماموران دولتی و با فرض محال، همین مقدار بدگویی و گلایه از قول مدیران تشکل ها یا تولید کنندگان در مقابل این شاخص ها و رخدادها رنگ می بازند و الزام نمی تواند نشانه موفقیت، شکست برنامه ها و یا عملکرد دولت ها باشد.



شماره ۱۵۵ - آذر ماه ۱۳۹۳

سرمقاله

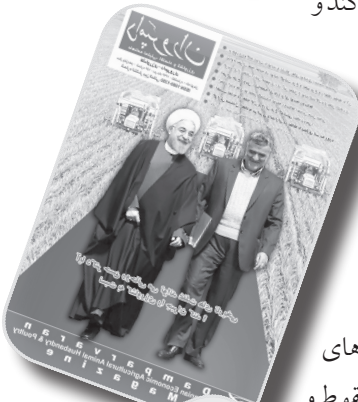
با چه هدفی متخصصان حرف های غیر تخصصی می زنند!

این عنوان سرمقاله ای است که «در حاشیه بازدید خبرنگاران از لاین بابل کنار» نگاشته شده است. نویسنده سرمقاله همچنان که در ابتدای خوانیم با انتقاد از شیوه برخورد برخی مسئولان نسبت به بزرگنمایی اغراق آمیز و غیر واقعی «داشته ها» می گوید:

گویا قرار نیست نگرش های پندار گرایانه غیر تخصصی در عرصه کشاورزی و دامپروری جای خود را به واقع بینی و دیدگاه های عملی بدهد. مسئولان و عده ای در دولت کنونی نیز به عمد یا سهواً به این فضا دامن می زنند و زمینه هایی فراهم می سازند که بسیاری از افسوس شدگان پندار گرای پیشین یادشان می رود برنامه ریزان و سیاست گذاران وزارت جهاد کشاورزی دولت یازدهم سعی دارند در حرف و گفتار از طرح شعارهای پرطمطراق بی محتوای غیر عملی سیاست زده با پسوند های مطلق گرایانه «ترین» اجتناب کنند و با تواضع و کم ادعایی در عین برخورداری از دانش کافی می گویند بر آنیم با تکیه بر تعاملات جهانی و دستاوردهای علوم و صحنه عمومی جامعه جهانی کشاورزی به راهکارهای واقع بینانه برای برون رفت از مخمصه های تاریخی کشاورزی و دامپروری کشورمان دست یابیم و کشاورزی را بیشتر در حوزه صرفه اقتصادی و منافع ملی می بینند نه عرصه سیاسی کاری.

به واقع باید گفت تحولات تاریخی در عرصه تولید، اقتصاد و بازرگانی کشاورزی با شعارهای سیاسی عامه پسند امکان پذیر نیست، کشاورزی از صبحدم تاریخ «ساختار اجتماعی تولید» تا کنون مقهور طبیعت بوده و هست و فقط با قانون استیلا یعنی کشف رمز و راز طبیعت و بهره گیری از دانش، علوم و تکنولوژی می توان دامنه این قهر را محدود و به فرمان سیاست و برنامه ریزی کلان در این یا آن جغرافیای طبیعی در آورد.

نویسنده که این مقدمه را در پی مصاحبه دو تن از متخصصان «لاین بابل کنار» آورده است در ادامه و پس از نقل



قول آنان می گوید:

از این دوبرگوار مصاحبه شونده و کسان دیگری که ترتیب این برنامه را داده اند باید پرسید این چه «مقام هشتمی در جهان است» که حتی در کشور خود سهمی بسیار ناچیز دارد. وقتی مرغداران ایرانی به رغم قیمت بسیار ارزان لاین آری، از این نژاد در فارمهای خود جوجه ریزی نمی کنند، و این دانش لاین که مقام هشتم دنیا را به کشور داده است در داخل به طور کامل شکست خورده است و به رغم حمایت های بسی دروغ دولتی در عرصه رقابت با نژادهای تجاری موجود در کشور از رده ۸۵ به ۳ درصد (که این رقم نیز نادرست و حدود یک درصد و کمتر صحیح است) رسیده، چه ارزش و اعتباری دارد که به آن افتخار کنیم؟ آیا اعلام این ارقام اعلام شکست کامل پروژه لاین بابل کنار نیست؟ از این گذشته این چه دیدگاه پندارگرایانه ی غیر واقعی است که اعلام می شود امسال سهم این مجتمع را به ۱۵ درصد سهم جهانی ارتقاء می دهیم؟

چرا در آن زمان از میان تمامی نژادهای برتر جهان به سراغ نژاد «هایبرو» هلندی رفتیم؟ چه کسی و کسانی در آن زمان پورسانت های حیرت انگیز دلاری گرفتند و گریختند؟ چرا «نژاد هایبرو» که در صحنه جامعه جهانی صنعت مرغداری در حال زوال و نابودی بود و اینک نیز وجود خارجی ندارد در انتخاب کردیم؟ چرا یک هزار و ۱۳۵ هکتار زمین ممتاز در یک منطقه ایزوله شده به حال خود رها شده است و تجهیزات و تاسیسات آن در حال نابودی است؟ چرا مجلس هیچ تحقیق و تفحصی در مورد شکست این پروژه در ادوار گذشته نکرده است و نمی کند؟ چرا سفرهای اخیر این یا آن مدیر شرکت های اقماری به کشورهای اروپایی برای نوسازی، بازسازی و احتمالاً واردات خط خونی جدید یا همان GGP (پدر اجداد مادر) به صورت شفاف «خبری» نمی شود؟ آقایان در پنهان به چه کار مشغولند؟ اگر قصد خدمت به صنعت مرغداری و نه ساخت کلاه از نمذ صندوق توسعه و ارزهای آن، در میان است. چرا خود صاحبان صنعت مرغداری، تشکل ها، کارشناسان بخش خصوصی و حتی واردکنندگان اجداد تجاری مانند راس (۸۶ درصد از سهم بازار)، کاب (۱۰ درصد)، آربورایکرز (۳ درصد)، هوبارد (۱ درصد) و... برای بهره گیری از تجارب آنان در بازار داخلی و در حضور رسانه های تخصصی به میزگردی دعوت نمی کنند؟

نویسنده در پایان بیان می کند:

حتماً لازم است انحصار در نژادها و تک نژادی و از جمله موضوع واردات اجداد نژادهایی چون «راس»، که ۸۶ درصد از سهم بازار را دارد، مورد بحث و مذاقه مجدد قرار گیرد، اگر به زیان کشور است و ترجیح با واردات لاین و استقرار لاین جدیدی است و برای اقتصاد ملی و امنیت غذایی مقرون به صرفه تر است، آشکارا، نه زیر به زیر، آن را با سر بلندی در میان جامعه صنعت مرغداری به بحث و گفتگو بگذارند و صاحبان صنعت مرغداری و مرغداران را به مشارکت در این بحث دعوت کنند، در پایان، سکوت حیرت آور نهادها و شرکت هایی که اجداد راس، کاب، آربورایکرز و هوبارد را وارد می کنند در مقابل این اظهارات قابل تأمل است.



شماره ۱۵۵ - آذر ماه ۱۳۹۳

مقاله

در عرصه کشاورزی و دامپروری تعاملات جهانی بدون حضور بخش خصوصی موفق نخواهد بود

در این مقاله نویسنده بانگاهی انتقادی نسبت به نگرش «تولید داخل به هر قیمت» در برابر رویکرد «تعامل



جهانی برای انتقال بهترین یافته‌های علمی و مواد اولیه برای بهبود ضریب تولید در زیربخش‌های مختلف کشاورزی،

می‌گوید:

دلیلی وجود ندارد که از جیب تولیدکنندگان با ایجاد انحصار و محدودیت، یک دارو یا واکسن با کمترین ماده مؤثر را به فروش برسانیم اما در فکر افزایش کیفیت آن نیز نباشیم!
از سوی دیگر و در شرایطی که شاهد تعامل جهانی برای انتقال بهترین یافته‌های علمی و مواد اولیه برای بهبود ضریب تولید در زیربخش‌های مختلف کشاورزی هستیم از آنچه که بخش خصوصی طی سالیان گذشته در دشوارترین شرایط سیاسی یعنی تحریم‌ها برای تحقق همین هدف یعنی بهبود ضریب تبدیل تولیدات کشاورزی انجام داده است به کلی غافل هستیم، یعنی سرمایه‌گذار بخش خصوصی قبل از دولت و به جای دولت، خود وارد تعاملات جهانی شده است؛ آخرین تکنولوژی تولید را خریداری، کارخانه‌ای با هزار مرارت و ریسک احداث و یک تولید نمونه و کم نظیر مطابق با استاندارد اروپا به بازار عرضه می‌کند، این کارخانه و محصول آن مورد بازدید و تعریف و تمجید مسئولان، کارشناسان و حتی معاونان مرتبط قرار می‌گیرد ولی هیچکدام از آنان که بازدید کرده‌اند و در تلاش سفر به اروپا برای برقراری مرادات با کشورهای اروپایی هستند اقدامی عملی برای استفاده از این تعامل تحقق یافته و آنچه که می‌گویند در نوع خود بی نظیر است نمی‌کنند! این تناقض نیز باید به نفع بخش خصوصی یعنی تولید ملی حل شود.



شماره ۱۵۵ - آذرماه ۱۳۹۳

مقاله

«شیر» در چرخه ناکجا آباد!

منصور انصاری مقاله عنوان شده را پیرامون دخالت عامه دولتها در تولید و بازرگانی فراورده‌ها و محصولات بخش کشاورزی که به برهم زدن تعادل عرضه و تقاضا و بعضاً گسترش تولید بی کیفیت داخل منجر می‌شود نوشته است.

وی می‌گوید:

گرچه فرآیند تولید محصولی چون شیر و تبدیل آن به انواع و اقسام فراورده‌های لبنی خود یک زنجیره به شمار می‌رود ولی در هر حلقه این فرآیند زنجیره وار، زنجیره‌های متعدد دیگری وجود دارد که کنترل دستوری یا دولتی آنان، امکان پذیر نیست. این نوع فرآیندها خود با یک مکانیزم درونی تنظیم می‌شوند که به طور کلی آن را «قانون عرضه و تقاضا» می‌نامند، اگر دولت‌ها یا حکمرانی و حاکمیت‌ها حسب وظیفه خطیر و اجتناب ناپذیر خود در مقابل تامین مواد غذایی قابل دسترس برای همگان و با قیمت مناسب از جمله شیر و مواد لبنی موظف و پاسخگو هستند به این معنی نبوده و نخواهد بود که تعادل عرضه و تقاضا را به نفع این یا آن حلقه این «زنجیره درهم تنیده» برهم زنند. دولت‌ها همیشه در جایگاه ممتاز مسئولیت و پاسخگویی به ویژه در عرضه مواد غذایی، هادی و ناظر و برنامه ریز و سیاست گذارند، در این عرصه و «شرح وظایف دولت‌ها»، هیچ مناقشه و مجادله‌ای پذیرش یا مقبولیت ندارد. دولت طی ۳۵ سال گذشته شیوه‌های مختلفی برای حمایت از تولید شیر و گوشت اتخاذ کرده است ولی هنوز سردرگم و بلا تکلیف و مستأصل از این است که چه باید بکند و کدام روش مؤثرتر است. راه‌های بسیار دیگری در پیش گرفته شد که در تمامی آنها دولت مجری و دخالت کننده بود نه سیاست گذار و ناظر.

وی می‌افزاید:

اگر از آن زمانها فاصله بگیریم، به دو دولت رسیدیم که به هر دلیل به طور یک جانبه طرف مصرف

کننده را می‌گرفت با این تصور که دارد خدمت می‌کند، تولید در عرصه شیر و گوشت به پرتگاه نابودی رسید، لامحاله در دولت یازدهم برای خاک برداری از این شیوه اداره امور مملکت و بازسازی ویرانه‌ها سمت حمایت دولت به سوی تولیدات کشاورزی و فرآورده‌های دام و طیور چرخید، در واقع بحث با سیاست‌های جبرانی شروع شد که شاهد بودیم دولت با تخصیص یارانه نقدی ۱۹۰ تومان قصد حمایت جدی از دامداران را داشت ولی به دلیل کارکرد بانک‌ها و یادیرکرد تخصیص اعتبارات متاسفانه در عمل به زیان دامداران تمام شد. حال، طی ماه‌های اخیر نیز شاهدیم به خاطر اجرای قیمت مصوب اعلام شده ۱۴۴۰ تومان برای خرید هر کیلو شیر از جانب کارخانجات و عدم پذیرش از سوی آنان، به فکر افتاد از طریق سازمان تعاون روستایی که اکنون مدیری خلاق و توانمند در راس آن قرار گرفته است شیر را خریداری و تبدیل به شیر خشک نماید تا مازاد شیر تولیدی جمع‌آوری و کارخانجات، لامحاله شیر را ۱۴۴۰ تومان خریداری کنند با این قصد که دامداران زیان نبینند! در واقع دولت از جایگاه برنام‌ریز، سیاست‌گذار و ناظر، به جایگاه «مداخله‌گر» باهر نیت خیر سقوط کرد، این همان خطر پنهانی است که خود دولت، تولید شیر و گوشت، صنایع تبدیلی و مصرف‌کنندگان را تهدید می‌کند، ممکن است مدیران بعضی از اتحادیه‌ها، به خصوص انجمن‌های پایتخت نشینی که به منابع و حمایت‌ها دسترسی نزدیک و مستقیم دارند، بشکن بزنند و هورا بکشند و خود را حلقه برنده زنجیره به شمار آورند ولی برای تکمیل این «خوش باشی» حتما باید به چند پرسش پاسخ دهند؛ قرار است این شیر خشک انبار شده چگونه عرضه شود؟ آیا قرار است به صورت شیر و یا سایر فرآورده‌های لبنی وارد بازارهای داخلی شود یا صادر گردد؟ با توجه به قیمت تمام شده شیر خشک مثلاً فرانسوی با یک برنند جهانی برای هر کیلو حدود ۲ دلار و سی سنت تحویل در بندر عباس و قیمت تمام شده شیر خشک تولیدی داخل (در این چرخه) حدود ۱۲ تا ۱۳ هزار تومان این شیر خشک می‌تواند جایگاه صادراتی داشته باشد؟ چند سال می‌توان این شیر را در انبارها ذخیره و نگهداری کرد؟ در صورتی که صنایع لبنی مطرح نتوانند با قیمت شیر ۱۴۴۰ تومان در بازارهای صادراتی رقابت کنند برای شیر خام چه اتفاقی خواهد افتاد؟ دولت به رغم حسن نیت و گسترش این خرید تا کنون در ۱۰ استان کشور تا چند استان دیگر قادر است این خریدها را ادامه دهد و قدرت خرید دولت تا کجاست؟

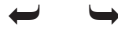
آیا مهندس حاجتی خرید تضمینی ۲۰۰ هزار تن چای انبار شده در دولت‌های گذشته و دوره وزارتش را که نهایتاً به کود تبدیل شد را به یاد دارند؟ با توجه به آمار بانک مرکزی مبنی بر کاهش ۴۲ درصدی مصرف شیر در سبد غذایی خانوار، افزایش قیمت شیر و کاهش حاشیه سود کارخانجات و صنایع لبنی که تقلب در کیفیت ندارند، آیا می‌توان گفت مصرف شیر در سبد خانوار افزایش می‌یابد و با مازاد پی در پی شیر خام تولید دامداران مواجه نمی‌شویم؟ آیا خرید شیر به قیمت ۱۴۴۰ تومان به انتهای خط یعنی دامداران دور دست و آنانی که در سایه انجمن‌ها و اتحادیه‌های نزدیک و قابل دسترس نیستند خواهد رسید، و اگر این اتفاق رخ ندهد بر سر تولید سراسری شیر چه خواهد آمد؟ آیا مهندس حاجتی و همکارانش موضوع سرریز نابه‌هنگام مرغ‌مازاد خریداری شده توسط شرکت پشتیبانی امور دام به بازار و فاجعه سقوط تاریخی قیمت گوشت مرغ طی دو ماه اخیر را به یاد دارند؟

در نهایت نگارنده نتیجه می‌گیرد:

در تمام دنیا این صنایع لبنی، دامداران و تولیدکنندگان شیر هستند که بار عایت شاخص افزایش ضریب مصرف شیر، بدون دخالت دولت ولی با نظارت جانبدارانه این نهاد با یکدیگر برای تعیین قیمت شیر تعامل می‌کنند و پوست خربزه زیر پای دولت نمی‌اندازند! بارها پیش از این اتفاق افتاده است که شمشیر به دستان امروز به محض اینکه هوارا پس می‌بینند زیر به زیر برای فروش شیر خود و نزدیکانشان با صنایع شیر از هر رقمش کنار می‌آیند و دامداران دیگر را رها



می کنند. پس باید گفت شیر را از چرخه "ناکجا آباد"، وارهانیم. بگذاریم سامانه عرضه و تقاضا در مسیر طبیعی خود و حمایت دولت به طریق خرید انبوه و کافی علوفه و عرصه ارزان غیر رقابتی آن به دامداران حمایت های خود را انجام دهند و البته با نظارت دقیق برای جلوگیری از هر گونه سوء استفاده، تعادل و ثبات رابه عرصه دامپروری کشور بازگردانیم.



شماره ۱۵۵ - آذر ماه ۱۳۹۳

مقاله

آیا بهره وری در کشاورزی افزایش یافته است؟

در این مقاله نویسنده با انتقاد از نوع اطلاع رسانی فعالیت های دولت و وزارت جهاد کشاورزی، عطف به اختصاص خطوط اعتباری به مکانیزاسیون در بخش کشاورزی می گوید:

آیا صرف این همه اعتبار بر فرض اینکه صد درصد درست و بی عیب و نقص توزیع و تخصیص یافته باشند، مبتنی بر نیازهای مبرم کشاورزی کشور در استان های مختلف و یا مثلاً با محوریت تخصیص نیروی محرکه بوده است؟ چقدر روابط و مناسبات این و آن انجمن یا حوزه های نفوذ در اعطای تخصیص دخیل بوده است؟ چه تاثیری در افزایش بهره وری داشته است؟ آیا نیروی محرکه در معادن، راه سازی و یا حمل و نقل در مناطق صعب العبور بهبود یافته است یا بهره وری در مزارع؟ چرا در اخبار و مصاحبه های خبری فقط به ذکر این ارقام بسنده می شود و بحثی از این که این پول را هزینه کرده ایم و نتیجه آن در عرصه تولید دستیابی به این و آن عدد یا ضریب بهره وری بوده است به میان نمی آید؟ طرح مکرر این گونه اخبار و نهایتاً جذب اعتبار برای چیست؟ برای این که بگوئیم مرکز، نهاد، سازمان، معاونت و وزارت خانه خوبی هستیم یا اینکه در عرصه عمل به وضعیت کشاورزی و تولید بهبود یافته و در سطحی بالاتر به ارزش افزوده بخش کشاورزی در اقتصاد کلان دست یابیم؟ آیا می توان یک سیاست گذاری را با این دست ابیات که «تو نیکی می کن و در دجله انداز...» هدایت و تدقیق کرد؟!



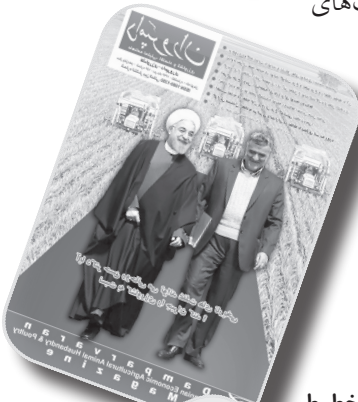
شماره ۱۵۵ - آذر ماه ۱۳۹۳

مقاله

... و این بار طوفان خمیر مرغ؟

این گزارش به قلم سیاوش انصاری، انعکاس مناقشه ای گفتاری و نبردی است اداری بر سر موضوع استفاده یا عدم استفاده از خمیر گوشت مرغ که در میان افکار عمومی در سطحی وسیع انعکاس یافت و حتی تیتراول یکی از روزنامه های معروف و پرتیراژ کشور نیز شد. نویسنده می گوید:

به واقع مردم تازه فهمیدند که خمیر مرغ چیست و استفاده و کاربرد آن چگونه است. گذشته از زور آزمایی سازمان دامپزشکی کشور و سازمان غذا و دارو که هر کدام زیر مجموعه متعلق به دو وزارتخانه در یک دولت موسوم به تدبیر و امید هستند، عدم اطمینان در مورد نظارت و عملکرد ضعیف هر دو نهاد به این مناقشه دامن زده است و چنین به نظر می رسد که سازمان غذا و دارو در مورد فراوری خمیر مرغ برای استفاده از سوسیس و کالباس نگران است و سازمان دامپزشکی به دلیل حمایت از صنعت مرغداری و در چارچوب شرح وظایف خود پا به میدان این مجادله گذشته است. سیاوش انصاری در ادامه پس از ارائه فاکت های معتبر از سوی مسئولان متعدد گزارش خود را چنین جمع بندی می کند:



بدیهی ست، تولیدکنندگان فرآورده‌های خام دامی دستورالعمل‌ها را از سازمان دامپزشکی دریافت می‌کنند و نظارت بر تولید فرآورده‌های خام دامی نیز در شرح وظایف این سازمان است، اما آنچه باقی می‌ماند بلا تکلیفی و دغدغه‌های مصرف‌کنندگان است که هر دم اوج می‌گیرد و گویا پایانی برای آن متصور نیست، یک بار با طوفان پالم در صنایع لبنی، باری دیگر با کشف آرسنیک و سرب در برنج‌های وارداتی هندی، دیگر بار با معضل خمیر مرغ و غیره و غیره.



شماره ۱۵۵ - آذرماه ۱۳۹۳

مقاله

امنیت غذایی، یک شعار موسمی

نویسنده در مطلع این مقاله می‌آورد:

دنیا به اندازه کافی رئیس جمهور، وزیر، مجلس، ماهواره، موبایل، موشک، کلاهک اتمی، توپ، تانک و سلاح‌های پیشرفته برای کشتن آدمها دارد، اما آنچه کم دارد، غذا است که تا این زمان نتوانسته و یا نخواسته برای آن چاره‌ای بیندیشد و بعضا برای آنکه نرخ گندم و یا ذرت کشاورزش شکسته نشود از آنها سوخت اتومبیل تهیه می‌کند و یا به دریا می‌ریزد. امنیت غذایی از جمله موضوعاتی است که با وعده‌های فصلی و موسمی و در هنگام مناسبت‌های سیاسی و انتخاباتی به دست نمی‌آید بلکه برآیندی از مجموعی عوامل زیرساختی و درازمدت است که باید بسیار پیشتر از زمان وعده دادن، ساز و کارهای آن پیش بینی و طی سالهای طولانی به اجرا درآید.

نویسنده پس از ذکر برخی آمار از قول منابع معتبر می‌گوید:

در جامعه‌ای که ۱۸ درصد از آحاد آن در زمره «فقر» قرار دارند چه جای فخر و مباهات است؟

نویسنده در انتهای می‌گوید:

در تعریف بانک جهانی از امنیت غذایی آمده است: «دسترسی همه مردم در تمام اوقات، به غذای کافی برای داشتن یک زندگی سالم» که ۳ عنصر «موجود بودن غذا»، «دسترسی به غذای سالم» و «پایداری در دریافت غذا» از محورهای اصلی آن هستند.

لازمه دست یابی به امنیت غذایی واقعی، بدون هیچ بحث و جدلی کشاورزی پایدار است که در سایه کار و فعالیت کشاورزانی با درآمدی منطقی و رفاهی نسبی امکان پذیر است اما در شرایطی که شاهد هستیم میان سال‌های ۸۱ تا ۹۱ هزینه‌های خانوار ۴۰ درصد افزایش یافته است امنیت غذایی پریشانی بدون پاسخ خواهد بود.

اکنون اگر با این تصور که «تازمانی که نفت داریم، امنیت غذایی هم داریم»، نسبت به آنچه در زیر پوست جامعه می‌گذرد بی‌توجه بمانیم، خود را روی خطری بالقوه قرار داده‌ایم که می‌تواند به تندتر شدن شیب «فقر» در جامعه بینجامد. ایجاد فرصت دسترسی برای ثروتمندان به غذا موجب رشد تبعیض و تعارض در جامعه شده و مکانیسم توزیع عدالت را در کشور برهم می‌زند. اگر قرار باشد فقط پولدارها بتوانند آنچه را که دوست دارند خریداری کنند، امنیت غذایی بی‌معنا خواهد شد. به هر حال، این برعهده مجریان امور است تا برای گریز از یک شرایط غیر قابل برگشت تمهیداتی بیندیشند!

ادامه مطالب (از ۱۵۶ تا ۱۵۸، مربوط به ماه‌های دی، بهمن و اسفند ۱۳۹۳) در شماره آینده



مروری بر "جابجایی شیردان" در گله‌های گاو شیری:

پیشگیری، درمان و مراقبت‌های پس از آن

دکتر دامون انصاری جراحی برجسته و صاحب نام است که در چند بیمارستان مشغول فعالیت در عرصه جراحی دام‌های سبک و بعضاً دام‌های سنگین و همچنین حیوانات خانگی است. دل مشغولی و فعالیت فکری اش در عرصه خواندن، نوشتن، تدوین و ترجمه فوق تخصصی و بیشتر در راستای فعالیت روزمره خود یعنی جراحی است. طی بحث و گفتگوهای بسیار بالاخره ایشان را متقاعد کردیم که برای دامپروی کشور و دامدارانی که با هزاران دشواری و نگرانی شیر و گوشت تولید می‌کنند، مطالبی مفید و کاربردی بنویسد. خوشبختانه اولین مطلب تخصصی ساده در این راستا را برایمان فرستاد که از نظر شما می‌گذرد. امیدواریم دامپزشکان صاحب نام دیگر نیز، فراتر از اشتغالات علمی و طراز اول، مطالبی کاربردی و تاثیرگذار برایمان بفرستند.



سردبیر

در بیماری جابجایی شیردان، همانگونه که از نامش پیداست این قسمت از معده جابجایی می‌شود که در ۸۰-۹۰ درصد مواقع به سمت چپ است (LDA or Left Displaced abomasum). به طور کلی شیردان هنگامی می‌تواند جابجا شود یا به دور خود بپیچد که فضای خالی زیادی در حفره شکم وجود داشته باشد. این فضا به دو علت مهم ایجاد می‌شود: ۱- کمبود حجم مواد غذایی در شکمبه و روده‌ها ۲- داشتن زایمان در ۴ هفته اخیر. از نظر آناتومی جابجایی شیردان از خط وسط شکم به سمت چپ و به بالا اتفاق می‌افتد که منجر به از بین رفتن تونوسیت عضلانی و تجمع گاز فراوان در آن می‌گردد و در نهایت می‌تواند از کار افتادگی کامل سیستم گوارشی و حتی مرگ را در پی داشته باشد.

تشخیص:

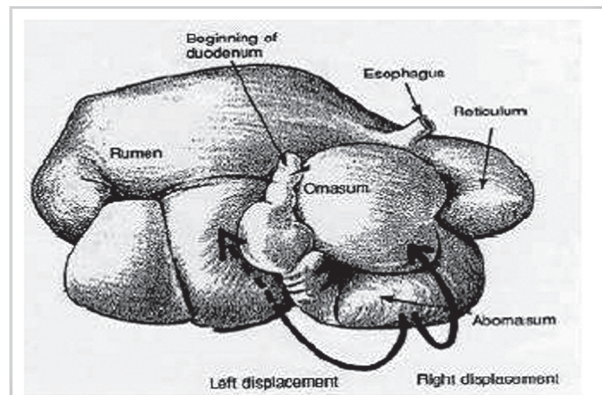
تشخیص این بیماری به طور معمول توسط دامپزشک یا تکنسین متبحر و با استفاده از گوشی پزشکی و به کارگیری خوب حس شنوایی صورت می‌گیرد:

گوشی در پهلو چپ گاو در منطقه‌ای نزدیک به دو دنده‌ی آخر قرار می‌گیرد. سپس با انگشتان ضرباتی به پوست ناحیه زده می‌شود. در صورتی که در حین وارد شدن ضربات صدایی مانند زنجیر فلزی

اگر شما صاحب یک دامپروی گاو شیری هستید به طور حتم، نام بیماری «جابجایی شیردان» را شنیده‌اید.

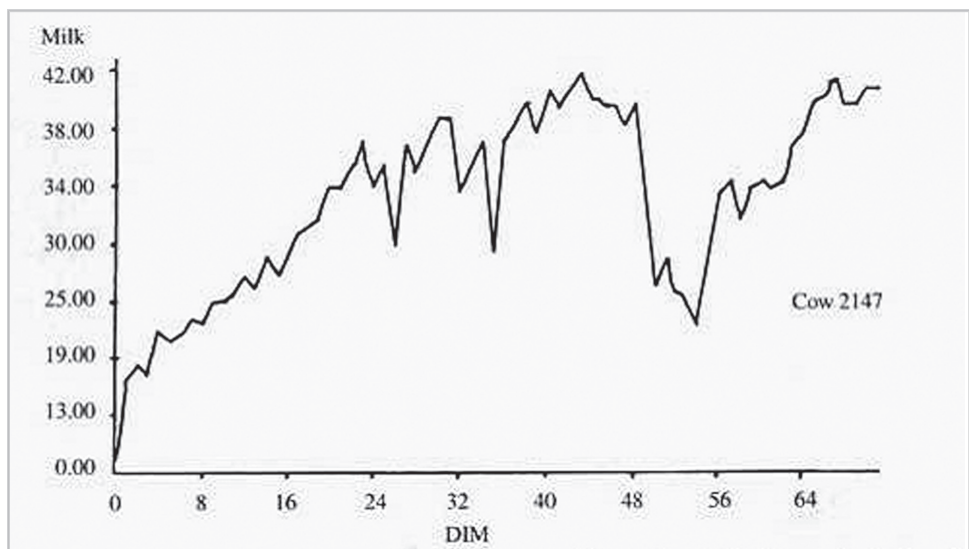
جابجایی شیردان از جمله بیماری‌های معمول در گاوهای شیری است که رخدادی در حدود ۵ درصد در گله دارد. در این مقاله برآنیم تا شما را با این بیماری از نقطه نظر آناتومی، تشخیص، اثرات نامطلوب در تولید شیر، پیشگیری، راه‌های مدیریتی و در نهایت درمان آن آشنا کنیم

شیردان (Abomasum) قسمت چهارم یا نهایی از معده چهار قسمتی در حیوانات نشخوارکننده است (شکمبه، نگاری، هزارلا و شیردان). در این قسمت هضم معدی صورت گرفته و مانند معده انسان است.





دکتر دامون انصاری در حال جراحی



غذا، مقدار مواد خشک جیره و دسترسی به غذا.
 - بیماریهای متابولیک: این بیماریها باید مورد توجه قرار گیرند
 چراکه بروزیکی می تواند زمینه ساز ابتلا به دیگری باشد
 - مدیریت ضعیف گله
 - استرس در هنگام زایمان
 حال که با عوامل زمینه ساز مهم در ایجاد بیماری آشنا شدیم
 راهکارهایی جهت پیشگیری ارائه می گردد چراکه همیشه «پیشگیری
 بهتر از درمان است». این راهکارها شامل تغییرات کوتاه مدت و بلند
 مدت مدیریتی است:

تغییرات کوتاه مدت مدیریتی:

همانطور که در قبل گفته شد گاوهایی که به تازگی زایمان کرده
 اند به علت ایجاد فضای زیاد در حفره شکم بسیار مستعد ابتلا به
 جابجایی شیردان هستند. بنابراین نظارت مستمر و دقیق این دسته از
 گاوها اهمیت بسیار دارد. در این راستا مشاهده رفتار گاو در هنگام
 غذا خوردن بسیار مهم است. گاو باید بلافاصله بعد از ارائه غذا با
 اشتها شروع به غذا خوردن کند. غذا باید
 حداقل ۲۰ ساعت در روز در اختیار
 گاو قرار بگیرد چرا که شکمبه
 حاوی غذا با پر کردن فضای
 خالی در حفره شکم مقدار
 زیادی خطر ابتلا به جابجایی
 شیردان را کاهش می دهد. باید
 دقت داشت گاوهایی که غذای
 خود را انتخابی می خورند یعنی
 میل بیشتری به کنسانتره نشان



یادستبند فلزی شنیده شود نشان دهنده وجود گاز در ناحیه و بروز
 جابجایی شیردان است. در عین حال لازم است که به مدت ۳۰ ثانیه
 تا یک دقیقه به صدای شکمبه نیز دقت شود که در صورت وجود
 صدایی مانند گردباد، وضعیت مناسب است. لازم به ذکر است که
 فعالیت شکمبه از جمله شاخص های مهم در تخمین سلامت گوارش
 در نشخوارکنندگان است.

اثرات جابجایی شیردان در تولید:

وقوع بلای جابجایی شیردان در یک گله، نشاندهنده ناکامی گله
 در رسیدن به بالاترین پتانسیل تولیدی است چراکه اگر گاو به
 جابجایی شیردان مبتلا شود تولید شیرش در دوره شیرواری به شدت
 دچار محدودیت می شود و استرس ناشی از جابجایی شیردان به جز
 کاهش تولید شیر، اثرات مخربی بر سیستم ایمنی بدن بیمار و سلامت
 کلی آن خواهد گذاشت لذا یک گاو بیمار هیچگاه به پتانسیل اصلی و
 حد بالای تولید خود نخواهد رسید. در شکل بالا، نمودار تولید شیر
 یک گاو قبل و بعد از ابتلا به جابجایی شیردان نشان داده شده است
 که بازه زمانی ۸ روزه را در بر می گیرد. این ضرر اقتصادی
 ناشی از کاهش تولید می تواند ضربات مالی جدی به
 دامدار وارد کند.

پیشگیری:

عوامل مختلفی در ابتلا به جابجایی شیردان در یک گاو
 نقش دارند از جمله:

- عوامل تغذیه ای که مهم ترین عوامل
 زمینه ساز بیماری به شمار می روند شامل: مقدار
 فیبر موجود در جیره و نسبت آن، اندازه ذرات در

می دهند به علت دریافت فیبر کمتر و تخمیر کمتر آن در شکمبه بیشتر در معرض ابتلا هستند پس این نکته را در مشاهدات خود در نظر بگیرید و کنترل کنید.

گاو سالم باید نسبت به محیط خود هوشیار بوده و در صورتی که در بهار بند دراز کشیده است مشغول نشخوار باشد.

به طور کلی چشم های گود افتاده و گوش های آویزان نشان دهنده ناراحتی یا مشکلی در گاو است و مشاهده هر کدام از این حالات یک زنگ خطر به شمار می رود که گاو مورد نظر بلافاصله از نظر بیماری های متابولیک و حرکات شکمبه کنترل شده و احتمال ابتلا به جابجایی شیردان نیز مد نظر قرار گیرد.

تغییرات بلند مدت مدیریتی:

این تغییرات شامل: نظارت مستمر بر امتیاز بدنی (BodyCo - dition SCORING:BCS) و آنالیز جیره غذایی است.

BCS یک سیستم طبقه بندی است که به دامدار توانایی پیش تغییرات وزنی و تشخیص گاوهای چاق را می دهد.

گاو هایی که BCS بالایی دارند (چاق هستند) مصرف مواد خشبی و خشک در آنها قبل از زایمان کاهش می یابد که منجر به خالی ماندن شکمبه و روده ها و در نهایت بروز جابجایی شیردان در دوره پس از زایمان می گردد. توصیه می شود که گاو، هنگام زایمان امتیاز بدنی ۳-۳،۵ در مقیاس ۵ داشته باشد تا خطر ابتلا به بیماری حداقل ممکن برسد.

در رابطه با آنالیز علوفه و جیره غذایی باید گفت که اندازه ذرات غذایی و مقدار فیبر در NDF مورد نظر قرار بگیرد. اندازه نامناسب ذرات غذایی می تواند عامل خوردن انتخابی غذا شود به گونه ای که ذرات کوچک تر (مثل کنسانتره) راحت تر خورده شده و منجر به تخریب "حصیر" فیبری شکمبه می گردد.

فیبر، مهم ترین رکن در غذای خشک دام است بنابراین دامدار باید از مشاوره متخصصین جیره نویسی بهره گرفته تا اندازه مناسب ذرات و فیبر در جیره حاصل گردد.

درمان:

اگرچه غلتاندن ۷۰ درصد ای گاو و تخلیه گاز از طریق تروکای پوستی می تواند به رفع مشکل کمک کرده و یا حتی آن را بر طرف کند ولی دوروش فوق به علت احتمال عود مجدد، روش های مناسبی به شمار نمی روند. مهم ترین و کارآمدترین روش تاکنون جراحی است. بنابراین در صورت تشخیص این بیماری بلافاصله با دامپزشک خود

تماس بگیرید. لازم به ذکر است این جراحی حتما باید توسط جراح مجاز و در شرایط مناسب انجام شود. البته مراقبت های پس از جراحی نقش مهمی در کارآمدی عمل جراحی و در نهایت حل مشکل دارد. در این راستا فراهم کردن بستر مناسب، تمیز و خشک، مراقبت و نظافت منظم زخم جراحی، عدم جابجایی گاو به محیط جدید و ورود هر گونه استرس باید مد نظر قرار گیرد.

اگر بیمار استرس بالایی دارد یا همزمان از بیماری متابولیک دیگری رنج می برد دامدار باید از پروبیوتیک ها، ویتامین ب و دکستروز استفاده کند و در صورتی که آنتی بیوتیکی توسط دامپزشک تجویز شده است در مصرف به موقع و منظم آن نظارت داشته باشد. باید که به مقدار فراوان برای پرنگهداشتن شکمبه در اختیار گاو باشد و در نهایت محدودیت های لازم برای عدم مصرف شیر و گوشت در مورد داروهای مصرف شده باید مد نظر قرار گیرد.

جمع بندی:

کاهش وقوع جابجایی شیردان در یک دامداری به معنی وجود گاو هایی سالم تر و شاداب تر با تولیدی بالاتر و سود بیشتر برای دامدار است. برای نیل به این هدف عوامل مدیریتی از جمله نظارت و مشاهده مستقیم گاو ها بخصوص در دوره پس از زایمان، اندازه گیری منظم BCS و آنالیز جیره بسیار کارآمد خواهد بود.

جراحی بهترین راه درمان برای جابجایی شیردان و جلوگیری از عود مجدد آن است که البته مراقبت های پس از جراحی نیز به همان اندازه مهم است و در نهایت افزایش سطح کیفی در مدیریت و نظارت مدبرانه، کلید موفقیت در پیشگیری از این بیماری است و یادمان باشد که «پیشگیری بهتر از درمان است».



گذر از رخدادهای کشاورزی



تهیه و تنظیم: سیاوش انصاری

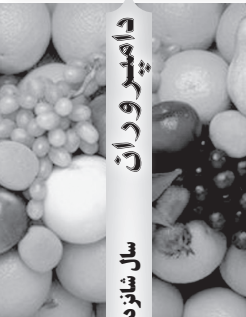
آستارا اضافه کرد: همچنین در این مدت هفت نوع محصول کشاورزی نظیر تخته سوزنی برگ، ذرت، سبوس گندم، تفاله گندم، تفاله چغندر و ریشه شیرین بیان به وزن ۷۸ هزار و ۶۰۷ تن از کشورهای روسیه و گرجستان از طریق گمرک مرزی آستارا وارد کشور شده است. شیار کار افزود: در ۱۱ ماه سال جاری نظارت و اعمال کنترل بر ترانزیت پنج نوع محصول کشاورزی به وزن ۱۱ هزار و ۷۴۸ تن شامل تخته سوزنی برگ، ریشه شیرین بیان، آرد، سیب درختی و گردو با پوست به کشورهای حاشیه خلیج فارس صورت گرفته است.

گمرک آستارا به عنوان یک اداره کل در امور واردات و صادرات قطعی، ورود و خروج موقت، تعاونی مرزنشینان، ترانزیت داخلی و خارجی، کارنه تیر بین المللی، مبدا و مقصد کارنه تیر، کاپوتاژ، امور مسافر، مرجوعی، امانتهای پستی و

۱۹۲ میلیون دلار محصولات کشاورزی از آستارا به خارج از کشور صادر شد

ایرج شیار کار با اعلام این خبر گفت: امسال ۳۹ نوع محصول کشاورزی از جمله کیوی، سیب زمینی، کشمش، کلم، سیر، سیب، سبزی، خربزه، بادمجان، انگور، پسته، پیاز، گیلان، لیموترش، چای و خرما به وزن ۲۰۶ هزار و ۳۱۹ تن از دروازه مرزی آستارا به کشورهای روسیه، گرجستان، آذربایجان و سایر کشورهای آسیای میانه صادر شده است.

وی ارزش اقتصادی این محصولات را ۱۹۲ میلیون دلار با صدور ۱۰ هزار و ۳۲۰ برگ فرم گواهی بهداشت نباتی ذکر کرد و افزود: صادرات این محصولات در مجموع از لحاظ وزنی دو درصد و از لحاظ ارزش اقتصادی هفت درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش یافته است. مدیر جهاد کشاورزی



قضایای فعالیت میکند.

این گمرک رتبه اول تجارت چمدانی در میان مرزهای زمینی و رتبه نخست صادرات در میان مرزهای شمال کشور را دارد.

ابلاغ آیین نامه اجرایی ماده ۸ قانون افزایش بهره‌وری توسط معاون اول رئیس جمهوری

بنابر گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، در ماده ۸ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۸۹ آمده است: "به منظور حفاظت از منابع ملی شده و اراضی دولتی واقع در حریم شهرها، شهرک‌ها و شهرهای جدید (از مبدأ شروع حریم) و جلوگیری از تجاوز به این عرصه‌ها و توسعه فضای سبز اعم از زراعت چوب، جنگل کاری آبخیزداری، پارک‌های جنگلی، درختکاری مثمر و غیر مثمر و همچنین بهره‌برداری‌های همگن دیگر نظیر فعالیت‌های طبیعت گردی، توسعه کشت گیاهان دارویی و صنعتی و پروژه‌های شیلاتی، دولت مکلف است با حفظ مالکیت دولت، حق بهره‌برداری و یا حق انتفاع از عرصه‌های مستعد مذکور را در قالب طرح‌های مصوب در اختیار متقاضیان واجد شرایط قرار دهد"

بر اساس تبصره ۶ ماده مذکور، آیین نامه اجرائی این ماده باید در دولت دهم به پیشنهاد وزارت جهاد کشاورزی به تصویب هیأت وزیران می‌رسید که با ۴ سال تأخیر و در دولت یازدهم به تصویب هیئت وزیران رسید.

اسحاق جهانگیری، معاون اول رییس جمهور، این مصوبه را در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۰ برای اجرا به وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، راه و شهرسازی، امور اقتصادی و دارایی و سازمانهای مدیریت و برنامه ریزی کشور و حفاظت محیط زیست ابلاغ کرد.

پیش‌بینی فائو:

۲۰/۵ میلیون تن تولید گندم ایران در سال ۲۰۱۴ سازمان جهانی خواروبار و کشاورزی در جدیدترین گزارش خود به نام "دورنمای محصولات و وضعیت غذایی" کل تولید غلات ایران در سال ۲۰۱۴ را ۲۰،۵۱۴

میلیون تن اعلام کرد.

تولید غلات ایران در این سال نسبت به سال قبل از آن افت ۴ درصدی داشته است. ایران در سال ۲۰۱۳ بالغ بر ۲۱،۴ میلیون تن غله تولید کرده بود.

بر اساس این گزارش تولید گندم ایران در سال ۲۰۱۴ با کاهش یک میلیون تنی نسبت به سال قبل از آن به ۱۳ میلیون تن و تولید برنج با افزایش ۱۰۰ هزار تنی به ۳ میلیون تن رسیده است. تولید سایر غلات نیز بدون تغییر در سطح ۴،۵ میلیون تن باقی مانده است.

فائو پیش بینی کرده است تولید گندم ایران در سال ۲۰۱۵ نیز بدون تغییر نسبت به سال قبل از آن در سطح ۱۳ میلیون تن باقی بماند.

در گزارش فائو وضعیت بارش‌ها در ایران از ابتدای سال آبی جاری خوب ارزیابی شده و چنانچه وضعیت بارش‌ها در ادامه سال نیز رضایت بخش باشد احتمال افزایش تولید گندم ایران به بالای ۱۳،۵ میلیون تن نیز وجود دارد.

کل تولید گندم جهان در سال ۲۰۱۴ بالغ بر ۷۲۷ میلیون تن اعلام و پیش بینی شده است این رقم با کاهش یک درصدی به ۷۲۰ میلیون تن در سال جاری برسد.

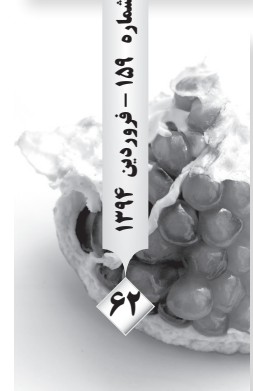
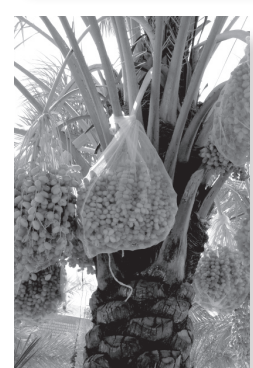
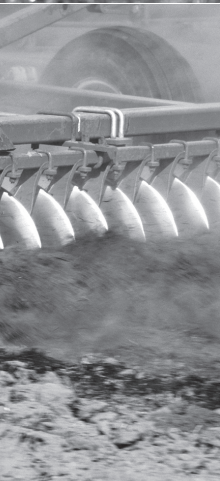
بر اساس این گزارش ذخایر غلات ایران در سال ۲۰۱۴ بالغ بر یک میلیون تن افزایش یافت و به ۷،۶ میلیون تن رسید. پیش بینی شده است در پایان سال ۲۰۱۵ ذخایر غلات ایران به ۸،۶ میلیون تن برسد.

پرداخت ۱۸۰ میلیارد ریال از اعتبارات احیای دریاچه

ارومیه برای ایجاد گلخانه در استان آذربایجان شرقی

به گزارش روابط عمومی جهاد کشاورزی آذربایجان شرقی، کریم مهری در جلسه کارگروه آب و کشاورزی شهرستان بناب با بیان این مطلب افزود: در سال جاری ۱۸۰ میلیارد ریال نیز برای ایجاد فضاهای گلخانه‌ای در استان از محل احیای دریاچه ارومیه به این استان پرداخت شده است.

وی با تأکید بر اینکه مشکلات مربوط به دریاچه ارومیه و ریزگردهای آن یک تهدید جدی است، اضافه



نتایج برگزیدگان کرسی‌های کشاورزی در انتخابات

اتاق تهران

در پی برگزاری انتخابات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، نتایج آراء در بخش کشاورزی به شرح زیر اعلام شد:

- ۱- احمد صادقیان ۹۴۳ رأی ۲- حامد واحدی
- ۳- کاوه زرگران ۸۱۱ رأی ۴- مهدی معصومی
- ۵- حسن فروزان فرد ۷۲۹ رأی
- ۶- علیرضا خائف ۷۰۲ رأی

امضای تفاهم‌نامه و اگذاری زمین به مددجویان روستایی و عشایری

این تفاهم‌نامه (۱۹ اسفندماه) در سازمان امور اراضی کشور و با حضور قباد افشار، رئیس سازمان امور اراضی کشور؛ حسین انواری، نماینده ولی فقیه و سرپرست کمیته امداد امام خمینی (ره)، سیدهادی حسینی، نماینده مجلس شورای اسلامی و جمعی از معاونان و مدیران ارشد این دو دستگاه به امضا رسید.

بر اساس بخش‌هایی از مفاد این تفاهم‌نامه سازمان بر اساس مقررات و بارعایت ضوابط فنی و اجرایی، پس از استعدادسنجی و مکان‌یابی اراضی قابل واگذاری و مشخص کردن موقعیت جغرافیایی، مساحت، قابلیت و وضعیت کشت (آبی و دیم) در مناطق دارای شرایط واگذاری، این اراضی را در قالب طرح‌های توسعه کشاورزی و غیرکشاورزی به مددجویان تحت حمایت با اولویت ویژه عشایر و دامداران روستایی که توسط کمیته امداد معرفی می‌شوند، واگذار خواهد کرد.

مطابق این تفاهم‌نامه، کمیته امداد امام خمینی هم ضمن استعدادسنجی و ارزیابی مشاوره شغلی به متقاضیان مورد حمایت با اولویت مددجویان عشایر و آماده‌سازی زیرساخت طرح‌های مصوب، منابع مالی مورد نیاز طرح‌های مصوب مددجویان را از طریق تسهیلات بانکی یا منابع کمیته امداد تأمین و در بازاریابی و فروش محصولات تولیدی به مجریان این طرح‌ها کمک خواهد کرد.

کرد: افزایش شوری آب چاه‌ها ناشی از عواقب استفاده غیرمجاز از منابع زیرزمینی است، و مردم باید در صورت مشاهده برداشت آب از چاه‌های غیرمجاز مراتب را اطلاع دهند تا این پدیده طبیعی کاهش یابد.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان در ادامه از اختصاص ۴ میلیارد و ۶۰۰ میلیون ریال اعتبار برای اجرای برنامه‌های فرهنگ‌سازی خبر داد. وی بر ضرورت تغییر الگوی کشت نیز تأکید کرد و گفت: باید در خصوص احیای دریاچه ارومیه با همت جدی مسئولان مردم نیز نهایت همکاری را داشته باشند.

سرانه منابع آبی تجدیدپذیر ایران کمتر از ۱۰۸ کشور جهان است

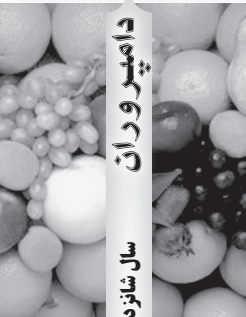
در این گزارش سرانه منابع آبی تجدیدپذیر، شامل آب‌های سطحی و زیرزمینی، برای هر کشور محاسبه شده است و کشورهای جهان از نظر فقر آبی رده بندی شده اند.

سرانه منابع آبی تجدیدپذیر در ایران ۱۶۵۹ مترمکعب اعلام شده است که کمتر از ۱۰۸ کشور جهان است. ایران در رده بندی فقر منابع آبی بین ۱۷۷ کشور جهان در رتبه ۶۹ قرار گرفته است، بدین ترتیب فقط ۶۸ کشور نسبت به ایران فقر آبی بیشتری دارند. فقیرترین کشورها از نظر منابع آبی تجدیدپذیر کشورهای عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس هستند.

کویت از نظر فقر منابع آبی در صدر رده بندی جهانی قرار دارد، به طوری که سرانه منابع آبی تجدیدپذیر در این کشور صفر اعلام شده است. پس از کویت، کشور بحرین با سرانه ۳ مترمکعبی و امارات با سرانه ۱۶ مترمکعبی به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم از این نظر قرار گرفته اند.

سرانه منابع آبی تجدیدپذیر در قطر نیز ۲۶ مترمکعب و در عربستان ۸۳ مترمکعب اعلام شده است.

بر مبنای این گزارش، غنی‌ترین کشور از نظر منابع آبی ایسلند است و سرانه منابع آبی تجدیدپذیر در این کشور ۵۲۵ هزار مترمکعب اعلام شده است.



ابلاغ قانون اصلاح قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی توسط رئیس جمهوری
در این قانون، ضمن برخی اصلاحات و حذف و جایگزینی در مواد هفت گانه آن ماده ذیل به عنوان ماده (۸) به این قانون الحاق شد:

ماده ۸- کمیته امداد حضور امام (ره) طرح شهید رجایی و سازمان بهزیستی مکلفند سهم هزینه های یکپارچه سازی اراضی کشاورزی تحت پوشش خود را پس از تعیین توسط سازمان جهاد کشاورزی استان در بودجه سالانه خود منظور و پرداخت نمایند.

قانون فوق مشتمل بر هشت ماده در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۳ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۹ بهمن ماه ۱۳۹۳ به تأیید شورای نگهبان رسید.

ابلاغ قانون جامع حدنگار (کاداستر) کشور از سوی رئیس جمهوری

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، قانون جامع حدنگار (کاداستر) کشور در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۲ بهمن ماه ۱۳۹۳ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۹ بهمن ماه ۱۳۹۳ به تأیید شورای نگهبان رسید.

در شرح کلمه کاداستر و بعضی از اصطلاحات به کار رفته در این قانون، در ماده یک، معنی و مفهوم آن کلمات آورده شده که تعدادی از آنها به شرح زیر است:

۱- حدنگار (کاداستر): فهرست مرتب شده اطلاعات مربوط به قطعات زمین است که مشخصه های زمین مانند اندازه، کاربری، مشخصات رقوم، ثبتي و یا حقوقی به نقشه بزرگ مقیاس اضافه شده است.

۲- حدنگاری (عملیات کاداستر): مجموعه فعالیت های مرتبط با حدنگار (کاداستر) است که شامل تهیه نقشه با استفاده از عکسها و تصاویر زمینی، دریایی، هوایی، ماهواره ای، تبدیل رقوم عکسها و تصاویر، عملیات زمینی نقشه برداری، ویرایش و تکمیل نقشه های زمینی و تطبیق نقشه با وضعیت واقعی و موجودات املاک و اضافه کردن کلیه اطلاعات ثبتي، حقوقی و توصیفی و

مددجویان باید با همکاری کمیته امداد برای استفاده از موضوع این تفاهم اقدام به تأسیس تعاونی ها و تشکل های تولیدی کشاورزی کنند.

عظیم حجت، جانشین همایون دارابی شد

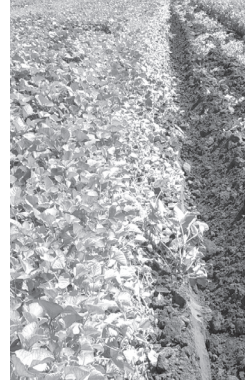


اتحادیه سراسری مرغداران گوشتی در روزهای پایانی سال ۹۳ شاهد تغییر و تحولات شد، در حالی که از انتصاب مدیرعاملی همایون دارابی مدت زیادی نمی گذرد.

عظیم حجت که پیش از این عضو هیئت مدیره اتحادیه سراسری مرغداران گوشتی و مدیر عامل اتحادیه استان قزوین بود، این بار به عنوان مدیر عامل این اتحادیه انجام وظیفه می کند.

عظیم حجت مدیری توانمند و کارآشناست و از تمامی مراحل فرایند تولید، مشکلات مرغداران و بازرگانی پرنوسان این فعالیت تولیدی ارزشمند اطلاعات تخصصی و تجربه عملی دارد.

تفکرات وی در ادامه امور اتحادیه سراسری طی مدتی که در هیات مدیره این تشکل در کنار سایر اعضا از جمله عطاالله حسن زاده رئیس هیات مدیره کارآمد و کارساز بوده است. انتخاب عظیم حجت در میان خود مرغداران می تواند منشأ تحول در عرصه تصمیم گیری های سرنواشت ساز برای مرغداران باشد. پیش از ایشان همایون دارابی با پیشینه فعالیت مدیریتی در بخش های مختلف دولتی عهده دار این سمت بود.





خریداری شده است.

نرخ خرید تضمینی چای و پیله ابریشم تصویب شد

براین اساس قیمت خرید تضمینی هر کیلوگرم برگ سبز چای درجه یک معادل ۲۱۸۰ تومان و برگ سبز چای درجه دو معادل ۱۲۱۰ تومان تعیین شد.

براساس جلسه اخیر هیات دولت قیمت خرید تضمینی هر کیلوگرم پیله تر ابریشم نیز معادل ۱۵۱۰ تومان تعیین شده است. این قیمت ها به عنوان نرخ پایه خرید دولت از کشاورزان برای محصولات تولید شده در سال ۹۴ اجرا خواهد شد.

برنامه اولویت صندوق توسعه ملی:

تصویب پنج میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار در زمینه آب برای سال ۱۳۹۴

بنابر گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، حسن روحانی رئیس جمهوری در جلسه ای مشترک با رئیس هیات امنای صندوق توسعه ملی بر رعایت توازن منطقه ای در توزیع اعتبارات صندوق در جهت کمک به رونق هر چه بیشتر تولید ملی، اصلاح نرخ سود تسهیلات در بخش صنعت و کشاورزی و نیز تعدیل آن در طرح های مربوط به مناطق محروم و شرکت های دانش بنیان تأکید کرد.

در این جلسه، صفدر حسینی رئیس هیات عامل صندوق توسعه ملی گزارشی از وضعیت صندوق توسعه ملی و پیش بینی منابع و مصارف آن در سال ۹۴ ارائه کرد.

بر این اساس برنامه و اولویت صندوق برای سرمایه گذاری در بخش های زیر بنایی طی سال ۹۴ در زمینه آب، پنج میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار، نفت و گاز حدود ۱۰ میلیارد دلار، پتروشیمی و پالایشگاه شش میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار، کشاورزی و تصفیه و انتقال آب یک میلیارد دلار، طرح های ریلی ۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار، نیروگاه ها سه میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار و برای چرخه فولاد نیز سه میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار به تصویب

کنترل نهائی و به روزرسانی آن می باشد.

۳- نظام جامع: نظام جامع اطلاعات املاک و حدنگار (کاداستر) کشور و سامانه اطلاعات رایانه ای مکان محوری است که کلیه اطلاعات حدنگاری از جمله اطلاعات نقشه ها و اسناد مالکیت حدنگار و سایر اطلاعات ثبتی، حقوقی و توصیفی کلیه املاک و عارضه های طبیعی کشور در آن ثبت می شود.

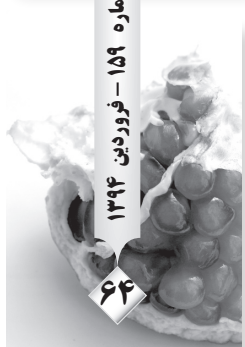
۴- نقشه حدنگار: نقشه ای است که براساس حدنگاری تهیه می شود.

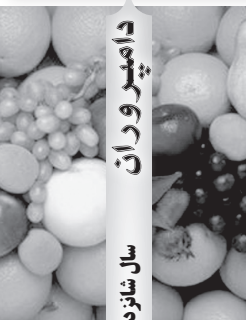
۵- سند مالکیت حدنگار: سند مالکیتی است که براساس حدنگاری و تحت نظام جامع تهیه می شود.

شگفت آفرینی گروه صنعتی تراکتورسازی تبریز



محمود حجتی وزیر جهاد کشاورزی در آیین آغاز به کار خط تولید تراکتور سنگین در گروه صنعتی تراکتورسازی تبریز با ابراز شگفتی از ابتکار متخصصان ایرانی در ساخت تراکتور سنگین آی تی ام ۱۵۰۰ توسط تراکتورسازی تبریز و تعبیر آن به شگفت آفرینی افزود: این اقدام کشور را از واردات این نوع تراکتور سنگین بی نیاز کرد. وی گفت: خاک کشاورزی کشور روز به روز سفت تر می شود، اما تراکتور سنگین آی تی ام ۱۵۰۰ توانایی شخم عمیق را دارد و این ظرفیت به کشاورزان برای افزایش تولید کمک قابل توجهی می کند. حجتی اظهار کرد: این محصول جدید در مقایسه با مشابه خارجی آن به مراتب بهتر و دارای مزیت بیشتری است و هزینه های تولید را کاهش می دهد. وی همچنین افزود: در سال جاری ۱۴ هزار دنباله بند توسط کشاورزان





رییس جمهوری گفت: امسال سالی نیست که ذخیره آبی بالایی داشته باشیم و سدهای اطراف تهران در مجموع ۴۰ درصد ظرفیت خود آب دارند، لذا ضرورت دارد مردم در زمینه مصرف آب صرفه جویی کنند.

افزایش ۲۸،۲ درصدی شاخص های کل گاوداری های صنعتی

بنابر گزارش مرکز آمار ایران، شاخص کل قیمت تولیدکننده محصولات گاوداری های صنعتی در فصل تابستان ۹۳ به ۲۱۳،۹۰ رسید که ۲،۳۵ درصد افزایش را نسبت به فصل قبل و ۷،۳۸ درصد افزایش را نسبت به فصل مشابه سال قبل نشان می دهد.

در این گزارش آمده است: در فصل مورد بررسی شاخص کل تمامی اقسام گاوداری های صنعتی به غیر از گاو تلیسه و کود با افزایش روبه رو بوده است. در این میان گاو حذفی با ۳،۲۱ درصد افزایش نسبت به فصل قبل با بیشترین افزایش روبه رو بوده است.

همچنین در فصل مورد بررسی شاخص قیمت کل در بیشتر استان ها، با افزایش روبه رو بوده است که در این میان استان چهارمحال و بختیاری با ۱۶،۱۲ درصد افزایش در شاخص کل نسبت به فصل قبل بیشترین افزایش و استان اردبیل با ۲،۹۷ درصد کاهش نسبت به فصل قبل بیشترین کاهش در شاخص کل را نسبت به فصل قبل داشته اند.

۲۵ هزار تن روغن و شکر به عراق صادر می شود

بنابر گزارش روابط عمومی شرکت بازرگانی دولتی ایران، علی قنبری مدیرعامل شرکت بازرگانی دولتی ایران تشریح کرد: کالاهای صادراتی شامل ۸۰۰۰ تن روغن تصفیه شده ی آفتابگردان و ۱۷ هزار و ۵۰۰ تن شکر سفید تصفیه شده است که مقرر شد تا روغن صادراتی در مرز مهران و شکر سفید در مرز شلمچه به این کشور تحویل شود. وی دیگر کالاهای اساسی مورد درخواست هیات عراقی در جریان مذاکرات اخیر را علاوه بر شکر و روغن، گندم، آرد و برنج اعلام و عنوان کرد: توافق اولیه برای

رسید.

همچنین یک میلیارد دلار نیز به صورت ریالی در بخش صنعت و معدن، گردشگری، کشاورزی و بهره وری آب اختصاص یافت.

بر مبنای گزارش رییس هیات عامل صندوق توسعه ملی، این صندوق در سال ۹۳ جمعاً ۳۱۲۰ طرح ریالی را تأمین مالی نموده که ۳۱۰۰ میلیارد تومان آن پرداخت و مابقی نیز در حال انجام است. مجموع گشایش های اعتباری صندوق از ابتدا تا پایان سال ۹۳ نیز ۱۰ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار بوده است که ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار آن مربوط به سال ۹۳ می باشد.

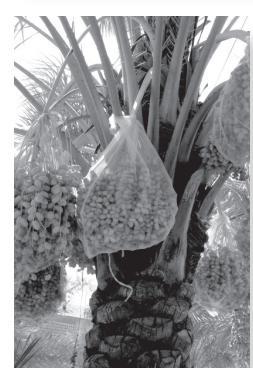
یک خبر خوشحال کننده برای کشاورزان استان تهران



بنابر گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، رییس جمهوری با اشاره به ضرورت احداث و افتتاح تصفیه خانه های فاضلاب گفت: افتتاح این تصفیه خانه در جنوب تهران هم از لحاظ محیط زیستی و هم تأمین آب کشاورزی دارای اهمیت فراوانی است و خبر خوشی برای مردم تهران از لحاظ زیست محیطی و خوشحال کننده برای کشاورزان جنوب تهران و منطقه ورامین و شهری محسوب می شود زیرا در این تصفیه خانه روزانه صد تن لجن تولید می شود که برای کشاورزی مفید است.

رییس جمهوری اضافه کرد: دو فاز دیگر این تصفیه خانه باقی مانده که دولت به دنبال تأمین اعتبار و به بهره برداری رساندن آن است و همه تلاش خود را در این زمینه انجام خواهد داد.





امور اقتصادی و دارایی، وزارت جهاد کشاورزی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ابلاغ کرد.

آمار غیر واقعی در جداول وزارت جهاد کشاورزی

بررسی های مرکز مطالعات وزارت جهاد کشاورزی و مرکز پژوهش های مجلس نشان می دهد از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۱ آمار خریدهای تضمینی که از سوی وزارت جهاد کشاورزی اعلام شده بود، غیر واقعی بوده اند. بررسی آمارهای تولید و خرید تضمینی گندم از سوی این دو مرکز که نسخه ای از آن برای خبرنگار تابناک ارسال شده، بیانگر آن است که تا سال ۱۳۸۴ خورشیدی مقدار خود مصرفی و مصارف غیر انسانی گندم حدود ۳ میلیون تن بوده است، اما از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ این مقدار به حدود ۴ میلیون تن افزایش یافته است که پس از سال ۱۳۸۹ با شیب تندی به حدود ۹ میلیون تن رسید.

این مقدار مصارف غیر انسانی، یا باید از کشور خارج شده و یا به مصرف دام رسیده و جایگزین جو شده باشد که با توجه به آمار تولید و واردات جو این امکان وجود ندارد. خروج این حجم گندم نیز به صورت قاچاق غیر ممکن است، پس می توان با قاطعیت گفت آمار تولید اعلام شده غیر واقعی است. تعیین قیمت تضمینی با استفاده از چهار معیار اقتصادی هزینه تولید، قیمت سر مرز، معیار رابطه مبادله و معیار چند گانه صورت می گیرد. کشورهای مختلف جهان از یک یا چند معیار از معیارهای فوق در تعیین قیمت های کف برای محصولات مورد نظر استفاده می کنند.

روند تعیین قیمت تضمینی محصولات کشاورزی در چند سال اخیر عملاً سودی برای تولید کننده در نظر نگرفته است و اغلب در آمد کشاورزان به ارزش اجاره بهای زمین، سود سرمایه در گردش و ارزش کار آنان به عنوان نیروی انسانی محدود بوده است.

در نظر نگرفتن هزینه های واقعی تولید و فاصله قیمت تضمینی اعلامی با قیمت تضمینی کارشناسی از مهم ترین مشکلات تولید کنندگان محصولات کشاورزی به شمار می آید و قیمت تضمینی اعلامی در سال های اخیر

صادرات مجدد ۶۰ هزار تن از هر یک از اقلام ۵ گانه (روغن، شکر، گندم، آرد، برنج) صورت گرفته که صدور این کالاها در سال آتی (۹۴) نهایی می شود.

مدیر عامل شرکت بازرگانی دولتی ایران با اشاره به ابراز تمایل مقامات عراقی برای خرید و واردات کالاهای اساسی از ایران تصریح کرد: صادرات مجدد انواع کالاهای اساسی به کشورهای همسایه از جمله ترکیه و عراق با هدف ایجاد ارزش افزوده (سوددهی) ناشی از فرآوری کالا، ایجاد اشتغال در کشور با بهره گیری از ظرفیت های خالی کارخانجات تولیدی و حضور در بازارهای جهانی انجام می شود.

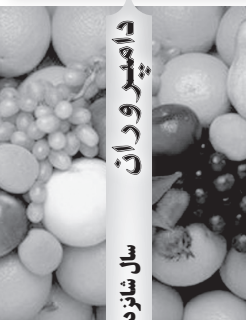
اختصاص ۱۲۵۰ میلیارد ریال برای پرداخت دیون صندوق بیمه محصولات کشاورزی

بنابر گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، بر اساس مصوبه هیئت وزیران، مبلغ یک هزار و دو بیست و پنج میلیارد ریال بابت پرداخت دیون صندوق بیمه محصولات کشاورزی در اختیار وزارت جهاد کشاورزی قرار می گیرد.

متن مصوبه هیئت وزیران بدین شرح است:

مبلغ یک هزار و دو بیست و پنج میلیارد (۱۲۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال) به صورت هزینه ای از محل اعتبارات جزء (۹) ردیف (۱۰۱۰۰۰) جدول شماره (۸) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور با عنوان "اعتبارات موضوع فروش سهام، سهم الشرکه، اموال، دارایی ها و حقوق مالی و نیروگاه های متعلق دولت و مؤسسات و شرکت های دولتی وابسته و تابعه" بابت پرداخت دیون صندوق بیمه محصولات کشاورزی موضوع ردیف (۲۱) جدول شماره (۱۸) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور در اختیار وزارت جهاد کشاورزی (صندوق بیمه محصولات کشاورزی) قرار می گیرد تا برابر احکام مقرر در بند (ج) تبصره (۳) ماده واحده قانون یاد شده و سایر قوانین و مقررات مربوط هزینه شود.

اسحاق جهانگیری معاون اول رییس جمهور این مصوبه را در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۴ برای اجرا به وزارت



لبنیات باید با چالش‌های جدیدی روبرو شوند، گفت علیرغم همه اینها، این فرصتی خواهد بود برای رشد اقتصادی و ایجاد کار.

هیچ یک از استان‌های کشور از نظر شاخص پایش منابع آب در دسته نرمال قرار ندارد!

بنا بر گزارش پایگاه اطلاع رسانی وزارت نیرو، در طبقه بندی استان‌های کشور بر اساس شاخص پایش منابع آب از مهر ماه تا اسفندماه سال ۹۳، استان‌های کشور در شش دسته مرطوب، نرمال، قابل تحمل، دارای تنش آبی، دارای تنش آبی شدید و کمبود آب طبقه بندی شده اند که استان‌های بوشهر، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، فارس، کرمان، هرمزگان و یزد در رده مناطق مواجه با کمبود آب قرار گرفته اند.

بر اساس این گزارش، ۱۳ استان کشور در دسته مناطق دارای "تنش آبی شدید" قرار دارند که این استان‌ها شامل اصفهان، ایلام، تهران، البرز، خوزستان، زنجان، قزوین، قم، کرمانشاه، گلستان، لرستان، مرکزی و همدان هستند.

بر این اساس، ۱۱ استان کشور نیز شامل آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، چهارمحال و بختیاری، خراسان شمالی و رضوی، سمنان، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان و مازندران در دسته مناطق درگیر با "تنش آبی" گزارش شده اند. بر طبق این گزارش، هیچ استانی از نظر شاخص پایش منابع آب در سال آبی ۹۴-۹۳ در دسته‌های مرطوب، نرمال و یا حتی قابل تحمل قرار ندارند.

بانگاهی به نقشه طبقه بندی استان‌های کشور بر اساس شاخص پایش منابع آب، نیمه جنوبی و جنوب شرقی کشور در دسته مناطق درگیر با کمبود آب قرار دارند.

نمایندگان وزارت جهاد کشاورزی به اتاق تهران معرفی شدند

در نامه‌ی وزیر جهاد کشاورزی خطاب به یحیی آل اسحاق رئیس اتاق تهران، محمدحسین شریعتمدار، محمدعلی طهماسبی، حسن یونس سینکی، لطف‌الله سعیدی و عبدالمهدی بخشنده به عنوان پنج عضو بخش

صرفاً معادل هزینه تولید این محصول بوده است. میزان افزایش قیمت خرید تضمینی گندم پس از اصلاح قانون در سال ۱۳۸۴ کمتر از میزان تورم سالانه بوده است. در حالی که از نظر کارشناسی باید افزایش سالانه قیمت خرید تضمینی محصولات با لحاظ نرخ مبادله، هزینه تولید و سود عادلانه باشد. بنابراین اعلام قیمت‌های تضمینی نه تنها کارشناسی، بلکه بر پایه حداقل تعیین شده قانون نیز نیست. در گذشته بالا بودن میزان سهم خودمصرفی در کشور و همچنین خروج غیرقانونی گندم از مرزها مشاهده می شد که در سال‌های دهه ۱۳۸۰ با افزایش قیمت تضمینی تقریباً متناسب با نرخ تورم و بالا رفتن نرخ مبادله محصول گندم از قاچاق به شدت کاسته شد، ولی با کاهش قیمت گندم در داخل کشور، افزایش قاچاق و همچنین کاهش تولید و افزایش مصرف غیر انسانی برای گندم متصور است. اما با توجه به اینکه خروج گندم باید از مبادی غیرقانونی انجام شود مقدار قاچاق آن نمی تواند قابل توجه باشد.

تا سال ۱۳۸۹ حدود ۷۰ تا ۷۵ درصد از گندم تولیدی توسط دولت و با قیمت‌های تضمینی اعلام شده خریداری می شد، اما بعد از سال ۱۳۸۹ این عدد به تدریج کاهش یافت تا در سال ۱۳۹۱ به کمتر از ۳۵ درصد رسید.

لغو یارانه اتحادیه اروپا به تولیدکنندگان لبنیات

بنا بر گزارش یورو نیوز، از پایان ماه مارس، کمک‌های اتحادیه اروپا به تولیدکنندگان شیر پس از سی سال به پایان می رسد. ختم یارانه شیر، بسیاری از تولیدکنندگان کوچکتر را در تنگنا خواهد گذاشت.

فیل هوگان، کمیسر اتحادیه اروپا در امور کشاورزی گفت: "لغو یارانه، همواره مسئله نوسان قیمت‌ها را مطرح می کند، اما مادر صورت بروز بحران همچنان ابزار لازم را در بازار در دست داریم.

بانک سرمایه گذاری اروپا همراه با صندوق ویژه‌ای در تمام کشورهای اتحادیه، صنعت تولید لبنیات را بازسازی خواهند کرد". آقای هوگان ضمن هشدار در مورد اینکه در فقدان کمک‌های اتحادیه اروپا، نسل جدید تولیدکنندگان





خشک قابلیت پرورش و نگهداری در دامداری های صنعتی را نیز دارد.

وی گفت: این گونه جدید گوسفند چندقلوزاست و میزان تولید شیر و گوشت مناسبی دارد، بنابراین پرورش و نگهداری آن برای دامداران مقرون به صرفه است.

رئیس مرکز اصلاح نژاد و بهبود تولیدات دامی گفت: براساس برنامه ریزی های انجام شده تا دو سال آینده چهار نژاد جدید گوسفند به دامداران برای پرورش در واحدهای پرواربندی معرفی می شود.

ملاصالحی افزود: دانش علمی و تکنیک های اصلاح نژاد و ژنتیک در کشور بومی سازی شده است و هم اکنون مواد ژنی مورد نیاز برای تولید و تکثیر دام در کشور تولید می شود.

رئیس مرکز اصلاح نژاد و بهبود تولیدات دامی افزود: میزان تولید شیر و گوشت در نژادهای جدید در مقایسه با نژادهای بومی فعلی دو برابر است.

ملاصالحی همچنین از اجرای طرح ها تحقیقاتی تولید و تکثیر نژاد جدید بز در مرکز اصلاح نژاد و بهبود تولیدات دامی خبر داد و گفت: هم اکنون میزان تولید شیر از دام سبک گوسفند بز ۵۰۰ هزار تن است و براساس برنامه ریزی های انجام شده با تولید و پرورش نژاد جدید بز میزان تولید شیر فقط از محل پرورش بز شیری تا ۱۰ سال آینده به ۷۰۰ هزار تن در سال می رسد.

وی افزود: نژاد جدید بز ویژه واحدهای پرواربندی است و می توان آن را در دامداری های صنعتی بدون نیاز به چرا در مراتع پرورش داد که این اقدام به اجرای طرح تعادل دام و مرتع برای حفظ منابع طبیعی این عرصه های ارزشمند منجر خواهد شد.

آمار واردات و صادرات محصولات کشاورزی طی ۱۱

ماهه سال ۹۳

بنا بر گزارش گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۲۰ میلیون و ۴۰۷ هزار تن و ۵۱ کیلوگرم به ارزش حدود ۱۰ میلیارد و ۷۱۲ میلیون دلار و ۶۳ سنت معادل ۵۶،۸۱

کشاورزی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران انتخاب شدند.

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران ۶۰ عضو دارد که ۴۰ عضو آن از جانب دارندگان کارت بازرگانی انتخاب و ۲۰ عضو دیگر، ۱۵ نفر از سوی وزیر صنعت، معدن و تجارت و ۵ نفر دیگر از طرف جهاد کشاورزی معرفی می شوند.



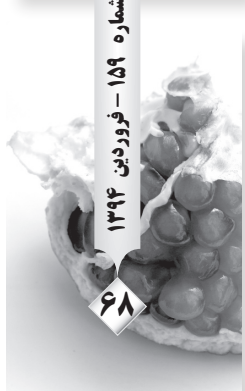
برای افزایش گوشت قرمز

یک نژاد کم مصرف پر تولید گوشت در اختیار دامداران قرار می گیرد

رئیس مرکز اصلاح نژاد و بهبود تولیدات دامی وزارت جهاد کشاورزی گفت: امسال با اجرای طرح های اصلاح نژاد دام میزان تولید گوشت قرمز به ۷۸۵ هزار تن و میزان تولید شیر خام نیز به ۹ میلیون و ۱۴۰ هزار لیتر می رسد.

محمدرضا ملاصالحی گفت: به زودی نژاد جدید گوسفند که نسبت به شرایط آب و هوایی کشور و گرما و خشکی مقاوم است به دامداران معرفی می شود.

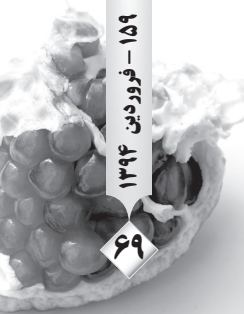
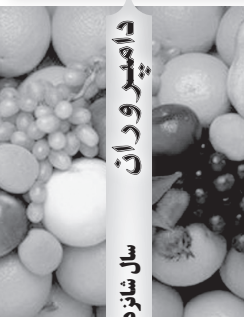
وی افزود: دام سبک موجود در کشور مناسب با چرای مرتعی است و نمی توان این نژاد را با روش پرواربندی و دامداری صنعتی نگهداری کرد و مقرون به صرفه نیست، بنابراین مرکز اصلاح نژاد و بهبود تولیدات دامی از چند سال پیش از ترکیب ژنتیکی ۵ نژاد بومی و یک نژاد خارجی به گونه جدیدی رسیده است که علاوه بر کم خوراک بودن و مقاومت به آب و هوای گرم و



دامپروران

سال شانزدهم - شماره ۱۵۹ - فروردین ۱۳۹۴

۶۸



جدول ۱- میزان واردات بخش کشاورزی تا بهمن ماه سال ۱۳۹۳				
عنوان	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	سهم از کل واردات غیر نفتی	
			وزن	ارزش
کل واردات بخش کشاورزی	۲۰۴۰۷,۵۱	۱۰۷۱۲,۶۳	۵۶,۸۱	۲۵,۴۴
جمع کل واردات کالاهای غیر نفتی	۳۵۹۱۹,۸۱	۴۲۱۱۰,۵۱		

جدول ۲- مقایسه واردات بخش کشاورزی بهمن ماه سال ۱۳۹۳ و مدت مشابه سال قبل					
واردات تا بهمن سال ۱۳۹۳		واردات تا بهمن سال ۱۳۹۲		درصد تغییرات	
وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن	ارزش
۲۰۴۰۷,۵۱	۱۰۷۱۲,۶۳	۱۶۳۴۳,۲۵	۱۱۹۵۲,۳۸	۲۴,۸۷	-۱۰,۳۷

روغن دانه آفتابگردان و گلرنگ، شکر تصفیه نشده، روغن خام سویا، موز سبز تازه یا خشک و سایر قطعات گوشت بی استخوان یخ زده از نوع گاو است.

میزان صادرات محصولات کشاورزی

این گزارش درباره میزان صادرات محصولات کشاورزی در ۱۱ ماه نخست سال ۱۳۹۳ می افزاید: وزن کل صادرات بخش کشاورزی چهار میلیون و ۹۴۶ هزار تن و ۴۵ کیلوگرم به ارزش حدود شش میلیون و ۱۵۶ هزار دلار و ۷۳ سنت است که دارای سهمی معادل ۶,۸۶ درصد از کل وزن صادرات کالاهای غیر نفتی و سهم ۱۸,۸۹ درصدی از ارزش کل صادرات کالاهای غیر نفتی است.

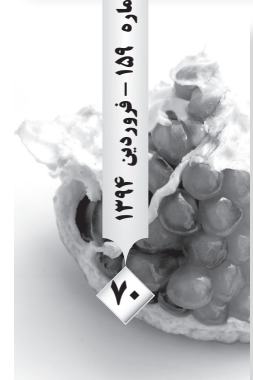
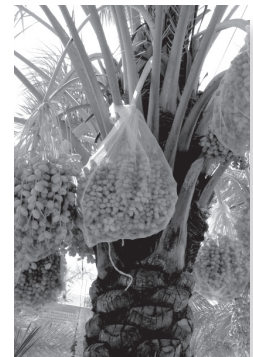
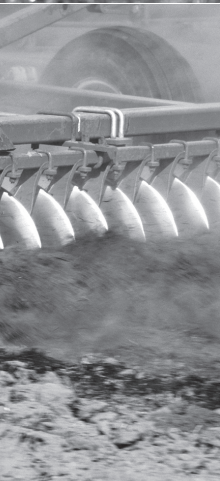
در این مدت بیشترین اقلام صادراتی از لحاظ وزنی مربوط به زیربخش زراعی با سهم ۵۳,۴۵ درصد، باغی با سهم ۱۹,۶۶ درصد، صنایع تبدیلی و تکمیلی و مواد غذایی با سهم ۱۸,۷۴ درصد و از کل وزن صادرات بخش کشاورزی است. همچنین از لحاظ ارزشی بیشترین اقلام صادراتی کشور مربوط به زیربخش باغی با سهم ۴۲ درصد، صنایع تبدیلی و تکمیلی و مواد غذایی با سهم ۲۴,۰۳ درصد و اقلام زراعی با سهم ۱۹,۵ درصد از کل ارزش صادراتی بخش کشاورزی است. همچنین ۱۰ قلم عمده صادراتی از لحاظ وزنی در ۱۱ ماه نخست امسال در

درصد از کل وزن واردات کالاهای غیر نفتی و ۲۵,۴۴ درصد از ارزش کل واردات کالاهای غیر نفتی سهم بخش کشاورزی در ۱۱ ماهه نخست سال ۱۳۹۳ است.

همچنین، در این مدت بیشترین اقلام وارداتی از لحاظ وزنی مربوط به زیربخش زراعی با سهم ۷۵,۶۹ درصد، صنایع تبدیلی و تکمیلی و مواد غذایی با سهم ۱۹,۵ درصد و باغی با سهم ۲,۵ درصد از کل وزن واردات بخش کشاورزی است. از لحاظ ارزشی نیز بیشترین اقلام وارداتی کشور مربوط به زیربخش زراعی با سهم حدود ۵۷,۲۵ درصد، صنایع تبدیلی و تکمیلی و مواد غذایی با سهم ۲۸,۳۵ درصد و اقلام باغی با سهم ۶,۲۵ درصد از کل ارزش وارداتی بخش کشاورزی است.

این گزارش می افزاید: ۱۰ قلم عمده وارداتی از لحاظ وزنی تا پایان بهمن ماه امسال در بخش کشاورزی عبارتند از: سایر دانه ها به جز گندم دامی، ذرت دامی، دانه گندم سخت، کنجاله و سایر آخال های جامد، جو به استثنای دانه جو، برنج نیمه سفید شده یا کامل سفید شده، شکر تصفیه نشده، موز سبز تازه یا خشک کرده، روغن دانه آفتابگردان و گلرنگ، روغن خام سویا و ۱۰ قلم عمده وارداتی از لحاظ ارزشی سایر به صورت دانه به جز گندم دامی، ذرت دامی، دانه گندم سخت، برنج نیمه سفید شده یا کامل سفید شده، کنجاله و سایر آخال های جامد، جو به استثنای دانه جو،





جدول ۱- میزان صادرات بخش کشاورزی تا بهمن ماه سال ۱۳۹۳				
عنوان	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	سهم از کل صادرات غیر نفتی	
			وزن	ارزش
کل صادرات بخش کشاورزی	۴۹۴۶,۴۵	۶۱۵۶,۷۳	۶,۸۶	۱۸,۸۹
جمع کل صادرات کالاهای غیر نفتی	۷۲۰۶۶,۸۲	۳۲۵۹۷,۴۴		

جدول ۲- مقایسه صادرات بخش کشاورزی بهمن ماه سال ۱۳۹۳ و مدت مشابه سال قبل					
صادرات تا بهمن سال ۱۳۹۳		صادرات تا بهمن سال ۱۳۹۲		درصد تغییرات	
وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن	ارزش
۴۹۴۶,۴۵	۶۱۵۶,۷۳	۳۷۴۵,۲۸	۴۸۰۳,۱۷	۳۲,۰۷	۲۸,۱۸

بخش کشاورزی عبارتند از هندوانه، گوجه فرنگی تازه یا سرد کرده، سیب زمینی تازه یا سرد کرده، پیاز و موسیر، خیار و خیار ترشی، ماست به جز فرآورده های تغذیه کودکان شیر خوار، رب گوجه فرنگی، انواع کلم قرمز و سفید و قمری، دوغ و شیر و خامه بسته بندی شده و ۱۱ قلم عمده صادراتی از لحاظ ارزشی عبارتند از پسته

با پوست تازه یا خشک کرده، انواع پسته خندان داخل پوسته تازه یا خشک، مغز پسته تازه یا خشک کرده، رب گوجه فرنگی، هندوانه، ماست، سیب تازه، گوجه فرنگی تازه یا سرد کرده، سیب زمینی تازه یا سرد کرده، شیرینی، سایر پنیرها، بیسکویت و انواع زعفران است.

فرم اشتراک مجله دامپرووران

دامپرووران

مجله تخصصی مرغداران و دامپرووران ایران

نام : نام خانوادگی : تاریخ تولد :

شغل :

نشانی : کد پستی ۱۰ رقمی :

تلفن : کد شهرستان : اشتراک از شماره : تا شماره :

پست الکترونیکی :



هزینه اشتراک یک ساله مجله دامپرووران به انضمام بسته بندی و پست : ۱/۳۰۰/۰۰۰ ریال (صد و ۳۰ هزار تومان)

نحوه اشتراک :

۱- فرم فوق را به طور خوانا و کامل پر نمایید.

۲- مبلغ اشتراک را (۱/۳۰۰/۰۰۰ ریال) به حساب شماره ۰۱۰۰۷۹۸۳۷۲۰۰۶ سپهر بانک صادرات

به نام آقای منصور انصاری واریز نمایید.

۳- فیش بانکی واریزی را همراه با فرم پر شده به شماره فاکس : ۶۶۹۱۳۱۶۳ (۰۲۱) و یا به نشانی :

تهران - میدان توحید، خیابان توحید، خیابان نادر، پلاک ۳۷ (ساختمان مجله دامپرووران) ارسال نمایید.

(لطفا در صورت ارسال فاکس، نام و شماره تلفن مستقیم خود را به صورت خوانا بر روی فیش واریزی درج نمایید)

« برای کسب اطلاعات بیشتر با تلفن های : ۴-۶۶۹۴۶۲۵۰ (۰۲۱) تماس بگیرید »

دامپرووران
سال شانزدهم - شماره ۱۵۹ - فروردین ۱۳۹۴



Separation law quarrel

According to "Separation law" the preparation and arrangements of agricultural corps were separated from Industry, mine and trade Ministry and transferred to Agriculture Ministry.

Because of this transition some individuals protested and accused Agriculture Ministry to inefficiency about fruits and broiler markets. Studies have showed, in spite of without any fruit import, the problems were less than expectation. About the fluctuations in broiler cost, it is not a new problem and has along duration from many years ago. The experiences in the last year showed that the government was successful to control the inflation, regulation of supply and demand and related subjects, so, it seems that these doubtful actions are greedily.

Why specialists say Unspecialized words

It seems that it is not supposed to unspecialized ideological observations in agriculture and animal husbandry change to real prospects. And some of authorities in current government, aggravate the matter mistakenly or deliberately.

In a visit to Babol – kenar line poultry that organized by public relation office of Jihad-e-Keshacarzy ministry, some specialists hinted to unreal objects. For example one of them said "just now 3% of chickens are produced by this farm and it is predicted to share about 15% of global market in this way.

He added: "according to currencies instability, we forecast to provide 100% of domestic needs". This resource had told: "Iran is the 8th country in producing line poultry in the world". Another person who is in an upper grade has said: "Till 1380, (2001) this complex has supplied a bout 85% of domestic needs, but now it is decreased to less than 5%." We think these subjects are not true and the responsible must reobserve their opinions.

Oil cost reduce and it's affect on Iran agriculture

Reducing oil cost, from more than 100\$ to about 75\$ per barrel is fixed nearly. Many of important centers in global oil markets believe that this shock is not transient because of the stormy situation in Middle-East. They forecast that any increase in oil cost to 100\$ in short term is improbable.

Because of above subjects, Iranian goveneres decided to regulate the next year budget on 75\$ per barrel. On the other hand, increasing of the currencies rates have some affects on Iran economy and reduces Iranian purchasing ability. From 25 to 30 %.

In agriculture, we are facing to two economical phenomenons: first, to buy the inputs more expensive and the second is to change the currencies in Rials to improve the agriculture sector.

Thus, oil cost reduce will affects the agriculture sector more than economy sections and will stop the evolution in agriculture sector.

In the name of GOD

Damparvaran

The Iranian Economic Agricultural
Animal Husbandry & Poultry Magazine

Vol. 15 No.159 84 pp.
Apr 2015

ISSN 1680-1350

Founder and responsible executive:
M. Bijanpour - mnbijanpour@yahoo.com

Under the auspices of:
Editorial council

Manager and Editor in chief:
M. Ansari
ansari@damparvaran.com

Reports Liabe & proof: Faranak Masoudi

International Editor and Overseas Adve -
tisement Executive
M. Ansari

Reporter :
Siavash Ansari

Printing: Miran Print

Address: no.37, Nader St.Tohid Ave.

tehran, Iran - Postal code:

1457884871

www.damparvaran.com

Fax: (+98 21) 66913163

Tel: +98 21 66913162

+98 21 66946250/52

damparvaran@damparvaran.com

- 1) Separation law quarrel
- 2) Why specialists say Unspecialized words
- 3) Oil cost reduce and it's affect on Iran agriculture